



پاسخنامہ

دوازدهم انسانی

۱۰ شهریور ماه ۱۴۰۲

بنیاد علمی آموزشی قلمچی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلمچی (وقف عام) ۶۴۶۳-۰۲۱

«تمام داری‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلمچی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

پدید آورندگان آزمون

طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام درس	نام طراحان
ریاضی و آمار	سامان اسپهرم، محمد بحیرایی، ابوالفضل بهاری، محمدابراهیم نوزنده جانی، گلناز بینقی، آروین حسینی، محمد حمیدی، احمدرضا ذاکرزاده، سعید عزیزخانی، فرشید کریمی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، محمدمامین داداش فام، سید علیرضا علویان، مجتبی فرهادی، یاسین مهدیان، شیوا نظری، هومن نمازی، محمدحسین یگانه
جامعه‌شناسی	امیرمهدی افشار، ریحانه امینی، آریتا بیدقی، کوثر شاه‌حسینی، فاطمه صفری، امیرحسین کاروین
روان‌شناسی	حمیدرضا توکلی، مهدی جاهدی، محمد حبیبی، مهسا عفتی
عربی زبان قرآن	محمود بادبرین، امیرحسین پورخنجر، محمد جهان‌بین، اسماعیل علیپور، حمیدرضا قائدامینی، مرتضی کاظم‌شیرودی، احسان کلاته‌عربی، روح‌الله گلشن، سیدمحمدعلی مرتضوی، آیدین مصطفی‌زاده، پیروز وجان
فلسفه و منطق	حسین آخوندی راهنماچی، سبا جعفرزاده صابری، پرگل رحیمی، محمد رضایی بقا، موسی سپاهی، فرهاد قاسمی‌نژاد، احمد منصور، فیروز نژادنجف، علیرضا نصیری
اقتصاد	نسرین جعفری، آفرین ساجدی، سارا شریفی، مهدی ضیائی، مهدی کاردان

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستار	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی	محمد بحیرایی	ایمان چینی‌فروشان، مهدی ملارمضانی، آروین حسینی	الهه شهبازی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	یاسین مهدیان	فریبا رئوفی
جامعه‌شناسی	مانده مؤمنی	مانده مؤمنی	فاطمه صفری، کوثر شاه‌حسینی	زهره قموشی
عربی زبان قرآن	احسان کلاته‌عربی	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی	لیلا ایزدی
فلسفه و منطق	سبا جعفرزاده صابری	سبا جعفرزاده صابری	فرهاد علی‌نژاد	زهره قموشی
اقتصاد	مهدی ضیائی	سارا شریفی	فاطمه صفری	زهره قموشی
روان‌شناسی	مهسا عفتی	مهسا عفتی	محمد صمدی زاداسفنگره	زهره قموشی

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	فاطمه منصورخاکی
گروه مستندسازی	مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: زهره قموشی
حروف‌چین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی



ریاضی و آمار (۲)

۱- گزینه «۳»

(فرشید کریمی)

ابتدا اعضای تابع g را به دست می آوریم. مؤلفه های اول مشترک دو تابع را پیدا می کنیم و سپس اعمال را بر روی y های آن ها انجام می دهیم:

$$g = \{(x, x^2) \mid x \in \mathbb{N}, x \leq 3\} \Rightarrow x \in \{1, 2, 3\}$$

$$g = \{(1, 1), (2, 4), (3, 9)\}$$

$$\Rightarrow D_g = D_g \cap D_f - \{x \mid f(x) = 0\} = \{1, 2, 3\}$$

$$\left(\frac{g}{f}\right)(1) = \frac{1}{1}$$

$$\left(\frac{g}{f}\right)(2) = \frac{4}{-1} = -4$$

$$\left(\frac{g}{f}\right)(3) = \frac{9}{2} = 4.5$$

$$\Rightarrow \frac{g}{f} \text{ تابع } = \left\{ \frac{1}{1}, -4, 4.5 \right\}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه های ۳۵ تا ۵۴)

۲- گزینه «۳»

(فرشید کریمی)

هر عملی که روی تابع انجام می شود، دقیقاً روی مقدارهایشان انجام می دهیم.

$$f(x) = \sqrt{1-x^2} \Rightarrow f(0) = 1, f(1) = 0$$

$$g(x) = \sqrt{4-3x} \Rightarrow g(0) = 2, g(1) = 1$$

حالا مقدار خواسته شده را پیدا می کنیم.

$$(g^2 + \sqrt{f})(0) + (\sqrt{f} + g^3)(1)$$

$$= (g(0))^2 + \sqrt{f(0)} + \sqrt{f(1)} + (g(1))^3$$

$$= 2^2 + \sqrt{1} + \sqrt{0} + (1)^3 = 4 + 1 + 0 + 1 = 6$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه های ۳۵ تا ۵۴)

۳- گزینه «۴»

(ابوالفضل بهاری)

$$f(x) = 3x^4 - 7x^2 + 5$$

$$g(x) = (x^2 - 2x)(x^2 + 2x) \Rightarrow g(x) = x^4 - 4x^2$$

$$2g - f \Rightarrow 2g(x) - f(x) = 2(3x^4 - 4x^2) - (3x^4 - 7x^2 + 5)$$

$$= 3x^4 - 12x^2 - 3x^4 + 7x^2 - 5 = -5x^2 - 5 = -5(x^2 + 1)$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه های ۳۵ تا ۵۴)

۴- گزینه «۴»

(آروین حسینی)

نکته: $\text{تعداد بیکاران} \times 100 = \frac{\text{تعداد بیکاران}}{\text{جمعیت فعال}} = \text{نرخ بیکاری}$

تعداد شاغلین + تعداد بیکاران = جمعیت فعال
با توجه به نکات فوق داریم:

$$\text{جمعیت فعال} = 2000 + 1200 = 3200$$

اگر برای این جامعه x شغل ایجاد شود جمعیت بیکار آن $1200 - x$ خواهد شد.

حال برای آنکه نرخ بیکاری ۱۳ درصد شود، داریم:

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{1200 - x}{3200} \times 100 = 13 \Rightarrow \frac{1200 - x}{32} = 13$$

$$\Rightarrow 1200 - x = 416 \Rightarrow x = 1200 - 416 = 784$$

پس ۷۸۴ شغل باید ایجاد شود تا نرخ بیکاری به ۱۳ درصد برسد.

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه های ۶۰ و ۶۱)

۵- گزینه «۲»

(آروین حسینی)

ابتدا میانگین داده ها را بدست می آوریم:

$$\bar{x} = \frac{\sum x_i}{n} = \frac{8 + 8 + 2 + 8 + 6 + 3 + 4 + 9 + 5 + 7 + 9 + 3 + 7 + 4 + 8 + 5}{10} = \frac{64}{10} = 6.4$$

حال داریم:

$$\frac{8}{4} = \frac{8 + 8 + 2 + 8 + 6 + 3 + 4 + 9 + 5 + 7 + 9 + 3 + 7 + 4 + 8 + 5}{10}$$

$$\frac{\text{طرفین}}{\text{وسطین}} \rightarrow 64 = 56 + 4a \Rightarrow 4a = 8 \Rightarrow a = 2$$

حال داده ها را از کوچک به بزرگ مرتب می کنیم، سپس میانه را بدست می آوریم:

$$2 / 8, 3, 4 / 9, 5 / 7, 6, 7, 8, 8 / 5, 8 / 8, 9 / 3$$

$$\text{میانه} = \frac{\text{داده ششم} + \text{داده پنجم}}{2} = \frac{6 + 7}{2} = 6.5$$

خط فقر برابر است با:

$$\text{خط فقر} = \frac{\text{میانه}}{2} = \frac{6.5}{2} = 3.25 = \frac{3}{25} \text{ میلیون تومان}$$

افرادی که ماهانه کمتر از $3/25$ میلیون تومان حقوق می گیرند، زیر خط فقر هستند که دو نفر را شامل می شود، در نتیجه:

$$\text{درصد افراد زیر خط فقر} = \frac{\text{تعداد افراد زیر خط فقر}}{\text{کل افراد}} \times 100 = \frac{2}{10} \times 100 = 20\%$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه های ۵۶، ۵۷ و ۶۱)



۶- گزینه «۳»

(فرشید کریمی)

شاخص بهای مرغ در سال پایه - شاخص بهای مرغ در سال مورد نظر = درصد تورم $\times 100$
 شاخص بهای مرغ در سال پایه

$$\frac{45}{100} = \frac{x-100}{100} \Rightarrow 45 = x-100 \Rightarrow x = 145$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۸ تا ۶۱)

۷- گزینه «۱»

(آروین حسینی)

در داده‌های اولیه میانگین (\bar{x}) و میانه (M) را به دست آورده تا خط فقر را به هر دو روش محاسبه کنیم:

$$\bar{x} = \frac{6/8 + 7/2 + 7/3 + 7/8 + 7/9 + 8/3 + 8/7 + 10}{8} = \frac{64}{8} = 8$$

$$\text{خط فقر} = \frac{8}{2} = 4$$

۸ داده داریم، بنابراین میانگین داده‌های چهارم و پنجم، میانه است.

$$M = \frac{7/8 + 7/9}{2} = 7/85$$

$$\text{خط فقر} = \frac{7/85}{2} = 3/925$$

برای برابر شدن خط فقر به هر دو روش باید مقدار میانه افزایش یابد، پس باید مقداری را به داده‌های شماره چهار و پنج اضافه کنیم. با توجه به گزینه‌ها مقدار باید به صورت مساوی به داده‌های چهارم و پنجم اضافه شود بنابراین مقدار x را به هر دو داده اضافه کرده و خط فقر را به هر دو روش محاسبه کرده و برابر قرار می‌دهیم:

$$6/8, 7/2, 7/3, 7/8 + x, 7/9 + x, 8/3, 8/7, 10$$

$$\bar{x} = \frac{6/8 + 7/2 + 7/3 + 7/8 + x + 7/9 + x + 8/3 + 8/7 + 10}{8}$$

$$= \frac{64 + 2x}{8} \Rightarrow \text{خط فقر} = \frac{8}{2} = \frac{32 + x}{8}$$

$$M = \frac{7/8 + x + 7/9 + x}{2} = \frac{15/7 + 2x}{2}$$

$$\text{خط فقر} = \frac{15/7 + 2x}{2} = \frac{15/7 + 2x}{4}$$

$$\Rightarrow \frac{15/7 + 2x}{4} = \frac{32 + x}{8} \Rightarrow 31/4 + 4x = 32 + x$$

$$\Rightarrow 3x = 0/6 \Rightarrow x = 0/2 = 0 \text{ میلیون تومان} = 200 \text{ هزار تومان}$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۶، ۵۷ و ۶۱)

۸- گزینه «۴»

(مهدی ابراهیم توزنده‌بانی)

(قیمت جدید ۲۲ مقدار کالا) + (قیمت جدید ۱۱ مقدار کالا) = شاخص بهای دو کالا $\times 100$
 (قیمت اولیه ۲۲ مقدار کالا) + (قیمت اولیه ۱۱ مقدار کالا)

$$\frac{a \times 50000 + 20 \times 160000}{a \times 20000 + 20 \times 100000} \times 100 = 200$$

$$\Rightarrow \frac{10000(5a + 320)}{10000(2a + 200)} \times 100 = 200$$

$$\Rightarrow \frac{5a + 320}{2a + 200} = 2 \Rightarrow a = 80$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۸ تا ۶۱)

۹- گزینه «۳»

(مهمر حمیری)

$$\bar{x} = \frac{\text{مجموع}}{\text{تعداد}} = \frac{2+3+3+5+6+11+12+18}{8} = \frac{60}{8}$$

$$\Rightarrow \bar{x} = 7/5 \text{ میلیون تومان}$$

$$\Rightarrow N = \frac{x}{y} = \frac{7/5}{2} = 3/75 \text{ میلیون تومان}$$

یافتن میانه: ۲, ۳, ۳, ۵, ۶, ۱۱, ۱۲, ۱۸

$$Q_2 = \frac{5+6}{2} = 5/5$$

$$M = \frac{\text{میانه}}{2} = \frac{5/5}{2} = 2/75 \text{ (میلیون تومان)}$$

پس مقدار N بزرگتر از مقدار M است. ($N > M$)

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۶، ۵۷ و ۶۱)

۱۰- گزینه «۳»

(مهمر بفرایی)

ابتدا تابع $f(x)$ را به صورت چند ضابطه‌ای می‌نویسیم:

$$f(x) = \begin{cases} -1 & , -1 \leq x < 0 \\ 0 & , 0 \leq x < 1 \\ 1 & , x = 1 \end{cases}$$

با توجه به نمودار تابع g ضابطه آن به صورت زیر است:

$$g(x) = \begin{cases} x & , -1 \leq x < 0 \\ -x & , 0 \leq x < 1 \\ -1 & , x = 1 \end{cases}$$

$$\Rightarrow (f \times g)(x) = \begin{cases} -x & , -1 \leq x < 0 \\ 0 & , 0 \leq x < 1 \\ -1 & , x = 1 \end{cases}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۵ تا ۴۶)



علوم و فنون ادبی (۲)

۱۱- گزینه ۴

(یاسین مهربان)
«بیدل دهلوی» را به سبب سرودن غزل‌های خیال‌انگیز و به کار بردن مضمون‌های بدیع و گاه دور از ذهن می‌شناسیم.
«کلیم کاشانی» در ابداع معانی و خیال‌های رنگین مشهور است و ضرب‌المثل‌ها و الفاظ محاوره سخن وی را برجسته ساخته است.
برخی از تکبیت‌های غزل «صائب تبریزی» شاهکارهایی از ذوق و اندیشه‌اند و بسیاری از آن‌ها به صورت ضرب‌المثل رواج یافته‌اند.
(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه ۶۱)

۱۲- گزینه ۳

(هومن نمازی)
تشریح سایر گزینه‌ها:
گزینه «۱»: این دو جریان شعری در قرن دهم وجود داشت نه در قرن یازدهم.
گزینه «۲»: شاهان صفوی در ترویج و نفوذ زبان ترکی در ایران نقشی به سزا داشتند و کم و بیش به زبان فارسی کتاب نوشته یا شعر گفته‌اند.
گزینه «۴»: برخی از آن شعرا پس از کسب شهرت و ثروت به ایران بازگشتند.
(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۵۸ و ۵۹)

۱۳- گزینه ۳

(سیدعلیرضا علویان)
در این بیت، هیچ تشخیصی دیده نمی‌شود.
تشریح سایر گزینه‌ها:
گزینه «۱»: زار گریستن ابر
گزینه «۲»: سر و روی در نقاب کردن ماه و مهر (خورشید)
گزینه «۴»: مورد خطاب قرار گرفتن چرخ فلک (روزگار) تشخیص می‌باشد.
(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه ۷۴)

۱۴- گزینه ۲

(شیوا نظری)
این بیت دارای ۵ استعاره می‌باشد: پای دل - پای دین - دست حسن - گوش مه - گوش خور (خورشید)
تشریح سایر گزینه‌ها:
گزینه «۱»: ۳ استعاره دارد: گل‌های سرفکنده (شرمنده) - اندوه‌خوردن گل‌ها - سنبل استعاره از مو
گزینه «۳»: «گریه ابر» دارای تشخیص و استعاره است و «اشک ندامت» اضافه اقترانی است.
گزینه «۴»: ۲ استعاره دارد: «فرق آفتاب» - «روی روزگار» («پای همت» و «چشم نعمت» اضافه اقترانی هستند).
(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۷۱ تا ۷۴)

۱۵- گزینه ۱

(مهمربین راداش‌فام)
«گل» در این گزینه، استعاره مصرحه از «معشوق» می‌باشد.
«بلبلان» استعاره مصرحه از «عاشقان» می‌باشد.
تکن: خطاب قرار دادن کلمه‌ای که خود استعاره مصرحه (از انسان) می‌باشد، تشخیص محسوب نمی‌شود.
تشریح سایر گزینه‌ها:
گزینه «۲»: در مصراع اول، تشخیص و استعاره مکنیه به کار رفته است. (ارغوان به سمن، جام عقیقی را می‌دهد).
در مصراع دوم نیز، «چشم نرگس» اضافه استعاری و استعاره مکنیه است.
گزینه «۳»: در این گزینه، انسان‌انگاری باد صبا اتفاق افتاده است. «عزاز نسرين» و «چشم نرگس» هر دو اضافه تشبیهی هستند.

گزینه «۴»: «رنگ آشنایی» در مصراع اول، اضافه استعاری و استعاره مکنیه است.
«سهی قدان»، «سیه‌چشم» و «ماه‌سیما»، صفت جانشین اسم هستند و استعاره محسوب نمی‌شوند.
تکن: «ماه‌سیما»، تشبیه درون‌واژه‌ای دارد.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

۱۶- گزینه ۳

(میهتی فرهادی)
سه استعاره (۱) «قدم‌های خیال»: اضافه استعاری و تشخیص، ۲- نسبت‌دادن دل به چشم تشخیص و استعاره ۳- «لؤلؤ لالا» استعاره مصرحه از اشک
تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: چهار استعاره (۱) «حقه یاقوت» استعاره مصرحه از «دهان» ۲- «لؤلؤ» استعاره مصرحه از «دندان»، ۳- «گوهر» استعاره مصرحه از «سختن»، ۴- «دُر» استعاره مصرحه از «اشک»
گزینه «۲»: چهار استعاره (۱) «رشته» استعاره مصرحه از «زلف»، ۲- «قمر» استعاره مصرحه از «چهره یار»، ۳- «نقطه» استعاره مصرحه از «خال»، ۴- «شکر» استعاره مصرحه از «لب»
گزینه «۴»: چهار استعاره (۱) «عقیق» استعاره مصرحه از «لب» ۲- «گوهر» استعاره مصرحه از «دندان» یا «سخنان ارزشمند» ۳- «سیم مذاب» (نقره آب‌شده) استعاره مصرحه از «اشک»، ۴- «زر» استعاره مصرحه از چهره زرد

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۷۱ تا ۷۴)

۱۷- گزینه ۲

(سیدعلیرضا علویان)
علامت‌های هجایی صورت سؤال، برابر با «مفتعلن مفتعلن فاعلن» است که وزن گزینه «۲» نیز با آن یکسان است.
وزن سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

گزینه «۳»: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

گزینه «۴»: فعولن فعولن فعولن

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۶)

۱۸- گزینه ۲

(هومن نمازی)
وزن این گزینه، «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است.
(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۱۹- گزینه ۳

(هومن نمازی)
مفهوم بیت صورت سؤال به این ترتیب است: روزگار مانند همسری بی‌وفا است که به شوهر خود نیز رحم نمی‌کند، پس بهتر است به آن دل نیست؛ اما موضوع بیت گزینه «۳»، در مورد بی‌وفایی نیست؛ بلکه مقایسه‌ای است میان نیش و کنایه افراد پست و بی‌وفایی دنیا.
(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهومی، ترکیبی)

۲۰- گزینه ۴

(هومن نمازی)
در گزینه‌های «۱» و «۲» و «۳» شاعران از اینکه دل جو و غم‌خواری نیست گله‌مند هستند («تفقد» به معنی «دل‌جویی» است).
در گزینه «۴»، شاعر می‌گوید غم‌خوار هست و او (معشوق، منظور شاعر) تنها غم‌خوار است و دیگران ادعای پوچ می‌کنند.
(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهومی، ترکیبی)



علوم و فنون ادبی (۱)

۲۱- گزینه ۳

(سیدعلیرضا علویان)

هر دو مورد این گزینه، از ویژگی‌های نثر این دوره هستند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مورد اول، ویژگی نثر و مورد دوم، ویژگی زبانی شعر سده پنجم و ششم است.

گزینه «۲»: هر دو مورد، از ویژگی‌های فکری شعر سده پنجم و ششم هستند.

گزینه «۴»: مورد اول، ویژگی نثر دوره سامانی و دومی، ویژگی نثر دوره غزنوی و سلجوقی است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه ۸۵)

۲۲- گزینه ۳

(مجتبی فرهادی)

تحولی که سنایی و انوری در غزل ایجاد کردند، باعث شد که در قرن هفتم، شاعران بزرگی در غزل ظهور کنند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۸۱ و ۸۲)

۲۳- گزینه ۱

(یاسین مودیان)

در نیمه دوم قرن پنجم، نثر فارسی به دوره بلوغ خود می‌رسد. در قرن ششم و اوایل قرن هفتم، آن را در حال پختگی و کمال می‌بینیم. در این دوره، نثر ساده به کمال می‌رسد و نثر مصنوع هم رایج می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۸۲ تا ۸۴)

۲۴- گزینه ۴

(یاسین مودیان)

واژگان «شربت» و «شراب» دارای اشتقاق هستند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، برید لفظی، صفحه ۹۹)

۲۵- گزینه ۳

(مجتبی فرهادی)

هر دو «زاد»، به معنی «توشه سفر» است و بیت فاقد جناس همسان است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: جناس همسان: «ضحاک» در مصراع اول: بسیار خندان، «ضحاک» در مصراع دوم: نام پادشاه افسانه‌ای ایران

گزینه «۲»: جناس همسان: «که» اول در مصراع دوم: چه کسی؟ (ضمیر پرششی)، «که» دوم در مصراع دوم: حرف ربط

گزینه «۴»: جناس همسان: «عود» در مصراع اول: چوب سوختنی خوشبو، «عود» در مصراع دوم: نوعی ابزار موسیقی

(علوم و فنون ادبی (۱)، برید لفظی، صفحه ۹۷)

۲۶- گزینه ۳

(مجتبی فرهادی)

تشبیه: شراب لعل‌فام (ادات تشبیه: فام) / جناس ناقص حرکتی: «گل» و «گل»

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: بیت، فاقد تشبیه و جناس ناقص حرکتی است.

گزینه «۲»: بیت، فاقد تشبیه و جناس ناقص حرکتی است. کلمه «تنگ»

جناس همسان دارد: تنگ (اول): کم‌فضا / تنگ (دوم): بار)

گزینه «۴»: تشبیه: برهم‌زدن عالم چون ذره / بیت، فاقد جناس ناقص حرکتی است. (دو کلمه «عالم» واژه‌آرایی دارند).

(علوم و فنون ادبی (۱)، بیان و برید، ترکیبی)

۲۷- گزینه ۴

(شیوا نظری)

ابیات «الف و ج»، فاقد قافیه دوگانه هستند:

الف) «پشت» و «انگشت» قافیه هستند و «برداشت» ردیف است.

ج) «افسون‌فروش» و «رنگ‌پوش» قافیه هستند و «است» ردیف می‌باشد.

ب) قافیه اول: «دراز» و «راز» / قافیه دوم: «است» (فعل اسنادی) و «است» (وجود دارد)

د) قافیه اول: «خون» و «چون» / قافیه دوم: «آشنا» (شناکننده) و «آشنا» (مقابل بیگانه)

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه، صفحه‌های ۹۱ و ۹۲)

۲۸- گزینه ۲

(سیدعلیرضا امیری)

در این گزینه، «گنجد» و «تسجد» واژگان قافیه هستند و «د» الحاقی است و حروف اصلی قافیه «نُج» و «نَج» هستند و چون تنها در یک مصوت کوتاه اختلاف دارند و حروف الحاقی نیز دارند، قافیه‌شان درست است و حرف روی «ج» است.

در سایر گزینه‌ها، حرف روی «د» است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه، صفحه ۹۱)

۲۹- گزینه ۲

(سیدعلیرضا امیری)

بیت، ذوقافیتین است.

«نیست» در مصراع اول در معنای فعل اسنادی به‌کار رفته و «نیست» در مصراع دوم، به معنای «وجود ندارد» می‌باشد؛ «آگاه» و «اکراه» دیگر کلمات قافیه به‌شمار می‌روند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «پر» و «در» کلمات قافیه می‌باشند؛ «آ» ردیف بیت به‌شمار می‌رود. گزینه «۳»: «را» ردیف بیت می‌باشد.

گزینه «۴»: ردیف = «نهاد» و «نهاد» (هر دو به معنای «قراردادن» می‌باشند). (علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه، صفحه‌های ۸۹ تا ۹۲)

۳۰- گزینه ۳

(ممدامین راداش‌فام)

مفهوم ابیات «الف و ج» دعوت به شادی و خوش‌باشی در جهان است و هر دو بیت با ارجاع به مرگ به بی‌ارزشی زندگی دنیا اشاره دارند و راه‌حل هر دو شاعر (خیام و حافظ) شادی و می‌نوشی است.

تشریح ابیات دیگر:

مفهوم بیت ب: عاشق در هر صورت خواهان معشوق است.

مفهوم بیت د: دوری و هجران عاشق از یار و اشتیاق او به وصال.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۱۰۱)

جامعه‌شناسی (۲)

۳۱- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمان‌های)
- از نظر کنت جنگ در جامعه جدید غربی ریشه ندارد. ← امری عارضی و تحمیلی
- بازار بخش وسیعی از اقتصاد کشورهای صنعتی را گرم می‌کند. ← تلاوم جنگ سرد
- عملیات نظامی قدرت‌های غربی را در قبال مقاومت‌های کشورهای غیر غربی توجیه می‌کند. ← نظریه جنگ تمدن‌های هانتینگتون
(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۳ تا ۸۶)

۳۲- گزینه «۲»

(امیر حسین کاروین)
شمال و جنوب: تمرکز کشورهای ثروتمند در نیم‌کره شمالی و کشورهای فقیر در نیم‌کره جنوبی دنیا
استعمارگر و استعمارزده: توجه به بعد فرهنگی و خودباختگی برخی جوامع جهان اول و دوم: مراد از جهان اول، کشورهای سرمایه‌داری بلوک غرب؛ و جهان دوم، کشورهای واقع شده در کانون بلوک شرق هستند.
توسعه‌یافتگی: کشورهای صنعتی توسعه‌یافته و سایر کشورها عقب‌مانده هستند و باید با الگوگیری از جوامع صنعتی همان راهی را که آن‌ها رفته‌اند دنبال کنند.
(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۸ و ۸۹)

۳۳- گزینه «۳»

(فاطمه صفری)
نظریه پردازان غربی، پس از فروپاشی بلوک شرق، طرف دیگری را برای جنگ جست‌وجو می‌کنند و جنگ را از کشورهای غربی (جنگ میان بلوک شرق و غرب) به فرهنگ‌ها و تمدن‌هایی منتقل کرده‌اند که در دوران استعمار، تحت سلطه جهان غرب قرار گرفته بودند.
نظریه «جنگ تمدن‌ها» که ساموئل هانتینگتون آن را مطرح کرد، نظریه‌ای بود که عملیات نظامی قدرت‌های غربی در مقابله با مقاومت‌های کشورهای غیر غربی را توجیه می‌کرد. هانتینگتون از آخرین مرحله درگیری‌ها در جهان معاصر، با عنوان جنگ تمدن‌ها یاد می‌کند. از نظر او در این مرحله، دیگر دولت-ملت‌ها بازیگران اصلی صحنه روابط بین‌المللی نیستند و رقابت‌ها و درگیری‌ها، بین فرهنگ‌ها و تمدن‌های بزرگ (نه بین دولت - ملت‌ها) به وقوع خواهد پیوست و در این میان، فرهنگ اسلامی بزرگ‌ترین تهدید برای غرب است.
(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه ۸۶)

۳۴- گزینه «۴»

(آزیتا بیرقی)
تشریح عبارت نادرست:
جوامع غربی، چالش‌های درونی خود را از طریق بهره‌کشی از کشورهای غیر غربی حل می‌کنند یعنی با ثروت به‌دست آمده از کشورهای پیرامونی رفاه کارگران و اقشار ضعیف جوامع خود را تأمین می‌کنند.
(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۸ و ۸۹)

۳۵- گزینه «۲»

(فاطمه صفری)
تشریح موارد نادرست:
بحران هنگامی ایجاد می‌شود که برخی تغییرات درونی و بیرونی، تعادل کل نظام را بر هم بزنند.
بحران اقتصادی و چالش فقر و غنا هر دو، هویت اقتصادی دارند، ولی از جهاتی با یکدیگر متفاوت اند. چالش فقر و غنا چالشی همیشگی است، ولی بحران اقتصادی اغلب دوره‌ای و مقطعی است.

همچنین آسیب‌های مربوط به فقر و غنا همواره متوجه قشرهای فقیر و ضعیف جامعه است، ولی آسیب‌های مربوط به بحران اقتصادی تمامی جامعه را در بر می‌گیرد. البته سرمایه‌داران با وجود آسیب‌هایی که می‌بینند با استفاده از ابزارهایی که دارند، فشارهای ناشی از بحران‌های اقتصادی را به اقشار ضعیف و تولیدکنندگان خرد انتقال می‌دهند؛ به همین دلیل، بحران اقتصادی اغلب با چالش فقر و غنا پیوند می‌خورد و بر دامنه آن افزوده می‌شود.
(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۱ تا ۹۴)

۳۶- گزینه «۳»

(ریحانه امینی)
تشریح گزینه نادرست:
در نگاه دنیوی، تصرف در طبیعت تنها با فنون و روش‌های تجربی صورت می‌پذیرد.
(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه ۹۵)

۳۷- گزینه «۲»

(ریحانه امینی)
تشریح عبارت نادرست:
به منظور چاره‌اندیشی برای آسیب‌های ناشی از بحران‌های زیست‌محیطی، همایش‌های بین‌المللی متعددی برگزار شده است که البته نتوانسته‌اند از شتاب بحران بکاهند.
(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۵ و ۹۶)

۳۸- گزینه «۴»

(کوثر شاه‌سینی)
تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه «۱»: چالش فقر و غنا، چالشی همیشگی است، ولی بحران اقتصادی اغلب دوره‌ای و مقطعی است.
گزینه «۲»: آسیب‌های مربوط به فقر و غنا همواره متوجه قشرهای فقیر و ضعیف جامعه است، ولی آسیب‌های مربوط به بحران اقتصادی، تمامی جامعه را در بر می‌گیرد.
گزینه «۳»: بحران اقتصادی در صورتی که کنترل نشود، می‌تواند به فروپاشی حکومت‌ها منجر شود.
(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۲ و ۹۳)

۳۹- گزینه «۱»

(کوثر شاه‌سینی)
تشریح عبارت نادرست:
الف) کشورها در ایجاد بحران‌ها، سهم یکسانی ندارند، اما همه از پیامدهای نامطلوب آنها متأثر می‌شوند.
ب) بحران هنگامی ایجاد می‌شود که برخی تغییرات درونی و بیرونی، تعادل کل نظام را بر هم بزنند.
(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه ۹۱)

۴۰- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمان‌های)
تشریح گزینه‌ها:
گزینه «۱»: درست - نادرست (در نیمه دوم قرن بیستم، با روشن شدن این که علم تجربی دارای مبانی غیرتجربی است، علم مدرن زیر سؤال رفت).
گزینه «۲»: درست - درست
گزینه «۳»: نادرست (جامعه‌شناسان قرن نوزدهم، روش تجربی خود را تنها راه درست برای شناخت جهان هستی می‌دانستند). - درست
گزینه «۴»: نادرست (در فرهنگ قرون وسطی، شناخت از راه عقل و تجربه نادیده گرفته می‌شد). - درست
(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۹ و ۱۰۰)



روان شناسی

۴۱- گزینه «۴»

(همیدرضا توکلی)

در حل مسئله توانایی‌های ما محدود است و در واقع، محدودبودن توانایی‌ها و امکانات است که برای ما مسئله را به وجود می‌آورد.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه ۱۱۶)

۴۲- گزینه «۱»

(مهمرب میبوی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: مرحله بعد از مرحله سوم، بازبینی و اصلاح راه‌حل است.

گزینه «۳»: مرحله قبلی آن به کارگیری راه‌حل مناسب برای حل مسئله است.

گزینه «۴»: راه‌حل درست و منطقی مربوط به مرحله اول است.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۱۹ و ۱۲۰)

۴۳- گزینه «۳»

(مهمرب میبوی)

نیلوفر در پاسخ به یک مسئله فلسفی (حل مسئله کاملاً آگاهانه) که دبیرش طرح کرده بود، به مشکل برخورد کرد. مشکل او این بود که نمی‌توانست برای این مسئله هدف دقیقی تعریف کند (پس این مسئله خوب تعریف نشده است). او حل این مسئله را به پس از گردش عصرگاهی خود موقوف کرد (نادیده گرفتن حل مسئله برای مدت زمان خاص، اثر نهفتگی است). وقتی مجدداً برای حل مسئله اقدام کرد، یک پاسخ اولیه به ذهنش خطور کرد. او می‌دانست که باید به دقت پاسخش را ارزیابی کند (مرحله سوم حل مسئله). در نهایت او در یک فرایند چهارمرحله‌ای پس از تعریف چند معیار پاسخ‌های به‌دست آمده خود را به معلم ارائه داد (اشاره به بارش مغزی که یک روش اکتشافی است).

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، ترکیبی)

۴۴- گزینه «۱»

(همیدرضا توکلی)

این سؤال اشاره دارد به مرحله دوم حل مسئله: به‌کارگیری راه حل مناسب.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: به مرحله اول اشاره دارد.

گزینه «۳»: به مرحله سوم اشاره دارد.

گزینه «۴»: به مرحله چهارم اشاره دارد.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۱۹ و ۱۲۰)

۴۵- گزینه «۲»

(مهوری باهری)

ناتوانی در حل مسئله موجب دو پیامد (۱) ناکامی و (۲) فشار روانی می‌شود. ناکامی حالت ناخوشایند عاطفی است که منجر به استفاده از روش‌های تهاجمی و پرخاشگرانه می‌شود. برعکس آگاهی از روش‌های حل مسئله موجب کاهش استفاده از روش‌های تهاجمی و پرخاشگرانه می‌شود. در صورتی که افراد از مهارت بیشتری در حل مسئله برخوردار باشند، احساس عاطفی بهتری نیز خواهند داشت.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه ۱۱۳)

۴۶- گزینه «۳»

(موسا عفتی)

- انتخاب بهترین بازیگر یک تصمیم گروهی است.

- انتخاب همسر آینده از تصمیمات مهم و پیچیده زندگی به‌شمار می‌رود.

- انتخاب فیلم دارای اولویت‌های زیادی است و بنابراین یک تصمیم معمولی پیچیده است.

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۱۳۸ تا ۱۱۴۰)

۴۷- گزینه «۳»

(همیدرضا توکلی)

تعارض که از نوع گرایش - اجتناب است.

اقدام مطمئن‌تر یعنی خطرآفرین و آسیب‌زا نباشد که مستلزم تصمیم‌گیری منطقی است.

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۵۰ تا ۱۵۴)

۴۸- گزینه «۳»

(همیدرضا توکلی)

- حامد بر اساس احساس شادی زودگذر تصمیم به خرید گرفته است، پس سبک او، احساسی است.

- نسیم تصمیم‌گیری را پشت گوش انداخته است، پس سبک او، اجتنابی است.

- مزده به توانایی خود اطمینان ندارد و این مانع تصمیم‌گیری‌اش می‌شود.

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۴۷ تا ۱۴۹ و ۱۵۰)

۴۹- گزینه «۴»

(مهمرب میبوی)

قسمت «الف»: صرفاً گرفتن نظر دیگران باعث نمی‌شود سبک تصمیم‌گیری وابسته باشد. در سبک تصمیم‌گیری وابسته فرد خودش تفکر نمی‌کند و کورکورانه از دیگران تقلید می‌کند.

قسمت «ب»: وقت گذاشتن برای تصمیم‌گیری بهتر با وقت تلف کردن و دست دست کردن تفاوت دارد. در موقعیت «ب» زهرآ و وقتش را تلف نمی‌کند، بلکه وقت بیشتری برای شناخت علائقش در نظر می‌گیرد.

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۱۴۳ تا ۱۱۴۷)

۵۰- گزینه «۴»

(مهوری باهری)

ملاک‌های تصمیم‌گیری سه دسته‌اند: (۱) زمانی که فرد بر اساس عدم اطمینان کافی و ریسک تصمیم‌گیری کند، مبنای تصمیم‌گیری او «خطر» است؛ مانند سارا که به خاطر احتمال ریزش اقدام به تهیه ارز نکرده است.

(۲) زمانی که فرد بر اساس سودمندی احتمالی اقدام به تصمیم‌گیری کند ملاک مبنای او «مزیت» است؛ به مانند سمیه که به سود خوب احتمالی اندیشیده است. (۳) و در نهایت زمانی که فردی به خاطر هزینه پیشین اقدام

به تصمیم‌گیری کند، ملاک او «هزینه» خواهد بود؛ برای مثال زمانی که فردی به خاطر زمانی که برای مطالعه درس ریاضی در طی سال گذاشته نمی‌تواند از سوالات درس ریاضی کنکور بگذرد و یا زمانی که سعید به سبب

هزینه‌ای که برای ارزش‌های تهیه شده کرده تصمیم می‌گیرد که اقدام به فروش ارزشها نکند.

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۴۱ و ۱۴۲)



عربی زبان قرآن (۲)

۵۱- گزینه «۱»

(معمود باربرین)

«فی أحد الأيام»: در یکی از روزها (رد گزینه ۴) / «رأيتُ»: دیدم / «الرجل الذی»: مردی که / «کان یسبح»: (فعل ماضی استمراری) شنا می کرد (رد گزینه ۲) / «البحیره»: دریاچه (رد گزینه ۳) / «کاذ یغرقُ»: نزدیک بود (چیزی نمانده بود) غرق شود / «الرجل»: مرد (رد گزینه ۳) / «أخذُ ینادی»: شروع به صدا زدن کرد، شروع کرد صدا بزند (رد گزینه ۴) / «أصحابه»: دوستانش / «لکن»: ولی / «لم یسعوا»: نشتافتند، شتاب نکردند / «لإنقاذ»: برای نجاتش

نکات مهم درسی:

فعل مضارعی که بعد از «أخذَ، بدأ» می آید، به صورت «شروع به + مصدر + کرد / شروع کرد + مضارع التزامی» ترجمه می شود.

(ترجمه)

۵۲- گزینه «۳»

(معمود میوان بین - قانتات)

«أسرت»: (فعل ماضی مجهول) اسیر شد (رد گزینه ۱) / «بید المسلمین»: به دست مسلمانان (رد گزینه ۱) / «شاهدت»: دید (رد گزینه ۴) / «خصالاً»: ویژگی هایی (رد گزینه ۱) / «من النبى»: از پیامبر (رد گزینه ۱) / «تُعجبها»: او را در شگفت می آورد، او خوشش می آمد (جمله وصفیه) (رد گزینه های ۱ و ۴) / «أسلمت»: اسلام آورد (رد گزینه ۲)

نکات مهم درسی:

فعل ماضی (شاهدت) + فعل مضارع (تُعجب) ← فعل مضارع به صورت «ماضی استمراری» ترجمه می شود.

(ترجمه)

۵۳- گزینه «۲»

(امسان کلاته عربی)

«کان یغرق»: غرق می شد، داشت غرق می شد (مقایسه کنید با: «کاد یغرق»: نزدیک بود غرق بشود) (رد گزینه های ۳ و ۴) / «بدأ ینادی رجلاً یستریح»: شروع کرد به صدا زدن مردی که استراحت می کرد / «فی البحر»: در دریا (رد گزینه های ۱ و ۴) / «الشاطی»: ساحل (رد گزینه ۱)

نکته: در الگوی «فعل ماضی + اسم نکره + فعل مضارع»، فعل مضارع (در اینجا: یستریح) معمولاً به صورت ماضی استمراری ترجمه می شود.

(ترجمه)

۵۴- گزینه «۳»

(اسماعیل علیپور)

از آن جا که حرکت حرف آخر فعل مضارع «یسخرُ» تغییر کرده و تبدیل به جزم (س) شده است، متوجه می شویم که حرف «لا» در این جا «لا نهی» است، پس ترجمه صحیح آن «نباید مسخره کند» می باشد.

نکات مهم درسی:

در ترجمه افعال نهی غایب و متکلم از کلمه «نباید» استفاده می کنیم.

(ترجمه)

۵۵- گزینه «۲»

(امیر حسین پورفتبر)

«فقیر شد»: افتقر (رد گزینه ۱) / «خوار شد»: احتقر (رد گزینه های ۳ و ۴) / «نادان ها تباهش کردند»: أضاعه الجهال (رد سایر گزینه ها)

نکات مهم درسی:

۱- فعل «افتقر» چون لازم است، مجهول نمی شود.

۲- دقت کنید: ضاع: تباه شد / أضاع: تباه کرد

(ترجمه)

۵۶- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمانهای)

معنای عبارت صورت سؤال: (راضی کردن مردم هدفی است که به دست نمی آید)، مفهوم عبارت این است که «به دنبال راضی کردن مردم نباید باشیم، زیرا امری غیرممکن است.» و این مفهوم به مفهوم گزینه «۱» نزدیک است.

تشریح سایر گزینه ها:

گزینه «۲»: درباره این است که آدم از خود راضی، عیب و نقصش از او پنهان است، یعنی عیب و نقص خود را نمی بیند.

گزینه «۳»: درباره رسیدن به مقام تسلیم و رضا از خداوند است که درجه عالی عرفان است و ربطی به مفهوم عبارت داده شده ندارد.

گزینه «۴»: ترجمه عبارت: (باید به آن چه مردم درباره ما می گویند، توجه کنیم)؛ مفهوم این عبارت ربطی به عبارت صورت سؤال ندارد.

(مفهوم)

۵۷- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمانهای)

«سلام و صلح» مترادف هستند و با کلمه «الحر» متضادند.

تشریح سایر گزینه ها:

در سایر گزینه ها فقط مترادف داریم و متضادی یافت نمی شود:

گزینه «۱»: «الأهل و أسرة» به معنای «خانواده» مترادفند.

گزینه «۲»: «شدائد و صعوبات» به معنای «سختی ها» مترادفند.

گزینه «۴»: «تساعد و تنصر» به معنای «یاری می کند» مترادفند.

(واژگان)

۵۸- گزینه «۳»

(معمود باربرین)

صورت سؤال، جمله فعلیه ای را خواسته که اسم نکره را توصیف کرده باشد. (جمله وصفیه)؛ در گزینه «۳»، جمله فعلیه «قد حذف ...»، اسم نکره «تلمیذان» را توصیف کرده است.

تشریح سایر گزینه ها:

گزینه «۱»: فعل «یتظاهر» اسم معرفه «العلب» را توضیح می دهد و نمی تواند جمله وصفیه باشد.

گزینه «۲»: چون قبل از فعل «یسحب» حرف «ف» آمده است، پس نمی تواند اسم نکره «إعصار» را توصیف کند.

گزینه «۴»: در این گزینه اسم نکره ای قبل از فعل «حاولوا» وجود ندارد که توصیف شود.

(قواعد اسم)

۵۹- گزینه «۱»

(اسماعیل علیپور)

حرف «ل» در گزینه «۱» قبل از فعل آمده است و به معنی «تا، برای اینکه» می باشد، اما در سایر گزینه ها قبل از یک اسم آمده است، پس حرف جرّ و به معنی «برای» است.

نکته: دقت کنید که «تفاخر» و «مشاهده» مصدر می باشند و مصدرها اسم هستند، نه فعل.

(قواعد فعل)



۶۰- گزینه «۲»

(سیر مفرعلی مرتضوی)

ترجمه صورت سؤال: فعلی را مشخص کن که در ترجمه، زمانش تغییر نمی‌کند؛ «ننتفع» در گزینه «۲» این چنین است. ترجمه عبارت: ما از دشمنی سود نمی‌بریم پس باید به همزیستی مسالمت‌آمیز اهتمام بورزیم!

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: وقتی فعل شرط و جواب شرط ماضی باشند، می‌توان آن‌ها را به صورت مضارع ترجمه نمود؛ ترجمه: هرکس گذشته را فراموش کند، یک بار دیگر آن را زندگی می‌نماید!

گزینه «۳»: «لم» قبل از فعل مضارع، معنای آن را به ماضی منفی تغییر می‌دهد؛ لم نستصغر: کوچک نشمرده‌ایم، کوچک نشمریدیم.

گزینه «۴»: «لن» قبل از فعل مضارع، معنای آن را به آینده منفی تغییر می‌دهد؛ لن نخرج: خارج نخواهیم شد.

(قواعد فعل)

عربی زبان قرآن (۱)

۶۱- گزینه «۴»

(همیرضا قاندرامینی - اصفهان)

در ترجمه گزینه «۱»، «از چیزهایی» معادل عربی ندارد (رد گزینه ۱) / «الأحزاب»: گروه‌ها، دسته‌ها (رد گزینه ۳) / «زأی»: (فعل ماضی) دیدند (رد گزینه ۲)

تکات مهم درسی:

۱- در تست‌های ترجمه، به نوع و صیغه فعل بسیار دقت کنید.

۲- در تست‌های ترجمه، به مفرد و جمع بودن اسم‌ها بسیار دقت کنید.

(ترجمه)

۶۲- گزینه «۴»

(امسان کلاته عربی)

«كانت تُحفر»: (فعل مجهول) حفر (کنده) می‌شدند (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / فعل «تُصَدَّر» نیز تحت تأثیر فعل «كانت» در ابتدای جمله، به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود. (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «البلدان الصناعیة»: (موصوف و صفت) کشورهای صنعتی (رد گزینه ۱)

تکات مهم درسی:

۱) اگر بعد از فعل «کان»، فعل مضارع بیاید، آن فعل مضارع به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

۲) ممکن است بعد از فعل «کان»، بیش از یک فعل مضارع بیاید؛ در آن صورت، اگر این افعال مضارع معطوف و تحت تأثیر «کان» باشند، همگی ماضی استمراری ترجمه می‌شوند، البته اگر جمله با نقطه به اتمام برسد، دیگر فعل مضارع را ماضی استمراری ترجمه نمی‌کنیم.

مثال: كان الطالبُ يذهبُ إلى المدرسة و يتكلمُ مع أصدقائه: دانش‌آموز به مدرسه می‌رفت و با دوستانش صحبت می‌کرد.

(ترجمه)

۶۳- گزینه «۴»

(روح‌الله گلشن)

به تفاوت مفرد و جمع این کلمه دقت کنید:

«الأنبوب: لوله»، «الأنابيب: لوله‌ها»

(ترجمه)

۶۴- گزینه «۲»

(مرتضی کاظم شیروزی)

«گردشگران»: السائحون (جمع مذکر سالم) و السیاح (جمع مکسر) هر دو صحیح‌اند. توجه داشته باشید که این دو کلمه اگر فاعل و یا مبتدا باشند، باید مرفوع بیایند (رد گزینه ۳؛ زیرا «السائحین» منصوب به «ی» است.) / «کشورهای صنعتی»: البلدان الصناعیة، البلاد الصناعیة (رد گزینه ۴؛ زیرا «البلاد» مفرد است.) / «بدون تمدن و فرهنگ»: دون الحضارة و الثقافة (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

تکات: کلمه «الثقافة» به معنای (فرهنگ) و «الثقافية» به معنای (فرهنگی) است.

(ترجمه)

ترجمه متن درک مطلب:

معلم آن شمععی است که می‌سوزد تا زندگی دیگران را روشن کند، معلم آن انسانی است که شبش را بیدار می‌ماند در راهی که دیگری سود ببرد، شاعر شوقی گفت: نزدیک بود که معلم پیامبری باشد!

اگر معلم نبود، قرآن خوانده نمی‌شد و مفاهیمش فهمیده نمی‌شد، و اگر او نبود، پزشکانی وجود نداشتند که معالجه کنند و مهندسانی (نبودند) که کارخانه‌ها و بیمارستان‌ها را بسازند. معلم همان اساسی است که امت‌ها و پیشرفتشان روی آن بنا می‌شوند. و اسلام جایگاه معلمین را بالا برده است آن‌جا که احادیث زیادی بر مقام معلم تأکید می‌کنند. و در حدیثی از پیامبر خدا آمده است که گفت: «همانا خدا و فرشتگانش حتی مورچه در سوراخش و حتی نهنگ در دریا بر آموزنده خیر به مردم، درود می‌فرستند.» بر ما واجب است که این موجود را مقدس بشماریم و او را گرامی بداریم و عالی‌ترین معانی احترام و تقدیر را به او پیشکش کنیم.

۶۵- گزینه «۳»

(سیر مفرعلی مرتضوی)

در گزینه «۳» آمده است: «هرکس شبش را بیدار بماند، می‌تواند از علم معلم بهره ببرد!» که مطابق متن نامناسب است.

ترجمه گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: همانا اسلام معلمین را بزرگ داشته است!

گزینه «۲»: پیشرفت ملت نتیجه تلاش‌های معلمین است!

گزینه «۴»: بر هر یک از ما واجب است که معلمین خود را در زندگی گرامی بدارد!

(درک مطلب)

۶۶- گزینه «۳»

(سیر مفرعلی مرتضوی)

عبارت گزینه «۳» صحیح است: اگر معلم نبود، دنیا پیشرفت علمی را محقق نمی‌کرد!

ترجمه گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: پزشکانی که بیماران را معالجه می‌کنند، ارزش معلم را نمی‌شناسند! (نادرست)

گزینه «۲»: بر معلمین واجب است که بیمارستان‌هایی برای کشور بسازند! (نادرست)

گزینه «۴»: وظیفه ما، فقط مقدس شمردن معلمین است! (نادرست)

(درک مطلب)



فلسفه یازدهم

۶۷- گزینه «۲»

(سیر ممبرعلی مرتضوی)

نزدیک بود که معلّم پیامبری باشد، زیرا ...

گزینه «۲»: در زندگی خود به شغل پیامبران می‌پردازد!

ترجمه گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: در تعلیم، بیش از پیامبر می‌کوشد! (نامناسب)

گزینه «۳»: می‌تواند سخن خداوند عزیز و بلندمرتبه را بشنود! (نامناسب)

گزینه «۴»: می‌خواهد پیامبری شود! (نامناسب)

(درک مطلب)

۶۸- گزینه «۴»

(افسان کلاته عربی)

شکل صحیح کلمات این گزینه، «مَخَطَّات» و «تُحَدَّر» است.

دقت کنید «مَخَطَّات» اسم مکان است، «تُحَدَّر» نیز فعل مضارع از باب تفعیل است.

(ضبط مرکبات)

۶۹- گزینه «۲»

(اسماعیل علیپور)

در گزینه «۲»، کلمه «المؤمنون» مبتدا و معرب است و کلمه «مَن» خبر و مبنی می‌باشد.

تکنه مهم درسی:

دقت کنید کلمات «مَن، ما، الّذی، الّتی، الّذین، الّلاتی» از اسامی موصول و مبنی هستند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «بیع» مبتدا، «غیر» خبر و هر دو معرب هستند.

گزینه «۳»: «طاق» مبتدا، «أحد» خبر و هر دو معرب هستند.

گزینه «۴»: «هذا» مبتدا و مبنی، اما «رجل» خبر و معرب است.

(انواع عملات)

۷۰- گزینه «۴»

(آبرین مصطفی زاده)

صورت سؤال، از ما عبارتی را خواسته است که فاعل نداشته باشد. در زبان عربی، فعل‌های مجهول به جای فاعل، نائب فاعل دارند. در گزینه «۴»، فعل «قد کتب» نوشته شده است «مجهول است» و «التمرین»، نائب فاعل آن و مرفوع است.

ترجمه عبارت: «در ابتدای جلسه، تمرین اول بر روی تخته نوشته شده است!»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: بعد از ظهور اسلام، واژگان عربی در زبان فارسی افزایش یافته است. («إزدادت»: فعل معلوم / «المفردات»: فاعل)

گزینه «۲»: ماهی‌ها در دریاها و رودها زندگی می‌کنند و انواع مختلفی دارند. («تعیش»: فعل معلوم / «الأسماك»: فاعل)

گزینه «۳»: معلّم بسیار تلاش می‌کند تا شما را در رسیدن به موفقیت یاری کند! («يُحاول، يُساعد»: فعل معلوم)

(انواع عملات)

۷۱- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمان‌ای)

گرچه گاهی در شناخت حسی خطا رخ می‌دهد، اما این شناخت به قدری برای ما معتبر است که بر پایه آن زندگی می‌کنیم و از اشیای طبیعی بهره می‌بریم و نیازهایمان را برطرف می‌سازیم. یکی از نشانه‌های ارزش و اعتبار شناخت حسی، توانایی حس در شناخت تفاوت‌ها و تمایزهاست.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۱ و ۵۲)

۷۲- گزینه «۲»

(فرهار قاسمی نژاد)

شناخت تمایزها و تفاوت‌های اشیاء این امکان را به انسان می‌دهد که به کمک عقل خود از اشیای متفاوت استفاده‌های مختلف بکند؛ مثلاً اگر در مقابل ما یک لیوان آب و یک ظرف غذا باشد، برای رفع تشنگی لیوان آب را برمی‌داریم و برای رفع گرسنگی به سراغ غذا می‌رویم. این عمل به ما می‌فهماند که ما در تشخیص لیوان آب و ظرف غذا اشتباه نکرده‌ایم، پس استفاده از اشیاء صرفاً به‌واسطه حواس نیست و با کمک عقل صورت می‌گیرد. هم‌چنین از آن‌جایی که با حواس خود به خطا بودن شناخت حسی پی‌می‌بریم همین مورد نشانه‌ای برای اعتبار حواس است.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۱ و ۵۲)

۷۳- گزینه «۱»

(علیرضا نصیری)

دریچه ارتباطی ما با جهان، حواس پنجگانه می‌باشند. بنابراین این فرد ادعا کرده‌است که شناخت عقلی معتبر نیست و فقط شناخت حسی اعتبار دارد؛ در حالی که می‌دانیم حتی استدلال‌های شناخت تجربی نیز حاصل همکاری حس و عقل است و اگر خوب دقت کنیم در خواهیم یافت که همین جمله از راه عقل به دست آمده و حس اساساً نمی‌تواند چنین شناختی را برای انسان به‌دست بیاورد. از آنجایی که این جمله فرد، اساساً از حکم عقل ناشی شده و به واسطه آن بیان گشته‌است، پس او در این جمله بر «عقل» تکیه دارد هرچند که سعی می‌کند، عقل را نفی کند!

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۲ تا ۵۴)

۷۴- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمان‌ای)

رسیدن به معرفت شهودی به تدریج و گام به گام حاصل می‌شود و نیازمند سیر و سلوک و تهذیب نفس است و ناگهانی و دفعی نیست.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه ۵۴)

۷۵- گزینه «۳»

(امیر منصوری)

از نظر سوفسطائیان نمی‌توان گفت نظر اندیشمندان نادرست بوده است زیرا آنان حقیقت و شناخت را امری نسبی می‌دانستند، پس فقط تضاد و تناقض حرف‌های اندیشمندان درست است و نمی‌توان مطابق نظرات سوفسطائیان در مورد نادرستی سخن آنان اظهار نظر کرد.

سایر گزینه‌ها از جمله موارد و تبعات اندیشه سوفسطائیان است.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه ۶۰)

۷۶- گزینه «۳»

(موسی سپاهی - سروان)

ارسطو با تدوین منطق، گامی مهم در این زمینه برداشت و توانست قواعد استدلال و شیوه‌های مصون ماندن از خطا و مغالطه را آموزش دهد و مانع رشد سفسطه در جامعه شد.

(فلسفه یازدهم، نگاهی تاریخچه معرفت، صفحه ۶۰)



اقتصاد

۷۷- گزینه «۴»

(سبا معفرزاده صابری)

علامه سیدمحمدحسین طباطبایی فیلسوف بزرگ معاصر می گوید: صدرالمতألهین پایه بحث‌های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف و شرع گذاشت. اگر چه ریشه این نظر در کلمات معلم ثانی، ابن‌سینا، شیخ اشراق و خواجه نصیر طوسی نیز به چشم می‌خورد، ولی این صدرالمتألهین است که توفیق کامل انجام این مقصد را پیدا کرد، پس نخستین فیلسوف ملاصدرا نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ابن‌سینا و فارابی نیم‌نگاهی به شناخت شهودی داشتند، اما آن را در فلسفه خود وارد نمی‌کردند. ابن‌سینا در یکی از کتاب‌های خود که به تبیین عرفان می‌پردازد، به‌طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می‌دهد، اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال فلسفی سخن نمی‌گوید.

گزینه «۲»: سه‌رودی کوشید آنچه را که از طریق اشراق و به‌صورت الهامات شهودی به‌دست آورده بود تبیین استدلالی کند و در نهایت نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید.

گزینه «۳»: چندی بعد ملاصدرا شیرازی، فیلسوف بزرگ قرن یازدهم هجری، راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و توانست به‌نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره‌بردارد.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۳)

۷۸- گزینه «۲»

(موسی سپاهی - سراوان)

بیکن از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می‌ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود (رد گزینه‌های ۴ و ۱). به نظر بیکن فیلسوفان گذشته با دنباله‌روی از ارسطو، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و همین امر سبب شده بود که علوم تجربی در خرافات و تعصب‌های بیجا محصور بماند و پیشرفت نکند.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه ۶۴)

۷۹- گزینه «۲»

(فیروز نژادنیف - تبریز)

تجربه نمی‌توانست درباره نیاز جهان به مبدأ و خدا و وجود عوالمی غیر از عالم طبیعت و اساس خوب و بد‌های اخلاقی اظهارنظر کند؛ زیرا ابزار لازم برای چنین مسائلی را در اختیار ندارد.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۵ و ۶۶)

۸۰- گزینه «۲»

(پرگل ریمی)

نقطه اشتراک نظریه نسبی‌گرایان و سوفسطائیان این است که درک و شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش معتبر است.

اما نقطه افتراق این دو نظریه در این است که سوفسطائیان معتقدند که حقیقت امری یکسان نیست و مطابق درک و شناخت ما انسان‌ها می‌تواند تغییر کند (اشیا هر طوری که در هر نوبت به نظر من می‌آیند در آن نوبت همان‌طور هستند ...). اما نسبی‌گرایان معتقدند که شناخت حقیقت امری یکسان نیست. (من در این وضعیت فکری می‌کنم این شیء این‌گونه است / نه اینکه حتماً این شیء در حقیقت آن‌گونه باشد).

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۰ و ۶۶)

۸۱- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

بررسی عبارات صورت سؤال:

(الف) صحیح است.

(ب) صحیح است.

(پ) نادرست است؛ در دوره پایانی حکومت صفویه، دولت‌های اروپایی با تجهیز ناوگان خود به رقابت شدید نظامی و تجاری با یکدیگر و استعمار کشورهای دیگر پرداختند.

(ت) نادرست است؛ در دوران حکومت قاجار، مواردی مانند: بی‌توجهی به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، سیاست‌های رکودی و انقباضی و تأسیس بانک‌های روسی و انگلیسی آسیب‌های توان‌فرسایی بر اقتصاد ایران وارد کرد.

(ث) نادرست است؛ ویژگی عمده حکومت در دوران پهلوی: جدا شدن اقتصاد ایران از ابعاد هویتی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و دینی خود بود.

(ج) نادرست است؛ در دوران حکومت پهلوی، بسیاری از کارخانجات بزرگ و زیرساخت‌های صنعتی در این دوران ساخته شد. با این حال ساختارهای اساسی اقتصاد کشور زیر سلطه و برنامه‌ریزی بیگانگان قرار گرفت.

(چ) صحیح است.

(اقتصاد، مقاوم‌سازی اقتصاد، صفحه‌های ۱۰۷ تا ۱۱۱)

۸۲- گزینه «۳»

(سارا شریفی)

بررسی عبارات صورت سؤال:

(الف) غلط است؛ اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است پیشرفته، مردمی و دانش‌بنیان که در برابر تهدیدات و تکانه‌های داخلی و خارجی، آسیب‌ناپذیر است و با اتکای به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های داخلی و استفاده از فرصت‌های بیرونی، نیازها و مشکلات اقتصادی را رفع می‌کند و با تحریم‌ها و تهدیدات دشمنان، به زانو در نمی‌آید. وابسته نبودن اقتصاد ملی به اقتصادهای بیگانه را می‌توان با نام استقلال اقتصادی شناخت. با این حال استقلال اقتصادی به‌معنای قطع ارتباط با کشورهای دیگر نیست و هر کشوری برای پیشرفت، به تعامل منطقی با کشورهای دیگر نیاز دارد. مهم آن است که این تعامل، مقتدرانه و از روی تدبیر باشد.

(ب) غلط است؛ اینکه کشورها در شرایط سخت پیش‌بینی نشده چه واکنشی نشان می‌دهند به قدرتمند بودن آن‌ها بستگی دارد. آیا ساختارهای اقتصادی یک کشور پر قدرت است؟ آیا شرکت‌های تولیدی در شرایط سخت می‌توانند، نیاز کشور را برآورده کنند؟ آیا اقتصاد کشور وابسته است یا مستقل؟

پاسخ به این پرسش‌ها و پرسش‌های مشابه، در روبه‌رو شدن کشورها با شرایط سخت تحریم و تهاجم تعیین‌کننده است.

(ج) غلط است؛ اقتصاددانان با اصطلاحاتی مانند: ثبات اقتصادی، استحکام اقتصادی، تاب‌آوری اقتصاد و پایداری بر مقاوم‌سازی اقتصادی تأکید می‌کنند.

(د) صحیح است.

(ه) صحیح است.

(اقتصاد، مقاوم‌سازی اقتصاد، صفحه‌های ۱۱۱ و ۱۱۵)



۸۳- گزینه «۲»

(نسرین بیغری)

الف) صرفه جویی در مصرف و تولید کالاها و خدمات رفاهی در حال حاضر و سرمایه گذاری در زیرساختها ← رشد اقتصادی در آینده (یا انتقال PPF به راست و خارج)

ب) هدر رفتن سوخت و آلودگی محیط زیست ← ناکارا شدن اقتصاد و انتقال از نقطه روی منحنی به نقطه ای زیر منحنی

پ) انتقال از نقطه C به نقطه B ← در نقطه ناکارای C، عوامل تولید بیکار و غیرفعال هستند ← با انتقال به نقطه B از عوامل بیکار فقط در تولید کالای X استفاده می شود.

انتقال از نقطه C به نقطه M ← از عوامل بیکار و غیرفعال در نقطه C نیمی در تولید کالای X و نیمی دیگر در تولید کالای Y استفاده می شود. (اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه های ۱۱۸ و ۱۱۹)

۸۴- گزینه «۲»

(کنکور ری ماه ۱۴۰۱)

یک منشأ رشد اقتصادی، افزایش در منابع (جمعیت، سرمایه های فیزیکی، سرمایه انسانی) است؛ برای مثال، اگر جمعیت در طول زمان رشد کند، به طور کلی عرضه نیروی کار هم افزایش می یابد.

سرمایه های فیزیکی کشور می تواند با سرمایه گذاری در کارخانه ها، ساختمان ادارات، ماشین آلات و مغازه ها افزایش یابد. سرمایه انسانی با آموزش افزایش می یابد. با منابع در دسترس بیشتر، یک کشور می تواند کالا و خدمات بیشتری تولید کند.

مؤلفه های پیشرفت اقتصادی:

– رشد اقتصادی

– شاخص های توسعه انسانی (نظیر بهداشت، سواد (میانگین سال های تحصیل و امید به زندگی)

– شاخص توزیع عادلانه درآمد

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه ۱۱۸)

۸۵- گزینه «۳»

(مهری ضیائی)

ارزش حاصل از خرید و فروش کالاهای دست دوم از جمله گوشی موبایل در محاسبات تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی شوند. این قبیل کالاها زمانی که برای اولین بار تولید و فروخته شده اند، به حساب آمده اند. بنابراین گوشی موبایل آتوسا زمانی که توسط خود او فروخته شد و نیز زمانی که دوستش پس از تعمیر آن را به فروش رساند، در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی شود. البته ۲ میلیون تومانی که صرف تعمیر نمایشگر گوشی موبایل شده از آنجایی که در ازای آن پول رد و بدل شده است، در محاسبات لحاظ می شود. لذا می توان گفت این تبادلات مالی در مجموع ۲ میلیون تومان تولید ناخالص داخلی کشور را افزایش داده است.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه های ۱۲۰ و ۱۲۱)

۸۶- گزینه «۲»

(آفرین ساپری)

الف)

$$1400 = (1000 \times 200) + (3000 \times 100)$$

$$= 500,000 + (200,000) = 700,000 \text{ تومان}$$

$$1402 = (1000 \times 250) + (3000 \times 200)$$

$$= 850,000 + (600,000) = 1,450,000 \text{ تومان}$$

نرخ رشد تولید واقعی در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال پایه

$$= \frac{850,000 - 500,000}{500,000} \times 100 = 70 \text{ درصد}$$

ب) برای محاسبه میزان افزایش قیمت ها (تورم)، تولید اسمی در سال ۱۴۰۱ را به دست می آوریم و سپس آن را از تولید واقعی این سال کم می کنیم تا بفهمیم چه مقدار از افزایش تولید کل در سال ۱۴۰۱ ناشی از افزایش قیمت ها (پدیده تورم) است:

$$1401 = (1700 \times 220) + (5000 \times 150)$$

$$= 374,000 + 750,000 = 1,124,000 \text{ تومان}$$

$$1401 = (1000 \times 220) + (3000 \times 150)$$

$$= 220,000 + 450,000 = 670,000 \text{ تومان}$$

= میزان افزایش تولید کل ناشی از افزایش تورم در یک سال

تولید واقعی در همان سال - تولید اسمی در سال مورد نظر

$$= 1,124,000 - 670,000 = 454,000 \text{ تومان}$$

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه های ۱۲۲ و ۱۲۳)

۸۷- گزینه «۱»

(نسرین بیغری)

سهام دهک سوم = ۱ - سهام دهک چهارم

$$\Rightarrow 6 - 1 = 5 \text{ درصد (سهام دهک سوم)}$$

سهام دهک دوم = ۱ - سهام دهک سوم

$$\Rightarrow 5 - 1 = 4 \text{ درصد (سهام دهک دوم)}$$

سهام دهک اول = ۱ - سهام دهک دوم

$$\Rightarrow 4 - 1 = 3 \text{ درصد (سهام دهک اول)}$$

یک معادله دوجهولی درست می کنیم و از روش حذفی، دستگاه را حل می کنیم.

$$\begin{cases} 45 = \text{سهام دهک نهم} + \text{سهام دهک دهم} \\ 13 = \text{سهام دهک نهم} - \text{سهام دهک دهم} \end{cases}$$

$$\underline{13 = \text{سهام دهک نهم} - \text{سهام دهک دهم}}$$

$$2 = 45 + 13 = \text{سهام دهک دهم}$$

$$2x = 58 \Rightarrow x = \frac{58}{2} = 29 \text{ (درصد) سهام دهک دهم}$$

$$29 - 13 = 16 = \text{سهام دهک نهم (درصد)}$$

سهام دهک اول (۱۰ درصد پایین جامعه) از درآمد ملی:

$$\frac{3}{100} \times 50,000 = 1,500 \text{ میلیارد واحد پولی}$$

مجموع سهام دهک دهم و نهم (۲۰ درصد بالا و پردرآمد) (درصد)

$$45 + 16 = 29 \text{ از درآمد ملی:}$$

$$\frac{45}{100} \times 50,000 = 22,500 \text{ میلیارد واحد پولی}$$

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه های ۱۲۴ و ۱۲۵)



۸۸- گزینه «۱»

(موردی کارردان)

الف) افزایش درآمد خریداران کالاها و محصولات تولیدشده ← رشد اقتصادی
 افزایش میانگین سال‌های تحصیلی کارمندان شرکت‌ها ← پیشرفت اقتصادی
 ب) مؤلفه‌هایی نظیر، میزان امید به زندگی در بدو تولد، میانگین سال‌های تحصیلی، سرانه درآمد ناخالص ملی و شاخص‌های نابرابری تشکیل‌دهنده شاخص توسعه انسانی است.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۶ و ۱۲۸)

۸۹- گزینه «۴»

(سارا شریفی)

میلیون ریال $15,000 = 500 \times 30 =$ ارزش مواد غذایی
 میلیون ریال $250,000 = 5,000 \times 50 =$ ارزش ماشین‌آلات
 ریال $7,500,000,000 = 15,000 \times 500,000 =$ ارزش پوشاک
 = ۷,۵۰۰ میلیون ریال
 (ارزش پوشاک) $\frac{2}{3} \times$ ارزش خدمات ارائه شده

میلیون ریال $5,000 = \frac{2}{3} \times 7,500 =$

$15,000 + 250,000 + 7,500 + 5,000 =$ تولید ناخالص داخلی

میلیون ریال ۲۷۷,۵۰۰ =

(ارزش ماشین‌آلات) $\frac{1}{25} \times$ هزینه استهلاک

میلیون ریال $10,000 = \frac{1}{25} \times 250,000 =$

هزینه استهلاک - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی

میلیون ریال $267,500 = 277,500 - 10,000 =$ تولید خالص داخلی

$\frac{\text{تولید ناخالص داخلی}}{\text{جمعیت کشور}} =$ تولید ناخالص داخلی سرانه

ریال $5,550 = \frac{277,500}{50} =$

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۰ و ۱۲۱)

۹۰- گزینه «۲»

(سارا شریفی)

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: «امید به زندگی در بدو تولد» در نروژ ۳ / ۸۲ سال است.

گزینه «۳»: «رتبه (HDI)» در آلمان ۴ است.

گزینه «۴»: درآمد ناخالص ملی سرانه (GNI) در ایرلند ۶۶۰ / ۵۵ دلار PPP است.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه ۱۲۶)

ریاضی و آمار (۳)

۹۱- گزینه «۳»

(کلناز بینقی)

ابتدا به شرطی که در صورت سوال هست توجه می‌کنیم و «t» و «r» را در یک باکس جداگانه در نظر می‌گیریم. «t» و «r» در دو حالت در کنار هم قرار می‌گیرند، پس ۲! جایگشت دارند.

در نتیجه «جایگشت ۶ حرف و یک باکس»:

$$t, r \text{ compue}$$

$$\Rightarrow 7! \times 2!$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

۹۲- گزینه «۳»

(مهمرب بفرایی)

فرض کنیم از شهر C به شهر D تعداد x راه وجود دارد، طبق اصل جمع و ضرب داریم:

$$\left. \begin{array}{l} A \xrightarrow{3} B \xrightarrow{2} D \\ A \xrightarrow{2} C \xrightarrow{x} D \\ A \xrightarrow{1} D \end{array} \right\} \Rightarrow 3 \times 2 + 2x + 1 = 15$$

$$\Rightarrow 2x = 15 - 7 \Rightarrow 2x = 8 \Rightarrow x = 4$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۴)

۹۳- گزینه «۳»

(مهمرب بفرایی)

$$\binom{n}{2} = 28 \Rightarrow \frac{n!}{(n-2)! \times 2!} = 28$$

$$\Rightarrow \frac{n(n-1)}{2} = 28 \Rightarrow n(n-1) = 56 = 8 \times 7$$

$$\Rightarrow n = 8$$

$$\Rightarrow \binom{8}{3} = \frac{8!}{5! \times 3!} = \frac{8 \times 7 \times 6}{3 \times 2 \times 1} = 56$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۸ تا ۱۱)

۹۴- گزینه «۲»

(مهمرب بفرایی)

$$C(4,2) = \frac{4!}{2! \times 2!} = \frac{4 \times 3}{2 \times 1} = 6$$

$$P(6,2) = \frac{6!}{(6-2)!} = \frac{6 \times 5 \times 4!}{4!} = 30$$

$$0! = 1! = 1$$

$$\Rightarrow \text{عبارت} = \frac{6 + 30}{1 \times 1} = 36$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۵ تا ۱۱)

۹۵- گزینه «۳»

(سعید عزیزقانی)

در هر گزینه اعضای مربوط به پیشامدی که تعداد عضو کمتری دارد را می‌نویسیم. اگر بین اعضای پیشامد نوشته شده و پیشامد دیگر عضو مشترکی پیدا نکردیم آن گزینه را انتخاب می‌کنیم یعنی گزینه‌ای درست است که در آن $A \cap B = \emptyset$ باشد.

گزینه «۱» اعضای پیشامد B را می‌نویسیم:

$$B = \{(1,1), (1,3), (1,5), (3,1), (3,3), (3,5), (5,1), (5,3), (5,5)\}$$



تمام عضوهای پیشامد B در پیشامد A نیز وجود دارند، بنابراین:

$$A \cap B \neq \emptyset$$

گزینه «۲» اعضای پیشامد B را می‌نویسیم:

$$B = \{(5,6), (6,5), (6,6)\}$$

یکی از عضوهای پیشامد B یعنی (6,6) در پیشامد A نیز وجود دارد،

$$A \cap B \neq \emptyset$$

گزینه «۳» اعضای پیشامد A را می‌نویسیم:

$$A = \{(1,2), (2,1), (2,4), (4,2), (3,6), (6,3)\}$$

هیچکدام از اعضای پیشامد A در پیشامد B وجود ندارد، بنابراین:

$$A \cap B = \emptyset$$

گزینه «۴» اعضای پیشامد A را می‌نویسیم:

$$A = \{(3,3), (3,6), (6,3), (6,6)\}$$

دو عضو از پیشامد A یعنی (3,6) و (6,3) در پیشامد B نیز وجود

$$A \cap B \neq \emptyset$$

دارند، بنابراین: (ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۶)

۹۶- گزینه «۴»

(فرشید کریمی)

$$P(A) = \frac{n(A)}{n(S)}$$

$$n(S) = 8!$$

از اصل متمم استفاده می‌کنیم، حالتی را فرض می‌کنیم که مهره‌های آبی کنار هم باشند.

$$3 = 4! \times 5!$$

$$\Rightarrow P(A') = \frac{n(A')}{n(S)} = \frac{4! \times 5!}{8!} = \frac{1}{14}$$

$$P(A) = 1 - P(A') = 1 - \frac{1}{14} = \frac{13}{14}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۷)

۹۷- گزینه «۲»

(مهمبر ابراهیم توزنده‌پانی)

$$n(S) = \binom{12}{10} = \binom{12}{2} = \frac{12 \times 11}{2} = 66$$

$$n(A) = \binom{6}{5} \binom{6}{5} + \binom{6}{6} \binom{6}{4} = 6 \times 6 + 1 \times 15 = 36 + 15 = 51$$

$$P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{51}{66} = \frac{17}{22}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۴ تا ۲۱)

۹۸- گزینه «۴»

(مهمر عمیری)

از روی شکل می‌فهمیم که پیشامد $A \cap B$ (یعنی A و B هر دو با هم)

اتفاق نیفتاده است، پس به عبارت دیگر پیشامد (حداکثر یکی از پیشامدهای

A یا B اتفاق بیفتد) را نشان می‌دهد.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۶)

۹۹- گزینه «۳»

(ابوالفضل بوری)

$$n(S) = 4 \times 4 \times 3 \times 2 = 96$$

پیشامد A = عدد انتخاب شده زوج و بزرگ‌تر از ۵۰۰۰ باشد:

$$\begin{array}{r} 4 \\ \times \\ 4 \\ \times \\ 3 \\ \times \\ 2 \\ \times \\ \hline 8 \\ 16 \\ 24 \\ 48 \\ \hline 96 \end{array}$$

از آنجا که ارقام مجاز خانه‌های مشروطه اشتراک دارند و هیچ کدام زیرمجموعه دیگری نیست، دسته‌بندی می‌کنیم:

$$2 \times 3 \times 2 \times 3 = 36 \quad \text{الف) یکان } 0, 2 \text{ یا } 4 \text{ باشد:}$$

$$1 \times 3 \times 2 \times 1 = 6 \quad \text{ب) یکان } 6 \text{ باشد:}$$

$$n(A) = 36 + 6 = 42 \Rightarrow P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{42}{96} = \frac{7}{16}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۴ تا ۲۱)

۱۰۰- گزینه «۱»

(سامان اسپهرم)

$$P(B - A) = P(B) - P(A \cap B) \xrightarrow{P(B-A)=0/55}$$

$$0/55 = P(B) - P(A \cap B)$$

$$P(A \cup B) = P(A) + P(B) - P(A \cap B)$$

$$0/68 = P(A) + 0/55 \Rightarrow P(A) = 0/13$$

$$P(A') = 1 - P(A) = 1 - 0/13 = 0/87$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۴ تا ۲۷)

علوم و فنون ادبی (۳)

۱۰۱- گزینه «۱»

(مهمر حسین گیانه)

نویسندگان این دوره مطالب خود را در روزنامه‌ها اغلب در قالب مقاله منتشر می‌کردند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۸ و ۱۹)

۱۰۲- گزینه «۳»

(شیوا نظری)

تشریح موارد نادرست:

ب: نشاط اصفهانی و صبا کاشانی هر دو در غزل و قصیده مهارت داشتند، اما صبا کاشانی بود که در مثنوی هم دست داشت.

ج: «گنجینه نشاط» از نشاط اصفهانی ترکیبی از آثار منشور و منظوم اوست، نه صرفاً آثار منظوم او.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۱۰۳- گزینه «۳»

(سیدعلیرضا علویان)

وزن این بیت، «مفتعلن فاعلات مفتعلن فع» می‌باشد که جزء دسته‌بندی اوزان ناهمسان می‌باشد.



وزن سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن (همسان)
 گزینه «۲»: مفتعلن مفتعلن فاعلن (همسان)
 گزینه «۴»: مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن (همسان دوری)
 (علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۶)

۱۰۴- گزینه «۳»

(مبتهی فرهارى)
 وزن گزینه «۳»، «مفعول مفاعله مفاعله» یا «مستفعل فاعلات مستفعل» است.

تشریح سایر گزینه‌ها: آزمون وی آی پی

گزینه «۱»: مفعول فاعلات مفاعله مفاعله (مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل)
 گزینه «۲»: مفعول مفاعله مفاعله مفعولن (مستفعل فاعلات مستف)
 گزینه «۴»: مفعول مفاعله مفاعله مفعولن (مستفعل مستفعل مستف)
 (علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۶)

۱۰۵- گزینه «۳»

(مبتهی فرهارى)
 نشانه‌های هجایی این بیت را می‌توان به دو صورت جدا نمود: ۱- «مستفعل فاعلات مستفعل» ۲- «مفعول مفاعله مفاعله»

وزن سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مفتعلن مفاعله مفتعلن مفاعله
 گزینه «۲»: مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن
 گزینه «۴»: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۶)

۱۰۶- گزینه «۲»

(شیوا نظری)
 بیت فاقد تلمیح است و «خضر» معنی سبزه و گیاهان دارد.
 تشبیه: زاغ مانند نوحه‌گر است.
 جناس: «در» و «بر» جناس ناقص اختلافی هستند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: تلمیح به داستان حضرت عیسی و سوزن که گفته‌اند علت اینکه حضرت عیسی نتوانست از آسمان چهارم بالاتر برود وجود سوزنی در لباسش بود که نشانه‌ای از تعلق به دنیا محسوب می‌شد.

جناس: «مانع» و «قانع» / فاقد تشبیه

گزینه «۳»: تلمیح به آیه ۷۲ سوره احزاب (إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا): آن امانتی که به آسمان و زمین عرضه شد و ملائکه از قبول آن سر باز زدند و به تعبیر عارفان عشق است.

فاقد تشبیه و جناس

گزینه «۴»: بیت، فاقد تلمیح و تشبیه است.

جناس تام: چین اول (چین و چروک) و چین سوم (کشور چین)

(علوم و فنون ادبی (۳)، بیان و بریح، ترکیبی)

۱۰۷- گزینه «۱»

بررسی آرایه هر بیت:

(شیوا نظری)

الف: «ای غم» تشخیص و استعاره مکنیه می‌باشد.

ب: واژه «نفخت» تلمیح دارد به آیه «و نفخت فيه من روحي» و دمیده‌شدن روح الهی در آدم.

ج: مصراع دوم بیت، تضمین دارد و برگرفته از حدیث قدسی است که خداوند خطاب به نبی اکرم (ص) فرموده است که اگر تو نبودى، جهان را نمى‌آفریدم.

د: تناسب بین واژه‌های «مژگان»، «ابرو» و «تیر»، «کمان»

(علوم و فنون ادبی، بیان و بریح، ترکیبی)

۱۰۸- گزینه «۲»

(یاسین مهریان)

تشبیه: منصورصفت / تلمیح: اشاره دارد به منصور حلاج و به دارکشیده‌شدن وی / جناس: «بر» و «زیر»: جناس ناهمسان افزایشی

(علوم و فنون ادبی، بیان و بریح، ترکیبی)

۱۰۹- گزینه «۱»

(سیرعلیرضا امیری)

الف) استعاره: پیرهن گل (تشخیص) / تشبیهات: زلیخای صبا و یوسف گل (سعدی به زیبایی باد صبا را به زلیخایی تشبیه کرده که پیراهن گل را پاره می‌کند). / تلمیح: اشاره غیرمستقیم به داستان مشهور یوسف و زلیخا

ب) استعاره: لب چشمه (تشخیص) / تشبیه مضمیر: ادعای همانندی لب‌های بار و چشمه حیات (معنای بیت: اگر خضر لب‌های تو را می‌دید، می‌گفت که این لب، لب چشمه حیات است. در ادبیات ما «لب» پدیده‌ای جان‌بخش و مروج است و از این‌رو آن را به آب و چشمه مانند می‌کنند). / تلمیح: یادآور حکایت خضر و آب حیات

ج) بیت فاقد تشبیه است. / استعاره: ساقی (در کنکورهای اخیر این واژه استعاره گرفته می‌شود. شاید استعاره از «واسطه فیض الهی») / تلمیح: اشاره به «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ...»

د) بیت فاقد استعاره است. / تشبیه: شاید تشبیه دانستن رابطه بین واژه «رخ» و «نور» سخت‌گیرانه باشد، ولی واضحاً بین «زلف» و «شب» رابطه شباهت مشهود است. این تشبیه، از نوع مضمیر یا پنهان است و اغلب بین یک پدیده مربوط به معشوق و یک پدیده طبیعی اتفاق می‌افتد. مثل قد و سرو یا چشم و نرگس و یا ماه و چهره. / تلمیح: یادآور دیدار خداوند و موسی در کوه طور

ه) بیت فاقد تلمیح است. / تشبیه: خم‌خانه عشق (خم‌خانه: می‌کده) / تشخیص و استعاره: در و دیوار خراب (مست) هستند.

(علوم و فنون ادبی، بیان و بریح، ترکیبی)

۱۱۰- گزینه «۴»

(مهدامین رادراش‌فام)

مفهوم بیت گزینه «۴»: اعتراض عاشق به بی‌توجهی معشوق و طاقت‌نداشتن عاشق

مفهوم ابیات سایر گزینه‌ها: عاشق باید سختی‌های راه رسیدن به معشوق را تحمل کند (چه بخواهد، چه نخواهد).

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهومی، صفحه ۳۰)

عربی، زبان قرآن (۳)

۱۱۱- گزینه «۳»

(امیر حسین پورقنبر)

«لا یحزنک»: نباید تو را اندوهگین کنند (رد سایر گزینه‌ها) / «آذین»: کسانی که در این جا، با توجه به «یسارعون»، مفهوم جمع دارد. (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «یسارعون»: می‌شتابند (رد سایر گزینه‌ها) / «فی الکفر»: در بی‌دینی (رد گزینه‌های ۱ و ۴) (واژه «راه» اضافی است.)

(ترجمه)

۱۱۲- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

«داؤک»: دارویت (رد گزینه ۳) / «فیک»: در خودت است (رد گزینه ۱) / «و ما تُبصر»: و تو نمی‌بینی / «و داؤک»: و بیماریت (رد گزینه ۳) / «مینک»: از خودت / «و لا تُشعر»: و احساس نمی‌کنی (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

(ترجمه)

۱۱۳- گزینه «۱»

(پیروز و بان-کنبر)

«إقصدوا فی أعمالکم»: در کارهایتان میانه‌روی کنید (رد سایر گزینه‌ها) / «اقتصدوا فی استهلاكکم»: در مصرفتان صرفه‌جویی کنید (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «هذان العملان»: این دو عمل، این کارها (رد گزینه ۳) / «من أفضل الأعمال القیمة للانسان»: از بهترین اعمال (کارهای) ارزشمند برای انسان هستند (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

(ترجمه)

۱۱۴- گزینه «۲»

(سیرمحمدعلی مرتضوی)

«قد + فعل مضارع» به صورت «گاهی ... ، شاید» ترجمه می‌شود:
قد يُعلم: گاهی یاد می‌دهد، شاید یاد بدهد

(ترجمه)

۱۱۵- گزینه «۳»

(روح‌الله گلشن)

«حاضر شدند»: (فعل ماضی) حضروا (رد گزینه ۴) / «اما»: لکن (رد گزینه ۴) / ضمیر «شان» در «معلمشان» تعریب نشده است. (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «حاضر نشده است»: لم یحضر (باید معنای ماضی بدهد؛ رد گزینه‌های ۱ و ۲)

(ترجمه)

۱۱۶- گزینه «۴»

(عمیدرضا قانر امینی- اصفهان)

عبارت اول (هیچ چیزی بهتر از بخشش به وقت توانمندی نیست!)، انسان را به گذشت کردن دعوت می‌کند؛ اما عبارت دوم، انسان را از رحم کردن بر ستمگران باز می‌دارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: هر دو عبارت به آثار منفی و زیان‌بار خشم اشاره دارند.

گزینه «۲»: هر دو عبارت دربارهٔ نعمت ارزشمند سلامتی است.

گزینه «۳»: هر دو عبارت در مذمت دروغ‌گویی است.

(مفهوم)

۱۱۷- گزینه «۴»

(پیروز و بان-کنبر)

يَتَقَدَّمُ ← يَتَقَدَّمُ (باب تَفَعَّلَ: در ماضی و مضارع و امر، حرکت عین‌الفعل، فتحه است.)

(ضبط حرکات)

۱۱۸- گزینه «۳»

(مرتضی کاظم شیروزی)

هر گاه «لا» به معنای «هیچ ... نیست» باشد، «لا»ی نفی جنس نامیده می‌شود، که بر سر «اسم» وارد شده و آن را به‌طور کامل نفی می‌کند. توجه داشته باشید که اسم پس از «لا»، بدون «ال» و «تنوین» می‌آید و حرکت آن فتحه است ← «خیر»

(انواع جملات)

۱۱۹- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمان‌های)

صورت سؤال از ما عبارتی را می‌خواهد که در آن «تشبیه» به کار رفته است. در گزینه «۳»، «كأنَّ» از حروف مشبّهة بالفعل است که معنای «مثل این که، مانند، گویی» می‌دهد و برخی مواقع آرایهٔ تشبیه ایجاد می‌نماید. ترجمهٔ عبارت گزینه «۳»: «گویی قلب‌های همهٔ دشمنانمان، قطعه‌هایی از آهن و مس است!»

(انواع جملات)

۱۲۰- گزینه «۴»

(روح‌الله گلشن)

«صديق» خبر حرف مشبّه بالفعل «إنَّ»، «المُشفق» صفت «مُعَلَّم»، «الكبيرة» صفت «مدرسة» و «فی مدرستنا» نیز یک جار و مجرور است.

(انواع جملات)



فلسفه دوازدهم

۱۲۱- گزینه ۳»

(کتاب آبی پیمانهای)

وجود و ماهیت دو امر متمایز نیستند و در خارج دو جنبه از یک واقعیت‌اند؛ مانند اینکه یک فرد هم فرزند کسی است و هم خودش مادر شخص دیگری است. مادربودن و فرزندبودن هرچند در مفهوم متفاوت و متمایز هستند، اما یک مصداق واحد دارند. تفاوت این دو صرفاً در ذهن و از جهت مفهوم است؛ اما نسبت میان وجود و ماهیت مانند رابطه جوهر خودکار و خودکار و رابطه برگ درختان و درخت، رابطه جزء و کل نیست و مانند رابطه یک شی با رنگ آن نیز نیست.

(فلسفه دوازدهم، هستی و پیوستی، صفحه‌های ۳)

۱۲۲- گزینه ۴»

(سبا یعقوزاده صابری)

اینکه برای بررسی ماهیت یک شیء به سراغ وجود آن می‌رویم و وجودش را بررسی کنیم تا بتوانیم ماهیتش را مطالعه کنیم، نشان از عینیت وجود و ماهیت در جهان خارج است، یعنی در عالم واقع این دو جدا از یکدیگر نیستند.

(فلسفه دوازدهم، هستی و پیوستی، صفحه‌های ۳ و ۴)

۱۲۳- گزینه ۳»

(کتاب آبی پیمانهای)

توماس آکوئیناس فلسفه‌ای در اروپا پایه‌گذاری کرد که بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن‌سینا و تا حدودی ابن‌رشد بود. سایر گزینه‌ها صحیح‌اند.

(فلسفه دوازدهم، هستی و پیوستی، صفحه‌های ۶ و ۷)

۱۲۴- گزینه ۳»

(معمد رضایی بقا)

در رابطه امکانی، موضوع ممکن است محمول را بپذیرد یا نپذیرد. پس عقل از قبول خود آن و از قبول خلافش ابا ندارد. به عبارتی ضرورتی نسبت به پذیرش یا رد آن ندارد.

(فلسفه دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۹ و ۱۰)

۱۲۵- گزینه ۳»

(علیرضا نصیری)

قضیه «مثلث چهارضلعی موجود است.» یک قضیه امتناعی می‌باشد چون «مثلث چهارضلعی» خود - متناقض است و از هستی‌یافتن در دنیای خارج امتناع دارد. اما «انسان ناطق است.» یک قضیه وجوبی است و ناطق به صورت اولی ذاتی بر انسان حمل می‌شود. بنابراین صورت سؤال از ما می‌خواهد که بیان کنیم، قضیه «مثلث چهارضلعی موجود است.» چه زمانی وجوبی خواهد شد.

می‌دانیم که اگر وجود جزء ماهیت باشد، در آن صورت حمل آن بر ماهیت به صورت اولی ذاتی و بنابراین وجوبی خواهد بود چون ماهیت و جزء مفهومی ماهیت به حمل اولی ذاتی بر خودش حمل می‌شود. بنابراین اگر وجود جزء ماهیت بود، «مثلث چهارضلعی موجود است» نیز یک قضیه وجوبی می‌شد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: وجود و ماهیت در خارج همواره عینیت دارند و نمی‌توان آن‌ها را در خارج از هم جدا کرد.

گزینه «۲»: اگر «مثلث چهارضلعی» متمنع‌بالذات نیز نبود، همچنان دلیل نداشت که قضیه «مثلث چهارضلعی موجود است» وجوبی باشد؛ بلکه می‌توانست امکانی باشد.

گزینه «۴»: حتی اگر برای «مثلث چهارضلعی»، علتی نیز یافت می‌شد این قضیه به صورت امکانی در می‌آمد چون همچنان حمل وجود بر آن مستلزم وجود علتش بود؛ و حال آن‌که مثلث چهارضلعی اساساً متمنع‌الوجود بالذات است و اصلاً امکان ندارد که علتی داشته باشد و هیچ علتی نمی‌تواند آن را به وجود آورد.

(فلسفه دوازدهم، ترکیبی هستی و پیوستی، جهان ممکنات، صفحه‌های ۱۰، ۱۵ و ۱۱)

۱۲۶- گزینه ۳»

(احمد منصوری)

ممکن است در آینده علتی برای موجود شدن آن پدید آید.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ماهیت چنین چیزی ذاتاً امکانی است، نه امتناعی.

گزینه «۲»: ماهیتی که ممکن‌الوجود است، ذاتاً ممکن‌الوجود خواهد ماند، حتی اگر به‌واسطه علتی به‌وجود آید.

گزینه «۴»: ممکن است به‌واسطه علتی واجب‌الوجود بالغیر باشد.

(فلسفه دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۱۱ و ۱۲)

۱۲۷- گزینه ۱»

(پرگل رهمی)

دلیل و نتیجه در ذهن دریافت می‌شوند و علت و معلول در واقعیت درک می‌شوند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: هر انسانی از همان کودکی با پرسش‌گری خود از «چیستی» و «چرایی» اشیاء، نشان می‌دهد که این قاعده ذهنی را پذیرفته است.

گزینه «۳»: ساختار ذهن کودک و ساختار جهان به‌گونه‌ای است که او را به «چرا» گفتن می‌کشاند.

گزینه «۴»: کلمه «چرا» بازتابی از درک علت در ذهن انسان‌هاست.

(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۱۲۸- گزینه ۲»

(هسین آفوندری راهنمایی)

از میان فیلسوفان اروپایی، دکارت معتقد بود که اصل علت بدون دخالت تجربه به‌دست می‌آید و جزء اصول اولیه‌ای است که انسان آن را به‌طور فطری درک می‌کند، یعنی هر انسان، با درکی از رابطه علت متولد می‌شود و درک این رابطه نیاز به تجربه و یا آموزش ندارد؛ زیرا پذیرش و قبول این رابطه، مقدمه و پایه هر تجربه و آموزشی است. البته یافتن مصداق‌های علت و معلول نیازمند تجربه و آموزش است، پس عبارت مطرح‌شده در گزینه «۲» برعکس بیان شده، اما سایر گزینه‌ها مطابق با نظرات دکارت است.

(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

۱۲۹- گزینه ۳»

(فیروز نژادنیف - تبریز)

دقت کنید که تداعی علت چیزی جز یک حالت روانی ناشی از توالی و پشت سرهم آمدن پدیده‌ها نیست. از این طریق است که ما پنداشته‌ایم یک رابطه ضروری میان علت و معلول موجود است پس تداعی علت ناشی از توالی است نه خود علت. سایر گزینه‌ها مطابق با نظر دیوید هیوم می‌باشد.

(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

۱۳۰- گزینه ۱»

(موسی سپاهی - سراوان)

تجربه‌گرایان معتقدند که انسان از طریق حس، توالی یا همزمانی پدیده‌ها را مشاهده می‌کند و رابطه ضروری میان علت و معلول را درمی‌یابد و از این طریق، رابطه علت درک می‌کند و بنا می‌نهد. پس درک رابطه علت به‌طور مستقیم از طریق حس نیست، ابتدا با حس به توالی پی‌می‌برد و سپس علت را درک می‌کند. سایر گزینه‌ها مطابق با نظرات فلاسفه است و صحیح می‌باشد.

(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)



ریاضی و آمار (۱)

۱۳۱- گزینه «۴»

(امیررضا ذاکر زاده)

در این بررسی نمی‌توان از روش سرشماری استفاده کرده زیرا ممکن است تمام موتورهای الکتریکی در مقابل ولتاژهای مختلف بسوزند، بنابراین نمونه‌گیری و سپس مشاهدهٔ توان موتورهای الکتریکی نمونه را انجام می‌دهیم.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۷۲ تا ۸۴)

۱۳۲- گزینه «۳»

(ابوالفضل بهاری)

وضعیت تأهل افراد، رنگ چشم و گروه خونی، کیفی اسمی است. رتبه شرکت‌کنندگان در آزمون سراسری از نوع کیفی ترتیبی است. مدت زمان مطالعه روزانه مقادیر عددی می‌گیرد و از طرفی اختلاف و نسبت بین مقادیر داده‌ها در این متغیر با معناست، پس از نوع کمی نسبتی است.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۷۹ تا ۸۴)

۱۳۳- گزینه «۳»

(سعید عزیزقانی)

پرسش‌نامه، مجموعه‌ای از پرسش‌های کتبی است که سوالات آن باید ساده و قابل فهم باشد و به ذهن پاسخگو جهت ندهد.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۷۲ تا ۷۶)

۱۳۴- گزینه «۴»

(ابوالفضل بهاری)

با توجه به صورت سؤال داریم:

$$\bar{x} = \frac{2x_1 + 3x_2 + 4x_3 + x_4 + 10}{2x_1 - 3 + 3x_2 - 5 + 4x_3 + 7 + x_4 + 11} = \bar{x}$$

$$2x_1 + 3x_2 + 4x_3 + x_4 = 4\bar{x} - 10$$

میانگین داده‌های جدید را به صورت زیر به دست می‌آوریم:

$$\begin{aligned} \bar{x}' &= \frac{4x_1 - 5 + 6x_2 + 9 + 8x_3 - 14 + 2x_4}{4} \\ &= \frac{2(2x_1 + 3x_2 + 4x_3 + x_4)}{4} \\ &= \frac{2(4\bar{x} - 10) - 10}{4} \\ &= \frac{8\bar{x} - 30}{4} = \frac{8\bar{x}}{4} - \frac{30}{4} = 2\bar{x} - 7.5 \end{aligned}$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۵ تا ۸۸)

۱۳۵- گزینه «۲»

(مهمد ابراهیم توزنده‌جانی)

اگر میانگین داده‌های x_1, x_2, \dots, x_5 را \bar{x} فرض کنیم، میانگین داده‌های $2 - 2, 3x_2 - 2, \dots, 3x_5 - 2$ برابر $3\bar{x} - 2$ می‌شود که طبق صورت سؤال $\frac{13}{4}$ است.

$$3\bar{x} - 2 = \frac{13}{4} \Rightarrow 3\bar{x} = \frac{21}{4} \Rightarrow \bar{x} = \frac{7}{4}$$

پس میانگین داده‌های $3 - 3, 4x_2 - 3, \dots, 4x_5 - 3$ برابر است با:

$$4\left(\frac{7}{4}\right) - 3 = 4$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۵ تا ۸۸)

۱۳۶- گزینه «۳»

(ابوالفضل بهاری)

چهار عدد زوج متوالی را به صورت زیر در نظر می‌گیریم:

$$x, x+2, x+4, x+6$$

$$\bar{x} = \frac{x+x+2+x+4+x+6}{4} = \frac{4x+12}{4} = \frac{4(x+3)}{4} = x+3$$

$$\sigma^2 = \frac{(x-(x+3))^2 + (x+2-(x+3))^2 + (x+4-(x+3))^2 + (x+6-(x+3))^2}{4}$$

$$= \frac{(-3)^2 + (-1)^2 + (1)^2 + (3)^2}{4} = \frac{20}{4} = 5$$

پنج عدد فرد متوالی را به صورت زیر در نظر می‌گیریم:

$$x-4, x-2, x, x+2, x+4$$

$$\bar{x} = \frac{x-4+x-2+x+x+2+x+4}{5} = \frac{5x}{5} = x$$

$$\sigma^2 = \frac{(x-4-x)^2 + (x-2-x)^2 + (x-x)^2 + (x+2-x)^2 + (x+4-x)^2}{5}$$

$$= \frac{(-4)^2 + (-2)^2 + 0^2 + (2)^2 + (4)^2}{5} = \frac{40}{5} = 8$$

اختلاف واریانس‌ها برابر $8-5=3$ است.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۹ تا ۹۸)

۱۳۷- گزینه «۳»

(مهمد همیری)

فرض کنید میانگین هر دو گروه برابر \bar{x} باشد.

$$\sigma_1^2 = \frac{(x_1 - \bar{x})^2 + \dots + (x_{15} - \bar{x})^2}{15}$$

$$\Rightarrow 12 = \frac{(x_1 - \bar{x})^2 + \dots + (x_{15} - \bar{x})^2}{15}$$

$$\Rightarrow (x_1 - \bar{x})^2 + \dots + (x_{15} - \bar{x})^2 = 12 \times 15 = 180$$



جامعه‌شناسی (۱)

(امیرمسین کزروین)

۱۴۱- گزینه «۱»

اعضای جهان اجتماعی ابتدا با هویت انتسابی خود آشنا می‌شوند و به تدریج با فعالیتشان، موقعیت و هویت اکتسابی خود را به دست می‌آورند.
(جامعه‌شناسی (۱)، تغییرات هویت اجتماعی، صفحه ۸۳)

(آزیتا بیدرقی)

۱۴۲- گزینه «۳»

صعودی بین نسلی ← فرزند کارمندی که مدیر کل می‌شود.
افقی درون نسلی ← دبیر جامعه‌شناسی یک مدرسه به دبیری جامعه‌شناسی مدرسه دیگری منصوب می‌شود.
درون نسلی نزولی ← فرماندار شهر قزوین به صورت یک کارمند عادی به کار ادامه می‌دهد.
بین نسلی افقی ← همه فرزندان یک نانوای مشغولند.
(جامعه‌شناسی (۱)، تغییرات هویت اجتماعی، صفحه‌های ۸۲ و ۸۳)

(آزیتا بیدرقی)

۱۴۳- گزینه «۲»

با شناخت موقعیت اجتماعی فرد، اطلاعاتی درباره او به دست می‌آوریم.
در جوامع فئودالی غربی، طبقه‌ای از مردم عادی بودند که به علت فواید کارکردهایی که داشتند تحمل می‌شدند ← طبقه سوم پذیرش معیار ارزیابی گروه‌های اجتماعی براساس مفید بودن یا نبودن آن‌ها منجر به پیدایش فرهنگ فایده‌گرایی شد.
انسداد اجتماعی بیشتر در جوامعی وجود دارد که جایگاه افراد براساس ویژگی‌های انتسابی تعیین می‌شود.
(جامعه‌شناسی (۱)، تغییرات هویت اجتماعی، صفحه‌های ۸۲ و ۸۳)

(کوثر شاه‌سینینی)

۱۴۴- گزینه «۳»

تشریح عبارات نادرست:

- در یک جهان دینی و معنوی، هویت‌هایی که ابعاد متعالی و الهی انسان را نفی کنند، به رسمیت شناخته نمی‌شوند.
- عبارت سوم ارتباطی به جمله مطرح شده در صورت سؤال ندارد.
(جامعه‌شناسی (۱)، تغییرات هویت اجتماعی، صفحه‌های ۸۵ تا ۸۷)

(کوثر شاه‌سینینی)

۱۴۵- گزینه «۲»

تغییرات هویتی افراد، گاه از مرزهای مورد قبول جهان اجتماعی فراتر می‌رود. اگر تغییرات هویتی بیرون از مرزهای مقبول جهان اجتماعی رخ دهد و شیوه‌هایی از زندگی را که با عقاید و ارزش‌ها در تقابل هستند به دنبال بیاورد، به تعارض فرهنگی منجر می‌شود که اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی فراوانی به همراه دارد. تعارض فرهنگی، گاهی ناشی از علل درونی است و به نوآوری‌ها و فعالیت‌های اعضای جهان اجتماعی بازمی‌گردد و گاه، ناشی از علل بیرونی است و پیامد تأثیرپذیری از جهان‌های اجتماعی دیگر است.
غربی شدن سبک زندگی آسیایی‌ها، شیوه زندگی ناسازگار با ارزش‌های شرقی است و موجب نگرانی‌های اجتماعی می‌شود. این نوع تعارض در اثر علل بیرونی پدید می‌آید.

(جامعه‌شناسی (۱)، تغییرات هویت اجتماعی، صفحه ۸۷)

اگر ده داده آماری را با x_{16}, \dots, x_{25} نشان دهیم آن‌گاه:

$$\sigma_y^2 = \frac{(x_{16} - \bar{x})^2 + \dots + (x_{25} - \bar{x})^2}{10}$$

$$\Rightarrow 7/6 = \frac{(x_{16} - \bar{x})^2 + \dots + (x_{25} - \bar{x})^2}{10}$$

$$\Rightarrow (x_{16} - \bar{x})^2 + \dots + (x_{25} - \bar{x})^2 = 7/6 \times 10 = 76$$

$$\Rightarrow \sigma^2 = \frac{(x_1 - \bar{x})^2 + \dots + (x_{15} - \bar{x})^2 + (x_{16} - \bar{x})^2 + \dots + (x_{25} - \bar{x})^2}{25}$$

$$= \frac{180 + 76}{25} = \frac{256}{25} = 10/24$$

$$\sigma = \sqrt{10/24} = 3/2$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۱۹ تا ۹۸)

۱۳۸- گزینه «۳»

ابتدا میانگین داده‌ها را پیدا می‌کنیم:

$$\bar{x} = \frac{8+15+10+2+25+16+14+12+15}{9} = \frac{117}{9} = 13$$

باید به این نکته دقت داشته باشیم که میانگین اولیه در صورتی تغییر نمی‌کند که میانگین دو داده اضافه شده هم با میانگین اولیه برابر باشد، پس با توجه به گزینه‌ها، بنابراین با اضافه کردن داده‌های ۱۲ و ۱۴ میانگین تغییری نمی‌کند:

$$\frac{12+14}{2} = 13$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۵ تا ۸۸)

۱۳۹- گزینه «۴»

(معمد بهیرایی)

می‌دانیم در جامعه آماری که داده‌ها پراکندگی با خم بهنجار دارند ۹۶ درصد داده‌ها در فاصله $(\bar{x} - 2\sigma, \bar{x} + 2\sigma)$ قرار دارند. بنابراین:

$$22 + 2\sigma = 38 \Rightarrow 2\sigma = 6 \Rightarrow \sigma = 3$$

$$\Rightarrow \sigma^2 = 3^2 = 9$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۱۹ تا ۹۸)

۱۴۰- گزینه «۲»

(معمد بهیرایی)

جنبه‌ای خاص از جامعه که برای کل داده‌ها محاسبه می‌شود را پارامتر می‌گویند و همواره ثابت است.

آماره جنبه خاصی از نمونه را بیان می‌کند و از نمونه‌ای به نمونه دیگر متغیر است.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۷۹ و ۸۰)



۱۴۶- گزینه «۴»

(ریحانه امینی)

تشریح گزینه نادرست:

جهان غرب طی جنگ‌های صلیبی، پس از رویارویی با فرهنگ اسلامی و پذیرش برخی لایه‌های آن، بدون اینکه به جهان اسلام بپیوندد، تحولات هویتی پیدا کرد.

(پایه‌شناسی (۱)، تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل بیرونی)، صفحه‌های ۹۷ و ۹۸)

۱۴۷- گزینه «۲»

(ریحانه امینی)

تشریح موارد:

- جهان اجتماعی هنگامی به داد و ستد و تعامل می‌پردازد که اعضای آن، به طور فعال و خلاق براساس نیازها، مشکلات و مسائل خود با جهان اجتماعی دیگر رویارو شوند.

- جهان اجتماعی خودباخته، به روش تقلیدی عمل می‌کند و ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می‌دهد، بنابراین نه می‌تواند فرهنگ گذشته خود را تداوم ببخشد یا گسترش دهد و نه می‌تواند آن را رها کند و از آن بگذرد و به جهان اجتماعی دیگری که مبهوت و مقهور آن شده است، ملحق شود. از اینجا رانده و از آنجا مانده!

- به دلیل اهمیتی که اسلام برای عقل و عقلانیت قائل است، جهان اسلام در مواجهه با فرهنگ یونان و روم، تنها عناصر عقلی این دو فرهنگ را اخذ کرد و به تناسب جهان‌شناسی توحیدی خود در دانش‌های مختلف آنها دخل و تصرف کرد و عناصر اساطیری و مشرکانه آنها را نپذیرفت.

(پایه‌شناسی (۱)، تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل بیرونی)، صفحه‌های ۹۷ و ۹۸)

۱۴۸- گزینه «۳»

(امیرمهری افشار)

- انسان صرفاً موجودی مکان‌مند و زمان‌مند نیست، انسان بعد اجتماعی و فرهنگی دارد و باید جامعه و فرهنگ را به خوبی بشناسد.

- جشن هنر شیراز به ریاست فرح پهلوی برگزار می‌شد.

(پایه‌شناسی (۱)، تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل بیرونی)، صفحه‌های ۱۰۰ و ۱۰۱)

۱۴۹- گزینه «۴»

(امیرمهری افشار)

اگر واقعیت‌ها و آرمان‌های یک جهان اجتماعی مطابق حق باشد، دارای هویت حقیقی است.

قرآن کریم فراموش کردن خداوند را سبب فراموشی انسان از خود می‌داند، «و لا تکنوا کالذین نسوا الله فأنساهم أنفسهم: همچون کسانی نباشید که خداوند را فراموش کرده‌اند، سپس خداوند نیز آنها را از یاد خودشان برد.»

(پایه‌شناسی (۱)، تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل بیرونی)، صفحه ۱۰۱)

۱۵۰- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمان‌های)

- هویت فرهنگی جهان اجتماعی هنگامی محقق می‌شود که میان مردم، عقاید و ارزش‌های مشترکی پدید آید.

- هویت فرهنگی تا زمانی که عقاید و ارزش‌های مربوط به آن مورد پذیرش اعضای جهان اجتماعی و برای آنها مهم باشد، دوام می‌آورد.

- هرگاه عقاید و ارزش‌ها، اهمیت و اعتبار خود را نزد اعضای جهان اجتماعی از دست بدهند، دوام هویت فرهنگی با چالش‌هایی مواجه می‌شود.

(پایه‌شناسی (۱)، تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل درونی)، صفحه‌های ۸۹ و ۹۰)

منطق

۱۵۱- گزینه «۲»

(سبا پعفرزاده مابری)

در قضایای شرطی دو نسبت و حکم وجود دارد که یا بین آنها اتصال، ملازمه و پیوستگی وجود دارد که به این نوع شرطی متصل گفته می‌شود و یا بین این دو نسبت عناد، انفصال و ناسازگاری برقرار است که به آن شرطی منفصل گفته می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در قضایای شرطی دو نسبت داریم نه یک نسبت.

گزینه «۳»: در هر دو نوع از قضایای شرطی حکم مشروط برقرار است و این نقطه تشابه است نه ملاک تقسیم‌بندی.

گزینه «۴»: صدق یا کذب قضایا ارتباطی به انواع متصل و منفصل ندارد.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۸۵ تا ۸۷)

۱۵۲- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

در تمامی گزینه‌ها به جز گزینه «۴»، تالی پیش از مقدم در جمله ظاهر شده است. در گزینه «۴» مقدم پیش از تالی آمده است. (اگر عقل بداند که دل در زندان زلف یار چه حال خوشی دارد (مقدم) (آنگاه) عاقلان از پی زنجیر ما دیوانه گردند (تالی))

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: (اگر) پیر مغان به تو گوید (فرمان دهد) (مقدم) (آنگاه) سجاده را می‌آورد کن (تالی).

گزینه «۲»: (اگر) کوه آهن نام افراسیاب را بشنود (مقدم) (آنگاه) از ترس آب می‌شود (تالی)

گزینه «۳»: مصراع دوم: (اگر) گوش شما چشم شود (مقدم) (آنگاه) حال من دیده می‌شود (تالی)

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه ۸۶)

۱۵۳- گزینه «۴»

(علیرضا نصیری)

گزینه‌ای در کنار «علی تجدید می‌شود.» یک منفصله حقیقی خواهد ساخت که اگر صادق بود، «علی تجدید می‌شود.» حتماً کاذب باشد و نقیض آن صادق، و اگر کاذب بود، «علی تجدید می‌شود.» صادق باشد و نقیض آن کاذب. گزینه ۴ این چنین است؛ اگر نمره علی از ده کمتر نشود، او تجدید نمی‌شود (نقیض «علی تجدید می‌شود.») و نمره علی از ده کمتر شود، او تجدید می‌شود. بنابراین ترکیب این گزینه و قضیه صورت سؤال یک منفصله حقیقی خواهد بود.



بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: علی ممکن است خودِ نمره ۱۰ را دریافت کند و همچنان تجدید نشود. بنابراین قضیه حاصل منفصله مانع‌الجمع خواهد بود.

گزینه «۲»: علی اگر نمره زیر ۱۰ بگیرد حتماً تجدید خواهد شد در نتیجه قضیه حاصل اصلاً منفصله نخواهد بود چون صدق هر کدام از طرفین مستلزم صدق دیگری خواهد بود.

گزینه «۳»: علی اگر در امتحان شرکت نکند حتماً تجدید می‌شود و بنابراین این قضیه نیز اصلاً منفصله نیست و صدق هر طرف، صدق طرف دیگر را نیز در پی دارد.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۸۶ تا ۸۸)

۱۵۴- گزینه «۴»

(معلم رفایی‌بغا)

از آنجا که فردا ممکن است نه شنبه باشد و نه یکشنبه، اما نمی‌تواند هم شنبه باشد و هم یکشنبه، پس قضیه الف، قضیه‌ای منفصل و مانع‌الجمع است.

همچنین از آنجا که گروه خونی یک شخص می‌تواند نه B+ باشد و نه B-، اما نمی‌تواند هم B+ باشد و هم B- پس قضیه ب نیز قضیه‌ای منفصل و مانع‌الجمع است.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۸۷ و ۸۹)

۱۵۵- گزینه «۳»

(فرهار قاسمی‌نژاد)

در مصرع آخر «می‌گردد و نگردد» متناقض هستند پس شرطی منفصل حقیقی است.

دقت کنید که هر چند در دو مصراع اول قضیه شرطی متصل داریم اما دو طرف آن در تضاد نیستند.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۸۶ و ۸۷)

۱۵۶- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

چون وضع مقدم و معتبر است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: رفع مقدم - نامعتبر

گزینه «۲»: رفع مقدم - نامعتبر

گزینه «۳»: وضع تالی - نامعتبر

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۹۰ و ۹۱)

۱۵۷- گزینه «۳»

(مسین آفونری، راهنمای)

در قیاس استثنایی اتصالی دو حالت وضع مقدم و رفع تالی معتبر هستند. در گزینه «۳» رفع تالی رخ داده است و به رفع مقدم رسیده است و این حالت معتبر می‌باشد.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۹۰ و ۹۱)

۱۵۸- گزینه «۲»

(فیروز نژادنیف - تبریز)

در دو نوع از قضایا می‌توان از صدق یک طرف قضیه به کذب طرف دیگر دست یافت:

۱- منفصل حقیقی ۲- منفصل مانع‌الجمع اما از آنجایی که صورت سؤال قید صرفاً را ذکر کرده است تنها حالت مانع‌الجمع را در نظر می‌گیریم که در گزینه «۲» قضیه‌ای از این نوع بیان شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: قضیه مانع‌الرفع

گزینه‌های «۳» و «۴»: قضیه منفصل حقیقی

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۹۲ تا ۹۵)

۱۵۹- گزینه «۴»

(پرگل رهیمی)

اگر عین تالی مقدمه اول را در مقدمه دوم و عین مقدم را در نتیجه بیآوریم، دچار مغالطه وضع تالی می‌شویم. در قیاس استثنایی از نوع متصل صرفاً دو حالت وضع مقدم و رفع تالی معتبر هستند و سایر حالات مغالطه محسوب می‌شوند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: اشتراک قضیه منفصل حقیقی و مانع‌الرفع، عدم قابلیت جمع در کذب است.

گزینه «۲»: در قیاس استثنایی وضع مقدم، مقدمه اول قضیه شرطی متصل و مقدمه دوم، قضیه حملی است.

گزینه «۳»: رابطه بین قضیه منفصل مانع‌الجمع و مانع‌الرفع، تباین است، چرا که هیچ حالت مشترکی ندارند.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۹۲ تا ۹۶)

۱۶۰- گزینه «۲»

(موسی سپاهی - سراوان)

قضیه مطرح شده در صورت سؤال، شرطی منفصل حقیقی می‌باشد. (رد سایر گزینه‌ها) لذا با این قضیه می‌توان قیاس استثنایی انفصالی حقیقی تشکیل داد که چهار حالت با نتیجه معتبر دارد.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه ۹۲)



پاسخنامه

دوازدهم انسانی

۱۰ شهریور ماه ۱۴۰۲

بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام) ۶۴۶۳-۰۲۱

«تمام داری‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلم چی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

پدید آورندگان آزمون

طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام درس	نام طراحان
ریاضی و آمار	سامان اسپهرم، محمد بحیرایی، ابوالفضل بهاری، محمدابراهیم نوزنده جانی، گلناز بینقی، آروین حسینی، محمد حمیدی، احمدرضا ذاکرزاده، سعید عزیزخانی، فرشید کریمی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، محمدمامین داداش فام، سید علیرضا علویان، مجتبی فرهادی، یاسین مهدیان، شیوا نظری، هومن نمازی، محمدحسین یگانه
جامعه‌شناسی	امیرمهدی افشار، ریحانه امینی، آریتا بیدقی، کوثر شاه‌حسینی، فاطمه صفری، امیرحسین کاروین
روان‌شناسی	حمیدرضا توکلی، مهدی جاهدی، محمد حبیبی، مهسا عفتی
عربی زبان قرآن	محمود بادبرین، امیرحسین پورخنجر، محمد جهان‌بین، اسماعیل علیپور، حمیدرضا قائدامینی، مرتضی کاظم‌شیرودی، احسان کلاته‌عربی، روح‌الله گلشن، سیدمحمدعلی مرتضوی، آیدین مصطفی‌زاده، پیروز وجان
فلسفه و منطق	حسین آخوندی راهنماچی، سبا جعفرزاده صابری، پرگل رحیمی، محمد رضایی بقا، موسی سپاهی، فرهاد قاسمی‌نژاد، احمد منصور، فیروز نژادنجف، علیرضا نصیری
اقتصاد	نسرین جعفری، آفرین ساجدی، سارا شریفی، مهدی ضیائی، مهدی کاردان

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستار	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی	محمد بحیرایی	ایمان چینی‌فروشان، مهدی ملارمضانی، آروین حسینی	الهه شهبازی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	یاسین مهدیان	فریبا رئوفی
جامعه‌شناسی	مانده مؤمنی	مانده مؤمنی	فاطمه صفری، کوثر شاه‌حسینی	زهره قموشی
عربی زبان قرآن	احسان کلاته‌عربی	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی	لیلا ایزدی
فلسفه و منطق	سبا جعفرزاده صابری	سبا جعفرزاده صابری	فرهاد علی‌نژاد	زهره قموشی
اقتصاد	مهدی ضیائی	سارا شریفی	فاطمه صفری	زهره قموشی
روان‌شناسی	مهسا عفتی	مهسا عفتی	محمد صمدی زاداسفنگره	زهره قموشی

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	فاطمه منصورخاکی
گروه مستندسازی	مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: زهره قموشی
حروف‌چین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی



ریاضی و آمار (۲)

۱- گزینه «۳»

(فرشید کریمی)

ابتدا اعضای تابع g را به دست می آوریم. مؤلفه های اول مشترک دو تابع را پیدا می کنیم و سپس اعمال را بر روی y های آنها انجام می دهیم:

$$g = \{(x, x^2) \mid x \in \mathbb{N}, x \leq 3\} \Rightarrow x \in \{1, 2, 3\}$$

$$g = \{(1, 1), (2, 4), (3, 9)\}$$

$$\Rightarrow D_g = D_f \cap D_f - \{x \mid f(x) = 0\} = \{1, 2, 3\}$$

$$\left(\frac{g}{f}\right)(1) = \frac{1}{1}$$

$$\left(\frac{g}{f}\right)(2) = \frac{4}{-1} = -4$$

$$\left(\frac{g}{f}\right)(3) = \frac{9}{2} = 4.5$$

$$\Rightarrow \frac{g}{f} \text{ تابع } = \left\{ \frac{1}{1}, -4, 4.5 \right\}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه های ۳۵ تا ۵۴)

۲- گزینه «۳»

(فرشید کریمی)

هر عملی که روی تابع انجام می شود، دقیقاً روی مقدارهایشان انجام می دهیم.

$$f(x) = \sqrt{1-x^2} \Rightarrow f(0) = 1, f(1) = 0$$

$$g(x) = \sqrt{4-3x} \Rightarrow g(0) = 2, g(1) = 1$$

حالا مقدار خواسته شده را پیدا می کنیم.

$$(g^2 + \sqrt{f})(0) + (\sqrt{f} + g^3)(1)$$

$$= (g(0))^2 + \sqrt{f(0)} + \sqrt{f(1)} + (g(1))^3$$

$$= 2^2 + \sqrt{1} + \sqrt{0} + (1)^3 = 4 + 1 + 0 + 1 = 6$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه های ۳۵ تا ۵۴)

۳- گزینه «۴»

(ابوالفضل بهاری)

$$f(x) = 3x^4 - 7x^2 + 5$$

$$g(x) = (x^2 - 2x)(x^2 + 2x) \Rightarrow g(x) = x^4 - 4x^2$$

$$2g - f \Rightarrow 2g(x) - f(x) = 2(3x^4 - 4x^2) - (3x^4 - 7x^2 + 5)$$

$$= 3x^4 - 12x^2 - 3x^4 + 7x^2 - 5 = -5x^2 - 5 = -5(x^2 + 1)$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه های ۳۵ تا ۵۴)

۴- گزینه «۴»

(آروین حسینی)

نکته: $\text{تعداد بیکاران} \times 100 = \frac{\text{تعداد بیکاران}}{\text{جمعیت فعال}} = \text{نرخ بیکاری}$

تعداد شاغلین + تعداد بیکاران = جمعیت فعال
با توجه به نکات فوق داریم:

$$\text{جمعیت فعال} = 2000 + 1200 = 3200$$

اگر برای این جامعه x شغل ایجاد شود جمعیت بیکار آن $1200 - x$ خواهد شد.

حال برای آنکه نرخ بیکاری ۱۳ درصد شود، داریم:

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{1200 - x}{3200} \times 100 = 13 \Rightarrow \frac{1200 - x}{32} = 13$$

$$\Rightarrow 1200 - x = 416 \Rightarrow x = 1200 - 416 = 784$$

پس ۷۸۴ شغل باید ایجاد شود تا نرخ بیکاری به ۱۳ درصد برسد.

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه های ۶۰ و ۶۱)

۵- گزینه «۲»

(آروین حسینی)

ابتدا میانگین داده ها را بدست می آوریم:

$$\bar{x} = \frac{\sum x}{n} = \frac{8 + 8 + 2 + 8 + 6 + 3 + 4 + 9 + 5 + 7 + 9 + 3 + 7 + 4 + 8 + 8}{10} = \frac{64}{10} = 6.4$$

حال داریم:

$$\frac{8}{6.4} = \frac{8 + 8 + 2 + 8 + 6 + 3 + 4 + 9 + 5 + 7 + 9 + 3 + 7 + 4 + 8 + 8}{10}$$

$$\frac{1.25}{\text{طرفین وسطین}} \Rightarrow 64 = 56 + 4a \Rightarrow 4a = 8 \Rightarrow a = 2$$

حال داده ها را از کوچک به بزرگ مرتب می کنیم، سپس میانه را بدست می آوریم:

$$2 / 8, 3, 4 / 9, 5 / 7, 6, 7, 8, 8 / 5, 8 / 8, 9 / 3$$

$$\text{میانه} = \frac{\text{داده ششم} + \text{داده پنجم}}{2} = \frac{6 + 7}{2} = 6.5$$

خط فقر برابر است با:

$$\text{خط فقر} = \frac{6.5}{2} = \frac{6}{2} = 3$$

افرادى که ماهانه کمتر از ۳/۲۵ میلیون تومان حقوق می گیرند، زیر خط فقر هستند که دو نفر را شامل می شود، در نتیجه:

$$\text{درصد افراد زیر خط فقر} = \frac{\text{تعداد افراد زیر خط فقر}}{\text{کل افراد}} \times 100 = \frac{2}{10} \times 100 = 20\%$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه های ۵۶، ۵۷ و ۶۱)



۶- گزینه «۳»

(فرشید کریمی)

شاخص بهای مرغ در سال پایه - شاخص بهای مرغ در سال مورد نظر = درصد تورم $\times 100$
 شاخص بهای مرغ در سال پایه

$$\frac{45}{100} = \frac{x-100}{100} \Rightarrow 45 = x-100 \Rightarrow x = 145$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۸ تا ۶۱)

۷- گزینه «۱»

(آروین حسینی)

در داده‌های اولیه میانگین (\bar{x}) و میانه (M) را به دست آورده تا خط فقر را به هر دو روش محاسبه کنیم:

$$\bar{x} = \frac{6/8 + 7/2 + 7/3 + 7/8 + 7/9 + 8/3 + 8/7 + 10}{8} = \frac{64}{8} = 8$$

$$\text{خط فقر} = \frac{8}{2} = 4$$

۸ داده داریم، بنابراین میانگین داده‌های چهارم و پنجم، میانه است.

$$M = \frac{7/8 + 7/9}{2} = 7/85$$

$$\text{خط فقر} = \frac{7/85}{2} = 3/925$$

برای برابر شدن خط فقر به هر دو روش باید مقدار میانه افزایش یابد، پس باید مقداری را به داده‌های شماره چهار و پنج اضافه کنیم. با توجه به گزینه‌ها مقدار باید به صورت مساوی به داده‌های چهارم و پنجم اضافه شود بنابراین مقدار x را به هر دو داده اضافه کرده و خط فقر را به هر دو روش محاسبه کرده و برابر قرار می‌دهیم:

$$6/8, 7/2, 7/3, 7/8 + x, 7/9 + x, 8/3, 8/7, 10$$

$$\bar{x} = \frac{6/8 + 7/2 + 7/3 + 7/8 + x + 7/9 + x + 8/3 + 8/7 + 10}{8}$$

$$= \frac{64 + 2x}{8} \Rightarrow \text{خط فقر} = \frac{8 + 2x}{2} = \frac{4 + x}{1}$$

$$M = \frac{7/8 + x + 7/9 + x}{2} = \frac{15/7 + 2x}{2}$$

$$\text{خط فقر} = \frac{15/7 + 2x}{2} = \frac{15/7 + 2x}{4}$$

$$\Rightarrow \frac{15/7 + 2x}{4} = \frac{4 + x}{1} \Rightarrow 31/4 + 4x = 4 + x$$

$$\Rightarrow 3x = 0/6 \Rightarrow x = 0/2 = 0 \text{ میلیون تومان} = 200 \text{ هزار تومان}$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۶، ۵۷ و ۶۱)

۸- گزینه «۴»

(مهدی ابراهیم توزنده‌بانی)

(قیمت جدید ۲۲ مقدار کالا) + (قیمت جدید ۱۱ مقدار کالا) = شاخص بهای دو کالا $\times 100$
 (قیمت اولیه ۲۲ مقدار کالا) + (قیمت اولیه ۱۱ مقدار کالا)

$$\frac{a \times 50000 + 20 \times 160000}{a \times 20000 + 20 \times 100000} \times 100 = 200$$

$$\Rightarrow \frac{10000(5a + 320)}{10000(2a + 200)} \times 100 = 200$$

$$\Rightarrow \frac{5a + 320}{2a + 200} = 2 \Rightarrow a = 80$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۸ تا ۶۱)

۹- گزینه «۳»

(مهمر همیری)

$$\bar{x} = \frac{\text{مجموع}}{\text{تعداد}} = \frac{2+3+3+5+6+11+12+18}{8} = \frac{60}{8}$$

$$\Rightarrow \bar{x} = 7/5 \text{ میلیون تومان}$$

$$\Rightarrow N = \frac{x}{y} = \frac{7/5}{2} = 3/75 \text{ میلیون تومان}$$

یافتن میانه: ۲, ۳, ۳, ۵, ۶, ۱۱, ۱۲, ۱۸

$$Q_2 = \frac{5+6}{2} = 5/5$$

$$M = \frac{\text{میانه}}{2} = \frac{5/5}{2} = 2/75 \text{ (میلیون تومان)}$$

پس مقدار N بزرگتر از مقدار M است. (N > M)

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۶، ۵۷ و ۶۱)

۱۰- گزینه «۳»

(مهمر بفرایی)

ابتدا تابع $f(x)$ را به صورت چند ضابطه‌ای می‌نویسیم:

$$f(x) = \begin{cases} -1, & -1 \leq x < 0 \\ 0, & 0 \leq x < 1 \\ 1, & x = 1 \end{cases}$$

با توجه به نمودار تابع g ضابطه آن به صورت زیر است:

$$g(x) = \begin{cases} x, & -1 \leq x < 0 \\ -x, & 0 \leq x < 1 \\ -1, & x = 1 \end{cases}$$

$$\Rightarrow (f \times g)(x) = \begin{cases} -x, & -1 \leq x < 0 \\ 0, & 0 \leq x < 1 \\ -1, & x = 1 \end{cases}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۵ تا ۴۶)



علوم و فنون ادبی (۲)

۱۱- گزینه ۴

(یاسین مهربان)
«بیدل دهلوی» را به سبب سرودن غزل‌های خیال‌انگیز و به کار بردن مضمون‌های بدیع و گاه دور از ذهن می‌شناسیم.
«کلیم کاشانی» در ابداع معانی و خیال‌های رنگین مشهور است و ضرب‌المثل‌ها و الفاظ محاوره سخن وی را برجسته ساخته است.
برخی از تکبیت‌های غزل «صائب تبریزی» شاهکارهایی از ذوق و اندیشه‌اند و بسیاری از آن‌ها به صورت ضرب‌المثل رواج یافته‌اند.
(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه ۶۱)

۱۲- گزینه ۳

(هومن نمازی)
تشریح سایر گزینه‌ها:
گزینه «۱»: این دو جریان شعری در قرن دهم وجود داشت نه در قرن یازدهم.
گزینه «۲»: شاهان صفوی در ترویج و نفوذ زبان ترکی در ایران نقشی به سزا داشتند و کم و بیش به زبان فارسی کتاب نوشته یا شعر گفته‌اند.
گزینه «۴»: برخی از آن شعرا پس از کسب شهرت و ثروت به ایران بازگشتند.
(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۵۸ و ۵۹)

۱۳- گزینه ۳

(سیدعلیرضا علویان)
در این بیت، هیچ تشخیصی دیده نمی‌شود.
تشریح سایر گزینه‌ها:
گزینه «۱»: زار گریستن ابر
گزینه «۲»: سر و روی در نقاب کردن ماه و مهر (خورشید)
گزینه «۴»: مورد خطاب قرار گرفتن چرخ فلک (روزگار) تشخیص می‌باشد.
(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه ۷۴)

۱۴- گزینه ۲

(شیوا نظری)
این بیت دارای ۵ استعاره می‌باشد: پای دل - پای دین - دست حسن - گوش مه - گوش خور (خورشید)
تشریح سایر گزینه‌ها:
گزینه «۱»: ۳ استعاره دارد: گل‌های سرفکنده (شرمنده) - اندوه‌خوردن گل‌ها - سنبل استعاره از مو
گزینه «۳»: «گریه ابر» دارای تشخیص و استعاره است و «اشک ندامت» اضافه اقترانی است.
گزینه «۴»: ۲ استعاره دارد: «فرق آفتاب» - «روی روزگار» («پای همت» و «چشم نعمت» اضافه اقترانی هستند).
(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۷۱ تا ۷۴)

۱۵- گزینه ۱

(مهمربین راداش‌فام)
«گل» در این گزینه، استعاره مصرحه از «معشوق» می‌باشد.
«بلبلان» استعاره مصرحه از «عاشقان» می‌باشد.
تکن: خطاب قرار دادن کلمه‌ای که خود استعاره مصرحه (از انسان) می‌باشد، تشخیص محسوب نمی‌شود.
تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: در مصراع اول، تشخیص و استعاره مکنیه به کار رفته است. (ارغوان به سمن، جام عقیقی را می‌دهد).
در مصراع دوم نیز، «چشم نرگس» اضافه استعاری و استعاره مکنیه است.
گزینه «۳»: در این گزینه، انسان‌انگاری باد صبا اتفاق افتاده است. «عزاز نسرين» و «چشم نرگس» هر دو اضافه تشبیهی هستند.

گزینه «۴»: «رنگ آشنایی» در مصراع اول، اضافه استعاری و استعاره مکنیه است.
«سهی قدان»، «سیه‌چشم» و «ماه‌سیما»، صفت جانشین اسم هستند و استعاره محسوب نمی‌شوند.
تکن: «ماه‌سیما»، تشبیه درون‌واژه‌ای دارد.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

۱۶- گزینه ۳

(مجتبی فرهادی)
سه استعاره (۱) «قدم‌های خیال»: اضافه استعاری و تشخیص، ۲- نسبت‌دادن دل به چشم تشخیص و استعاره ۳- «لؤلؤ لالا» استعاره مصرحه از اشک
تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: چهار استعاره (۱) «حقه یاقوت» استعاره مصرحه از «دهان» ۲- «لؤلؤ» استعاره مصرحه از «دندان»، ۳- «گوهر» استعاره مصرحه از «سختن»، ۴- «دُر» استعاره مصرحه از «اشک»
گزینه «۲»: چهار استعاره (۱) «رشته» استعاره مصرحه از «زلف»، ۲- «قمر» استعاره مصرحه از «چهره یار»، ۳- «نقطه» استعاره مصرحه از «خال»، ۴- «شکر» استعاره مصرحه از «لب»
گزینه «۴»: چهار استعاره (۱) «عقیق» استعاره مصرحه از «لب» ۲- «گوهر» استعاره مصرحه از «دندان» یا «سخنان ارزشمند» ۳- «سیم مذاب» (نقره آب‌شده) استعاره مصرحه از «اشک»، ۴- «زر» استعاره مصرحه از چهره زرد

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۷۱ تا ۷۴)

۱۷- گزینه ۲

(سیدعلیرضا علویان)
علامت‌های هجایی صورت سؤال، برابر با «مفتعلن مفتعلن فاعلن» است که وزن گزینه «۲» نیز با آن یکسان است.
وزن سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن
گزینه «۳»: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
گزینه «۴»: فعولن فعولن فعولن فعولن
(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۶)

۱۸- گزینه ۲

(هومن نمازی)
وزن این گزینه، «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است.
(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۱۹- گزینه ۳

(هومن نمازی)
مفهوم بیت صورت سؤال به این ترتیب است: روزگار مانند همسری بی‌وفا است که به شوهر خود نیز رحم نمی‌کند، پس بهتر است به آن دل نیست؛ اما موضوع بیت گزینه «۳»، در مورد بی‌وفایی نیست؛ بلکه مقایسه‌ای است میان نیش و کنایه افراد پست و بی‌وفایی دنیا.
(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهومی، ترکیبی)

۲۰- گزینه ۴

(هومن نمازی)
در گزینه‌های «۱» و «۲» و «۳» شاعران از اینکه دل جو و غم‌خواری نیست گله‌مند هستند («تفقد» به معنی «دل جویی» است).
در گزینه «۴»، شاعر می‌گوید غم‌خوار هست و او (معشوق، منظور شاعر) تنها غم‌خوار است و دیگران ادعای پوچ می‌کنند.
(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهومی، ترکیبی)



علوم و فنون ادبی (۱)

۲۱- گزینه ۳

(سیدعلیرضا علویان)

هر دو مورد این گزینه، از ویژگی‌های نثر این دوره هستند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مورد اول، ویژگی نثر و مورد دوم، ویژگی زبانی شعر سده پنجم و ششم است.

گزینه «۲»: هر دو مورد، از ویژگی‌های فکری شعر سده پنجم و ششم هستند.

گزینه «۴»: مورد اول، ویژگی نثر دوره سامانی و دومی، ویژگی نثر دوره غزنوی و سلجوقی است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه ۸۵)

۲۲- گزینه ۳

(مجتبی فرهادی)

تحولی که سنایی و انوری در غزل ایجاد کردند، باعث شد که در قرن هفتم، شاعران بزرگی در غزل ظهور کنند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۸۱ و ۸۲)

۲۳- گزینه ۱

(یاسین مودیان)

در نیمه دوم قرن پنجم، نثر فارسی به دوره بلوغ خود می‌رسد. در قرن ششم و اوایل قرن هفتم، آن را در حال پختگی و کمال می‌بینیم. در این دوره، نثر ساده به کمال می‌رسد و نثر مصنوع هم رایج می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۸۲ تا ۸۴)

۲۴- گزینه ۴

(یاسین مودیان)

واژگان «شربت» و «شراب» دارای اشتقاق هستند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، برید لفظی، صفحه ۹۹)

۲۵- گزینه ۳

(مجتبی فرهادی)

هر دو «زاد»، به معنی «توشه سفر» است و بیت فاقد جناس همسان است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: جناس همسان: «ضحاک» در مصراع اول: بسیار خندان، «ضحاک» در مصراع دوم: نام پادشاه افسانه‌ای ایران

گزینه «۲»: جناس همسان: «که» اول در مصراع دوم: چه کسی؟ (ضمیر پرششی)، «که» دوم در مصراع دوم: حرف ربط

گزینه «۴»: جناس همسان: «عود» در مصراع اول: چوب سوختنی خوشبو، «عود» در مصراع دوم: نوعی ابزار موسیقی

(علوم و فنون ادبی (۱)، برید لفظی، صفحه ۹۷)

۲۶- گزینه ۳

(مجتبی فرهادی)

تشبیه: شراب لعل‌فام (ادات تشبیه: فام) / جناس ناقص حرکتی: «گل» و «گل»

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: بیت، فاقد تشبیه و جناس ناقص حرکتی است.

گزینه «۲»: بیت، فاقد تشبیه و جناس ناقص حرکتی است. کلمه «تنگ» جناس همسان دارد: تنگ (اول): کم‌فضا / تنگ (دوم): بار)

گزینه «۴»: تشبیه: برهم‌زدن عالم چون ذره / بیت، فاقد جناس ناقص حرکتی است. (دو کلمه «عالم» واژه‌آرایی دارند).

(علوم و فنون ادبی (۱)، بیان و برید، ترکیبی)

۲۷- گزینه ۴

(شیوا نظری)

ابیات «الف و ج»، فاقد قافیه دوگانه هستند:

الف) «پشت» و «انگشت» قافیه هستند و «برداشت» ردیف است.

ج) «افسون‌فروش» و «رنگ‌پوش» قافیه هستند و «است» ردیف می‌باشد.

ب) قافیه اول: «دراز» و «راز» / قافیه دوم: «است» (فعل اسنادی) و «است» (وجود دارد)

د) قافیه اول: «خون» و «چون» / قافیه دوم: «آشنا» (شناکننده) و «آشنا» (مقابل بیگانه)

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه، صفحه‌های ۹۱ و ۹۲)

۲۸- گزینه ۲

(سیدعلیرضا امیری)

در این گزینه، «گنجد» و «تسجد» واژگان قافیه هستند و «د» الحاقی است و حروف اصلی قافیه «نُج» و «نَج» هستند و چون تنها در یک مصوت کوتاه اختلاف دارند و حروف الحاقی نیز دارند، قافیه‌شان درست است و حرف روی «ج» است.

در سایر گزینه‌ها، حرف روی «د» است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه، صفحه ۹۱)

۲۹- گزینه ۲

(سیدعلیرضا امیری)

بیت، ذوقافیتین است.

«نیست» در مصراع اول در معنای فعل اسنادی به‌کار رفته و «نیست» در مصراع دوم، به معنای «وجود ندارد» می‌باشد؛ «آگاه» و «اکراه» دیگر کلمات قافیه به‌شمار می‌روند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «پر» و «در» کلمات قافیه می‌باشند؛ «آ» ردیف بیت به‌شمار می‌رود. گزینه «۳»: «را» ردیف بیت می‌باشد.

گزینه «۴»: ردیف = «نهاد» و «نهاد» (هر دو به معنای «قراردادن» می‌باشند). (علوم و فنون ادبی (۱)، قافیه، صفحه‌های ۸۹ تا ۹۲)

۳۰- گزینه ۳

(ممدامین راداش‌فام)

مفهوم ابیات «الف و ج» دعوت به شادی و خوش‌باشی در جهان است و هر دو بیت با ارجاع به مرگ به بی‌ارزشی زندگی دنیا اشاره دارند و راه‌حل هر دو شاعر (خیام و حافظ) شادی و می‌نوشی است.

تشریح ابیات دیگر:

مفهوم بیت ب: عاشق در هر صورت خواهان معشوق است.

مفهوم بیت د: دوری و هجران عاشق از یار و اشتیاق او به وصال.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۱۰۱)

جامعه‌شناسی (۲)

۳۱- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمان‌های)
- از نظر کنت جنگ در جامعه جدید غربی ریشه ندارد. ← امری عارضی و تحمیلی
- بازار بخش وسیعی از اقتصاد کشورهای صنعتی را گرم می‌کند. ← تلاوم جنگ سرد
- عملیات نظامی قدرت‌های غربی را در قبال مقاومت‌های کشورهای غیر غربی توجیه می‌کند. ← نظریه جنگ تمدن‌های هانتینگتون
(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۴ تا ۸۶)

۳۲- گزینه «۲»

(امیر حسین کاروین)
شمال و جنوب: تمرکز کشورهای ثروتمند در نیم‌کره شمالی و کشورهای فقیر در نیم‌کره جنوبی دنیا
استعمارگر و استعمارزده: توجه به بعد فرهنگی و خودباختگی برخی جوامع جهان اول و دوم: مراد از جهان اول، کشورهای سرمایه‌داری بلوک غرب؛ و جهان دوم، کشورهای واقع شده در کانون بلوک شرق هستند.
توسعه‌یافتگی: کشورهای صنعتی توسعه‌یافته و سایر کشورها عقب‌مانده هستند و باید با الگوگیری از جوامع صنعتی همان راهی را که آن‌ها رفته‌اند دنبال کنند.
(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۸ و ۸۹)

۳۳- گزینه «۳»

(فاطمه صفری)
نظریه پردازان غربی، پس از فروپاشی بلوک شرق، طرف دیگری را برای جنگ جست‌وجو می‌کنند و جنگ را از کشورهای غربی (جنگ میان بلوک شرق و غرب) به فرهنگ‌ها و تمدن‌هایی منتقل کرده‌اند که در دوران استعمار، تحت سلطه جهان غرب قرار گرفته بودند.
نظریه «جنگ تمدن‌ها» که ساموئل هانتینگتون آن را مطرح کرد، نظریه‌ای بود که عملیات نظامی قدرت‌های غربی در مقابله با مقاومت‌های کشورهای غیر غربی را توجیه می‌کرد. هانتینگتون از آخرین مرحله درگیری‌ها در جهان معاصر، با عنوان جنگ تمدن‌ها یاد می‌کند. از نظر او در این مرحله، دیگر دولت-ملت‌ها بازیگران اصلی صحنه روابط بین‌المللی نیستند و رقابت‌ها و درگیری‌ها، بین فرهنگ‌ها و تمدن‌های بزرگ (نه بین دولت - ملت‌ها) به وقوع خواهد پیوست و در این میان، فرهنگ اسلامی بزرگ‌ترین تهدید برای غرب است.
(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه ۸۶)

۳۴- گزینه «۴»

(آزیتا بیرقی)
تشریح عبارت نادرست:
جوامع غربی، چالش‌های درونی خود را از طریق بهره‌کشی از کشورهای غیر غربی حل می‌کنند یعنی با ثروت به‌دست آمده از کشورهای پیرامونی رفاه کارگران و اقشار ضعیف جوامع خود را تأمین می‌کنند.
(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۸ و ۸۹)

۳۵- گزینه «۲»

(فاطمه صفری)
تشریح موارد نادرست:
بحران هنگامی ایجاد می‌شود که برخی تغییرات درونی و بیرونی، تعادل کل نظام را بر هم بزند.
بحران اقتصادی و چالش فقر و غنا هر دو، هویت اقتصادی دارند، ولی از جهاتی با یکدیگر متفاوت اند. چالش فقر و غنا چالشی همیشگی است، ولی بحران اقتصادی اغلب دوره‌ای و مقطعی است.

همچنین آسیب‌های مربوط به فقر و غنا همواره متوجه قشرهای فقیر و ضعیف جامعه است، ولی آسیب‌های مربوط به بحران اقتصادی تمامی جامعه را در بر می‌گیرد. البته سرمایه‌داران با وجود آسیب‌هایی که می‌بینند با استفاده از ابزارهایی که دارند، فشارهای ناشی از بحران‌های اقتصادی را به اقشار ضعیف و تولیدکنندگان خرد انتقال می‌دهند؛ به همین دلیل، بحران اقتصادی اغلب با چالش فقر و غنا پیوند می‌خورد و بر دامنه آن افزوده می‌شود.
(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۱ تا ۹۴)

۳۶- گزینه «۳»

(ریحانه امینی)
تشریح گزینه نادرست:
در نگاه دنیوی، تصرف در طبیعت تنها با فنون و روش‌های تجربی صورت می‌پذیرد.
(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه ۹۵)

۳۷- گزینه «۲»

(ریحانه امینی)
تشریح عبارت نادرست:
به منظور چاره‌اندیشی برای آسیب‌های ناشی از بحران‌های زیست‌محیطی، همایش‌های بین‌المللی متعددی برگزار شده است که البته نتوانسته‌اند از شتاب بحران بکاهند.
(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۵ و ۹۶)

۳۸- گزینه «۴»

(کوثر شاه‌سینی)
تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه «۱»: چالش فقر و غنا، چالشی همیشگی است، ولی بحران اقتصادی اغلب دوره‌ای و مقطعی است.
گزینه «۲»: آسیب‌های مربوط به فقر و غنا همواره متوجه قشرهای فقیر و ضعیف جامعه است، ولی آسیب‌های مربوط به بحران اقتصادی، تمامی جامعه را در بر می‌گیرد.
گزینه «۳»: بحران اقتصادی در صورتی که کنترل نشود، می‌تواند به فروپاشی حکومت‌ها منجر شود.
(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۲ و ۹۳)

۳۹- گزینه «۱»

(کوثر شاه‌سینی)
تشریح عبارت نادرست:
الف) کشورها در ایجاد بحران‌ها، سهم یکسانی ندارند، اما همه از پیامدهای نامطلوب آنها متأثر می‌شوند.
ب) بحران هنگامی ایجاد می‌شود که برخی تغییرات درونی و بیرونی، تعادل کل نظام را بر هم بزند.
(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه ۹۱)

۴۰- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمان‌های)
تشریح گزینه‌ها:
گزینه «۱»: درست - نادرست (در نیمه دوم قرن بیستم، با روشن شدن این که علم تجربی دارای مبانی غیرتجربی است، علم مدرن زیر سؤال رفت).
گزینه «۲»: درست - درست
گزینه «۳»: نادرست (جامعه‌شناسان قرن نوزدهم، روش تجربی خود را تنها راه درست برای شناخت جهان هستی می‌دانستند). - درست
گزینه «۴»: نادرست (در فرهنگ قرون وسطی، شناخت از راه عقل و تجربه نادیده گرفته می‌شد). - درست
(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۹ و ۱۰۰)



روان شناسی

۴۱- گزینه «۴»

(همیدرضا توکلی)

در حل مسئله توانایی‌های ما محدود است و در واقع، محدودبودن توانایی‌ها و امکانات است که برای ما مسئله را به وجود می‌آورد.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه ۱۱۶)

۴۲- گزینه «۱»

(مهمرب میبوی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: مرحله بعد از مرحله سوم، بازبینی و اصلاح راه‌حل است.

گزینه «۳»: مرحله قبلی آن به کارگیری راه‌حل مناسب برای حل مسئله است.

گزینه «۴»: راه‌حل درست و منطقی مربوط به مرحله اول است.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۱۹ و ۱۲۰)

۴۳- گزینه «۳»

(مهمرب میبوی)

نیلوفر در پاسخ به یک مسئله فلسفی (حل مسئله کاملاً آگاهانه) که دبیرش طرح کرده بود، به مشکل برخورد کرد. مشکل او این بود که نمی‌توانست برای این مسئله هدف دقیقی تعریف کند (پس این مسئله خوب تعریف نشده است). او حل این مسئله را به پس از گردش عصرگاهی خود موقوف کرد (نادیده گرفتن حل مسئله برای مدت زمان خاص، اثر نهفتگی است). وقتی مجدداً برای حل مسئله اقدام کرد، یک پاسخ اولیه به ذهنش خطور کرد. او می‌دانست که باید به دقت پاسخش را ارزیابی کند (مرحله سوم حل مسئله). در نهایت او در یک فرایند چهارمرحله‌ای پس از تعریف چند معیار پاسخ‌های به‌دست آمده خود را به معلم ارائه داد (اشاره به بارش مغزی که یک روش اکتشافی است).

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، ترکیبی)

۴۴- گزینه «۱»

(همیدرضا توکلی)

این سؤال اشاره دارد به مرحله دوم حل مسئله: به‌کارگیری راه حل مناسب.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: به مرحله اول اشاره دارد.

گزینه «۳»: به مرحله سوم اشاره دارد.

گزینه «۴»: به مرحله چهارم اشاره دارد.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۱۹ و ۱۲۰)

۴۵- گزینه «۲»

(مهوری باهری)

ناتوانی در حل مسئله موجب دو پیامد (۱) ناکامی و (۲) فشار روانی می‌شود. ناکامی حالت ناخوشایند عاطفی است که منجر به استفاده از روش‌های تهاجمی و پرخاشگرانه می‌شود. برعکس آگاهی از روش‌های حل مسئله موجب کاهش استفاده از روش‌های تهاجمی و پرخاشگرانه می‌شود. در صورتی که افراد از مهارت بیشتری در حل مسئله برخوردار باشند، احساس عاطفی بهتری نیز خواهند داشت.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه ۱۱۳)

۴۶- گزینه «۳»

(موسا عفتی)

- انتخاب بهترین بازیگر یک تصمیم گروهی است.

- انتخاب همسر آینده از تصمیمات مهم و پیچیده زندگی به‌شمار می‌رود.

- انتخاب فیلم دارای اولویت‌های زیادی است و بنابراین یک تصمیم معمولی پیچیده است.

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۱۳۸ تا ۱۱۴۰)

۴۷- گزینه «۳»

(همیدرضا توکلی)

تعارض که از نوع گرایش - اجتناب است.

اقدام مطمئن‌تر یعنی خطرآفرین و آسیب‌زا نباشد که مستلزم تصمیم‌گیری منطقی است.

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۵۰ تا ۱۵۴)

۴۸- گزینه «۳»

(همیدرضا توکلی)

- حامد بر اساس احساس شادی زودگذر تصمیم به خرید گرفته است، پس سبک او، احساسی است.

- نسیم تصمیم‌گیری را پشت گوش انداخته است، پس سبک او، اجتنابی است.

- مزده به توانایی خود اطمینان ندارد و این مانع تصمیم‌گیری‌اش می‌شود.

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۴۷ تا ۱۴۹ و ۱۵۰)

۴۹- گزینه «۴»

(مهمرب میبوی)

قسمت «الف»: صرفاً گرفتن نظر دیگران باعث نمی‌شود سبک تصمیم‌گیری وابسته باشد. در سبک تصمیم‌گیری وابسته فرد خودش تفکر نمی‌کند و کورکورانه از دیگران تقلید می‌کند.

قسمت «ب»: وقت گذاشتن برای تصمیم‌گیری بهتر با وقت تلف کردن و دست دست کردن تفاوت دارد. در موقعیت «ب» زهرآ و وقتش را تلف نمی‌کند، بلکه وقت بیشتری برای شناخت علائقش در نظر می‌گیرد.

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۱۴۷ تا ۱۱۴۹)

۵۰- گزینه «۴»

(مهوری باهری)

ملاک‌های تصمیم‌گیری سه دسته‌اند: (۱) زمانی که فرد بر اساس عدم اطمینان کافی و ریسک تصمیم‌گیری کند، مبنای تصمیم‌گیری او «خطر» است؛ مانند سارا که به خاطر احتمال ریزش اقدام به تهیه ارز نکرده است.

(۲) زمانی که فرد بر اساس سودمندی احتمالی اقدام به تصمیم‌گیری کند ملاک مبنای او «مزیت» است؛ به مانند سمیه که به سود خوب احتمالی اندیشیده است. (۳) و در نهایت زمانی که فردی به خاطر هزینه پیشین اقدام

به تصمیم‌گیری کند، ملاک او «هزینه» خواهد بود؛ برای مثال زمانی که فردی به خاطر زمانی که برای مطالعه درس ریاضی در طی سال گذاشته نمی‌تواند از سوالات درس ریاضی کنکور بگذرد و یا زمانی که سعید به سبب هزینه‌ای که برای ارزش‌های تهیه شده کرده تصمیم می‌گیرد که اقدام به فروش ارزشها نکند.

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۴۱ و ۱۴۲)



عربی زبان قرآن (۲)

۵۱- گزینه «۱»

(معمود باربرین)

«فی أحد الأيام»: در یکی از روزها (رد گزینه ۴) / «رأيتُ»: دیدم / «الرجل الذی»: مردی که / «کان یسبح»: (فعل ماضی استمراری) شنا می کرد (رد گزینه ۲) / «البحیره»: دریاچه (رد گزینه ۳) / «کاذ یُغرق»: نزدیک بود (چیزی نمانده بود) غرق شود / «الرجل»: مرد (رد گزینه ۳) / «أخذُ ینادی»: شروع به صدا زدن کرد، شروع کرد صدا بزند (رد گزینه ۴) / «أصحابه»: دوستانش / «لکن»: ولی / «لم یسعوا»: نشتافتند، شتاب نکردند / «لإنقاذ»: برای نجاتش

نکات مهم درسی:

فعل مضارعی که بعد از «أخذَ، بدأ» می آید، به صورت «شروع به + مصدر + کرد / شروع کرد + مضارع التزامی» ترجمه می شود.

(ترجمه)

۵۲- گزینه «۳»

(معمود بیان بین - قانتات)

«أسرت»: (فعل ماضی مجهول) اسیر شد (رد گزینه ۱) / «بید المسلمین»: به دست مسلمانان (رد گزینه ۱) / «شاهدت»: دید (رد گزینه ۴) / «خصالاً»: ویژگی هایی (رد گزینه ۱) / «من النبى»: از پیامبر (رد گزینه ۱) / «تُعجبها»: او را در شگفت می آورد، او خوشش می آمد (جمله وصفیه) (رد گزینه های ۱ و ۴) / «أسلمت»: اسلام آورد (رد گزینه ۲)

نکات مهم درسی:

فعل ماضی (شاهدت) + فعل مضارع (تُعجب) ← فعل مضارع به صورت «ماضی استمراری» ترجمه می شود.

(ترجمه)

۵۳- گزینه «۲»

(امسان کلاته عربی)

«کان یغرق»: غرق می شد، داشت غرق می شد (مقایسه کنید با: «کاد یغرق»: نزدیک بود غرق بشود) (رد گزینه های ۳ و ۴) / «بدأ ینادی رجلاً یستریح»: شروع کرد به صدا زدن مردی که استراحت می کرد / «فی البحر»: در دریا (رد گزینه های ۱ و ۴) / «الشاطئ»: ساحل (رد گزینه ۱)

نکته: در الگوی «فعل ماضی + اسم نکره + فعل مضارع»، فعل مضارع (در اینجا: یستریح) معمولاً به صورت ماضی استمراری ترجمه می شود.

(ترجمه)

۵۴- گزینه «۳»

(اسماعیل علیپور)

از آن جا که حرکت حرف آخر فعل مضارع «یسخرُ» تغییر کرده و تبدیل به جزم (سُ) شده است، متوجه می شویم که حرف «لا» در این جا «لا نهی» است، پس ترجمه صحیح آن «نباید مسخره کند» می باشد.

نکات مهم درسی:

در ترجمه افعال نهی غایب و متکلم از کلمه «نباید» استفاده می کنیم.

(ترجمه)

۵۵- گزینه «۲»

(امیر حسین پورفخر)

«فقیر شد»: افتقر (رد گزینه ۱) / «خوار شد»: احتقر (رد گزینه های ۳ و ۴) / «نادان ها تباهش کردند»: أضاعهُ الجهال (رد سایر گزینه ها)

نکات مهم درسی:

۱- فعل «افتقر» چون لازم است، مجهول نمی شود.

۲- دقت کنید: ضاع: تباه شد / أضاع: تباه کرد

(ترجمه)

۵۶- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمانهای)

معنای عبارت صورت سؤال: (راضی کردن مردم هدفی است که به دست نمی آید)، مفهوم عبارت این است که «به دنبال راضی کردن مردم نباید باشیم، زیرا امری غیرممکن است.» و این مفهوم به مفهوم گزینه «۱» نزدیک است.

تشریح سایر گزینه ها:

گزینه «۲»: درباره این است که آدم از خود راضی، عیب و نقصش از او پنهان است، یعنی عیب و نقص خود را نمی بیند.

گزینه «۳»: درباره رسیدن به مقام تسلیم و رضا از خداوند است که درجه عالی عرفان است و ربطی به مفهوم عبارت داده شده ندارد.

گزینه «۴»: ترجمه عبارت: (باید به آن چه مردم درباره ما می گویند، توجه کنیم)؛ مفهوم این عبارت ربطی به عبارت صورت سؤال ندارد.

(مفهوم)

۵۷- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمانهای)

«سلام و صلح» مترادف هستند و با کلمه «الحر» متضادند.

تشریح سایر گزینه ها:

در سایر گزینه ها فقط مترادف داریم و متضادی یافت نمی شود:

گزینه «۱»: «الأهل و أسرة» به معنای «خانواده» مترادفند.

گزینه «۲»: «شدائد و صعوبات» به معنای «سختی ها» مترادفند.

گزینه «۴»: «تساعد و تنصر» به معنای «پاری می کند» مترادفند.

(واژگان)

۵۸- گزینه «۳»

(معمود باربرین)

صورت سؤال، جمله فعلیه ای را خواسته که اسم نکره را توصیف کرده باشد. (جمله وصفیه)؛ در گزینه «۳»، جمله فعلیه «قد حذف ...»، اسم نکره «تلمیذان» را توصیف کرده است.

تشریح سایر گزینه ها:

گزینه «۱»: فعل «یتظاهر» اسم معرفه «العلب» را توضیح می دهد و نمی تواند جمله وصفیه باشد.

گزینه «۲»: چون قبل از فعل «یسحب» حرف «ف» آمده است، پس نمی تواند اسم نکره «إعصار» را توصیف کند.

گزینه «۴»: در این گزینه اسم نکره ای قبل از فعل «حاولوا» وجود ندارد که توصیف شود.

(قواعد اسم)

۵۹- گزینه «۱»

(اسماعیل علیپور)

حرف «ل» در گزینه «۱» قبل از فعل آمده است و به معنی «تا، برای اینکه» می باشد، اما در سایر گزینه ها قبل از یک اسم آمده است، پس حرف جرّ و به معنی «برای» است.

نکته: دقت کنید که «تفاخر» و «مشاهده» مصدر می باشند و مصدرها اسم هستند، نه فعل.

(قواعد فعل)



۶۰- گزینه «۲»

(سیر مفرعلی مرتضوی)

ترجمه صورت سؤال: فعلی را مشخص کن که در ترجمه، زمانش تغییر نمی‌کند؛ «ننتفع» در گزینه «۲» این چنین است. ترجمه عبارت: ما از دشمنی سود نمی‌بریم پس باید به همزیستی مسالمت‌آمیز اهتمام بورزیم!

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: وقتی فعل شرط و جواب شرط ماضی باشند، می‌توان آن‌ها را به صورت مضارع ترجمه نمود؛ ترجمه: هرکس گذشته را فراموش کند، یک بار دیگر آن را زندگی می‌نماید!

گزینه «۳»: «لم» قبل از فعل مضارع، معنای آن را به ماضی منفی تغییر می‌دهد؛ لم نستصغر: کوچک نشمرده‌ایم، کوچک نشمردیم.

گزینه «۴»: «لن» قبل از فعل مضارع، معنای آن را به آینده منفی تغییر می‌دهد؛ لن نخرج: خارج نخواهیم شد.

(قواعد فعل)

عربی زبان قرآن (۱)

۶۱- گزینه «۴»

(همیرضا قاندرامینی - اصفهان)

در ترجمه گزینه «۱»، «از چیزهایی» معادل عربی ندارد (رد گزینه ۱) / «الأحزاب»: گروه‌ها، دسته‌ها (رد گزینه ۳) / «زأی»: (فعل ماضی) دیدند (رد گزینه ۲)

تکات مهم درسی:

۱- در تست‌های ترجمه، به نوع و صیغه فعل بسیار دقت کنید.

۲- در تست‌های ترجمه، به مفرد و جمع بودن اسم‌ها بسیار دقت کنید.

(ترجمه)

۶۲- گزینه «۴»

(امسان کلاته عربی)

«كانت تُحفر»: (فعل مجهول) حفر (کنده) می‌شدند (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / فعل «تُصَدَّر» نیز تحت تأثیر فعل «كانت» در ابتدای جمله، به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود. (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «البلدان الصناعیة»: (موصوف و صفت) کشورهای صنعتی (رد گزینه ۱)

تکات مهم درسی:

۱) اگر بعد از فعل «کان»، فعل مضارع بیاید، آن فعل مضارع به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

۲) ممکن است بعد از فعل «کان»، بیش از یک فعل مضارع بیاید؛ در آن صورت، اگر این افعال مضارع معطوف و تحت تأثیر «کان» باشند، همگی ماضی استمراری ترجمه می‌شوند، البته اگر جمله با نقطه به اتمام برسد، دیگر فعل مضارع را ماضی استمراری ترجمه نمی‌کنیم.

مثال: كان الطالبُ يذهبُ إلى المدرسة و يتكلمُ مع أصدقائه: دانش‌آموز به مدرسه می‌رفت و با دوستانش صحبت می‌کرد.

(ترجمه)

۶۳- گزینه «۴»

(روح‌الله گلشن)

به تفاوت مفرد و جمع این کلمه دقت کنید:

«الأنبوب: لوله»، «الأنابيب: لوله‌ها»

(ترجمه)

۶۴- گزینه «۲»

(مرتضی کاظم شیروزی)

«گردشگران»: السائحون (جمع مذکر سالم) و السیاح (جمع مکسر) هر دو صحیح‌اند. توجه داشته باشید که این دو کلمه اگر فاعل و یا مبتدا باشند، باید مرفوع بیایند (رد گزینه ۳؛ زیرا «السائحین» منصوب به «ی» است.) / «کشورهای صنعتی»: البلدان الصناعیة، البلاد الصناعیة (رد گزینه ۴؛ زیرا «البلاد» مفرد است.) / «بدون تمدن و فرهنگ»: دون الحضارة و الثقافة (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

تکات: کلمه «الثقافة» به معنای (فرهنگ) و «الثقافية» به معنای (فرهنگی) است.

(ترجمه)

ترجمه متن درک مطلب:

معلم آن شمععی است که می‌سوزد تا زندگی دیگران را روشن کند، معلم آن انسانی است که شبش را بیدار می‌ماند در راهی که دیگری سود ببرد، شاعر شوقی گفت: نزدیک بود که معلم پیامبری باشد!

اگر معلم نبود، قرآن خوانده نمی‌شد و مفاهیمش فهمیده نمی‌شد، و اگر او نبود، پزشکانی وجود نداشتند که معالجه کنند و مهندسانی (نبودند) که کارخانه‌ها و بیمارستان‌ها را بسازند. معلم همان اساسی است که امت‌ها و پیشرفتشان روی آن بنا می‌شوند. و اسلام جایگاه معلمین را بالا برده است آن‌جا که احادیث زیادی بر مقام معلم تأکید می‌کنند. و در حدیثی از پیامبر خدا آمده است که گفت: «همانا خدا و فرشتگانش حتی مورچه در سوراخش و حتی نهنگ در دریا بر آموزنده خیر به مردم، درود می‌فرستند.» بر ما واجب است که این موجود را مقدس بشماریم و او را گرامی بداریم و عالی‌ترین معانی احترام و تقدیر را به او پیشکش کنیم.

۶۵- گزینه «۳»

(سیر مفرعلی مرتضوی)

در گزینه «۳» آمده است: «هرکس شبش را بیدار بماند، می‌تواند از علم معلم بهره ببرد!» که مطابق متن نامناسب است.

ترجمه گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: همانا اسلام معلمین را بزرگ داشته است!

گزینه «۲»: پیشرفت ملت نتیجه تلاش‌های معلمین است!

گزینه «۴»: بر هر یک از ما واجب است که معلمین خود را در زندگی گرامی بدارد!

(درک مطلب)

۶۶- گزینه «۳»

(سیر مفرعلی مرتضوی)

عبارت گزینه «۳» صحیح است: اگر معلم نبود، دنیا پیشرفت علمی را محقق نمی‌کرد!

ترجمه گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: پزشکانی که بیماران را معالجه می‌کنند، ارزش معلم را نمی‌شناسند! (نادرست)

گزینه «۲»: بر معلمین واجب است که بیمارستان‌هایی برای کشور بسازند! (نادرست)

گزینه «۴»: وظیفه ما، فقط مقدس شمردن معلمین است! (نادرست)

(درک مطلب)



فلسفه یازدهم

۶۷- گزینه «۲»

(سیر ممبر علی مرتضوی)

نزدیک بود که معلّم پیامبری باشد، زیرا ...

گزینه «۲»: در زندگی خود به شغل پیامبران می‌پردازد!

ترجمه گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: در تعلیم، بیش از پیامبر می‌کوشد! (نامناسب)

گزینه «۳»: می‌تواند سخن خداوند عزیز و بلندمرتبه را بشنود! (نامناسب)

گزینه «۴»: می‌خواهد پیامبری شود! (نامناسب)

(درک مطلب)

۶۸- گزینه «۴»

(افسان کلاته عربی)

شکل صحیح کلمات این گزینه، «مَحَطَّات» و «تُحَدَّر» است.

دقت کنید «مَحَطَّات» اسم مکان است، «تُحَدَّر» نیز فعل مضارع از باب تفعیل است.

(ضبط مرکبات)

۶۹- گزینه «۲»

(اسماعیل علیپور)

در گزینه «۲»، کلمه «المؤمنون» مبتدا و معرب است و کلمه «مَن» خبر و مبنی می‌باشد.

تکنه مهم درسی:

دقت کنید کلمات «مَن، ما، الّذی، الّتی، الّذین، الّلاتی» از اسامی موصول و مبنی هستند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «بیع» مبتدا، «غیر» خبر و هر دو معرب هستند.

گزینه «۳»: «طاق» مبتدا، «أحد» خبر و هر دو معرب هستند.

گزینه «۴»: «هذا» مبتدا و مبنی، اما «رجل» خبر و معرب است.

(انواع عملات)

۷۰- گزینه «۴»

(آبرین مصطفی زاده)

صورت سؤال، از ما عبارتی را خواسته است که فاعل نداشته باشد. در زبان عربی، فعل‌های مجهول به جای فاعل، نائب فاعل دارند. در گزینه «۴»، فعل «قد کتب» نوشته شده است «مجهول است» و «التمرین»، نائب فاعل آن و مرفوع است.

ترجمه عبارت: «در ابتدای جلسه، تمرین اول بر روی تخته نوشته شده است!»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: بعد از ظهور اسلام، واژگان عربی در زبان فارسی افزایش یافته است. («إزدادت»: فعل معلوم / «المفردات»: فاعل)

گزینه «۲»: ماهی‌ها در دریاها و رودها زندگی می‌کنند و انواع مختلفی دارند. («تعیش»: فعل معلوم / «الأسماك»: فاعل)

گزینه «۳»: معلّم بسیار تلاش می‌کند تا شما را در رسیدن به موفقیت یاری کند! («يُحاول، يُساعد»: فعل معلوم)

(انواع عملات)

۷۱- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمان‌های)

گرچه گاهی در شناخت حسی خطا رخ می‌دهد، اما این شناخت به قدری برای ما معتبر است که بر پایه آن زندگی می‌کنیم و از اشیای طبیعی بهره می‌بریم و نیازهایمان را برطرف می‌سازیم. یکی از نشانه‌های ارزش و اعتبار شناخت حسی، توانایی حس در شناخت تفاوت‌ها و تمایزهاست.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۱ و ۵۲)

۷۲- گزینه «۲»

(فرهار قاسمی نژاد)

شناخت تمایزها و تفاوت‌های اشیاء این امکان را به انسان می‌دهد که به کمک عقل خود از اشیای متفاوت استفاده‌های مختلف بکند؛ مثلاً اگر در مقابل ما یک لیوان آب و یک ظرف غذا باشد، برای رفع تشنگی لیوان آب را برمی‌داریم و برای رفع گرسنگی به سراغ غذا می‌رویم. این عمل به ما می‌فهماند که ما در تشخیص لیوان آب و ظرف غذا اشتباه نکرده‌ایم، پس استفاده از اشیاء صرفاً به‌واسطه حواس نیست و با کمک عقل صورت می‌گیرد. هم‌چنین از آن‌جایی که با حواس خود به خطا بودن شناخت حسی پی‌می‌بریم همین مورد نشانه‌ای برای اعتبار حواس است.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۱ و ۵۲)

۷۳- گزینه «۱»

(علیرضا نصیری)

دریچه ارتباطی ما با جهان، حواس پنجگانه می‌باشند. بنابراین این فرد ادعا کرده‌است که شناخت عقلی معتبر نیست و فقط شناخت حسی اعتبار دارد؛ در حالی که می‌دانیم حتی استدلال‌های شناخت تجربی نیز حاصل همکاری حس و عقل است و اگر خوب دقت کنیم در خواهیم یافت که همین جمله از راه عقل به دست آمده و حس اساساً نمی‌تواند چنین شناختی را برای انسان به‌دست بیاورد. از آنجایی که این جمله فرد، اساساً از حکم عقل ناشی شده و به واسطه آن بیان گشته‌است، پس او در این جمله بر «عقل» تکیه دارد هرچند که سعی می‌کند، عقل را نفی کند!

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۲ تا ۵۴)

۷۴- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمان‌های)

رسیدن به معرفت شهودی به تدریج و گام به گام حاصل می‌شود و نیازمند سیر و سلوک و تهذیب نفس است و ناگهانی و دفعی نیست.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه ۵۴)

۷۵- گزینه «۳»

(امیر منصوری)

از نظر سوفسطائیان نمی‌توان گفت نظر اندیشمندان نادرست بوده است زیرا آنان حقیقت و شناخت را امری نسبی می‌دانستند، پس فقط تضاد و تناقض حرف‌های اندیشمندان درست است و نمی‌توان مطابق نظرات سوفسطائیان در مورد نادرستی سخن آنان اظهار نظر کرد.

سایر گزینه‌ها از جمله موارد و تبعات اندیشه سوفسطائیان است.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه ۶۰)

۷۶- گزینه «۳»

(موسی سپاهی - سروان)

ارسطو با تدوین منطق، گامی مهم در این زمینه برداشت و توانست قواعد استدلال و شیوه‌های مصون ماندن از خطا و مغالطه را آموزش دهد و مانع رشد سفسطه در جامعه شد.

(فلسفه یازدهم، نگاهی تاریخچه معرفت، صفحه ۶۰)



اقتصاد

۸۱- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمانهای)

بررسی عبارات صورت سؤال:

(الف) صحیح است.

(ب) صحیح است.

(پ) نادرست است؛ در دوره پایانی حکومت صفویه، دولت‌های اروپایی با تجهیز ناوگان خود به رقابت شدید نظامی و تجاری با یکدیگر و استعمار کشورهای دیگر پرداختند.

(ت) نادرست است؛ در دوران حکومت قاجار، مواردی مانند: بی‌توجهی به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، سیاست‌های رکودی و انقباضی و تأسیس بانک‌های روسی و انگلیسی آسیب‌های توان‌فرسایی بر اقتصاد ایران وارد کرد.

(ث) نادرست است؛ ویژگی عمده حکومت در دوران پهلوی: جدا شدن اقتصاد ایران از ابعاد هویتی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و دینی خود بود.

(ج) نادرست است؛ در دوران حکومت پهلوی، بسیاری از کارخانجات بزرگ و زیرساخت‌های صنعتی در این دوران ساخته شد. با این حال ساختارهای اساسی اقتصاد کشور زیر سلطه و برنامه‌ریزی بیگانگان قرار گرفت.

(چ) صحیح است.

(اقتصاد، مقاوم‌سازی اقتصاد، صفحه‌های ۱۰۷ تا ۱۱۱)

۸۲- گزینه «۳»

(سارا شریفی)

بررسی عبارات صورت سؤال:

(الف) غلط است؛ اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است پیشرفته، مردمی و دانش‌بنیان که در برابر تهدیدات و تکانه‌های داخلی و خارجی، آسیب‌ناپذیر است و با اتکای به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های داخلی و استفاده از فرصت‌های بیرونی، نیازها و مشکلات اقتصادی را رفع می‌کند و با تحریم‌ها و تهدیدات دشمنان، به زانو در نمی‌آید. وابسته نبودن اقتصاد ملی به اقتصادهای بیگانه را می‌توان با نام استقلال اقتصادی شناخت. با این حال استقلال اقتصادی به معنای قطع ارتباط با کشورهای دیگر نیست و هر کشوری برای پیشرفت، به تعامل منطقی با کشورهای دیگر نیاز دارد. مهم آن است که این تعامل، مقتدرانه و از روی تدبیر باشد.

(ب) غلط است؛ اینکه کشورها در شرایط سخت پیش‌بینی نشده چه واکنشی نشان می‌دهند به قدرتمند بودن آن‌ها بستگی دارد. آیا ساختارهای اقتصادی یک کشور پر قدرت است؟ آیا شرکت‌های تولیدی در شرایط سخت می‌توانند، نیاز کشور را برآورده کنند؟ آیا اقتصاد کشور وابسته است یا مستقل؟

پاسخ به این پرسش‌ها و پرسش‌های مشابه، در روبه‌رو شدن کشورها با شرایط سخت تحریم و تهاجم تعیین‌کننده است.

(ج) غلط است؛ اقتصاددانان با اصطلاحاتی مانند: ثبات اقتصادی، استحکام اقتصادی، تاب‌آوری اقتصاد و پایداری بر مقاوم‌سازی اقتصادی تأکید می‌کنند.

(د) صحیح است.

(ه) صحیح است.

(اقتصاد، مقاوم‌سازی اقتصاد، صفحه‌های ۱۱۱ و ۱۱۵)

۷۷- گزینه «۴»

(سبا معفرزاده صابری)

علامه سیدمحمدحسین طباطبایی فیلسوف بزرگ معاصر می‌گوید: صدرالمتألهین پایه بحث‌های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف و شرع گذاشت. اگر چه ریشه این نظر در کلمات معلم ثانی، ابن‌سینا، شیخ اشراق و خواجه نصیر طوسی نیز به چشم می‌خورد، ولی این صدرالمتألهین است که توفیق کامل انجام این مقصد را پیدا کرد، پس نخستین فیلسوف ملاصدرا نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ابن‌سینا و فارابی نیم‌نگاهی به شناخت شهودی داشتند، اما آن را در فلسفه خود وارد نمی‌کردند. ابن‌سینا در یکی از کتاب‌های خود که به تبیین عرفان می‌پردازد، به‌طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می‌دهد، اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال فلسفی سخن نمی‌گوید.

گزینه «۲»: سه‌رودی کوشید آنچه را که از طریق اشراق و به‌صورت الهامات شهودی به‌دست آورده بود تبیین استدلالی کند و در نهایت نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید.

گزینه «۳»: چندی بعد ملاصدرا شیرازی، فیلسوف بزرگ قرن یازدهم هجری، راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و توانست به‌نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره‌بردار.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۳)

۷۸- گزینه «۲»

(موسی سپاهی - سراوان)

بیکن از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می‌ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود (رد گزینه‌های ۴ و ۱). به نظر بیکن فیلسوفان گذشته با دنباله‌روی از ارسطو، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و همین امر سبب شده بود که علوم تجربی در خرافات و تعصب‌های بیجا محصور بماند و پیشرفت نکند.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه ۶۴)

۷۹- گزینه «۲»

(فیروز نژادنیف - تبریز)

تجربه نمی‌توانست درباره نیاز جهان به مبدأ و خدا و وجود عوالمی غیر از عالم طبیعت و اساس خوب و بد‌های اخلاقی اظهارنظر کند؛ زیرا ابزار لازم برای چنین مسائلی را در اختیار ندارد.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۵ و ۶۶)

۸۰- گزینه «۲»

(پرگل رهیمی)

نقطه اشتراک نظریه نسبی‌گرایان و سوفسطائیان این است که درک و شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش معتبر است.

اما نقطه افتراق این دو نظریه در این است که سوفسطائیان معتقدند که حقیقت امری یکسان نیست و مطابق درک و شناخت ما انسان‌ها می‌تواند تغییر کند (اشیا هر طوری که در هر نوبت به نظر من می‌آیند در آن نوبت همان‌طور هستند ...). اما نسبی‌گرایان معتقدند که شناخت حقیقت امری یکسان نیست. (من در این وضعیت فکری می‌کنم این شیء این‌گونه است / نه اینکه حتماً این شیء در حقیقت آن‌گونه باشد).

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۰ و ۶۶)



۸۳- گزینه «۲»

(نسرین معفری)

الف) صرفه جویی در مصرف و تولید کالاها و خدمات رفاهی در حال حاضر و سرمایه گذاری در زیرساختها ← رشد اقتصادی در آینده (یا انتقال PPF به راست و خارج)

ب) هدر رفتن سوخت و آلودگی محیط زیست ← ناکارا شدن اقتصاد و انتقال از نقطه روی منحنی به نقطه ای زیر منحنی

پ) انتقال از نقطه C به نقطه B ← در نقطه ناکارای C، عوامل تولید بیکار و غیرفعال هستند ← با انتقال به نقطه B از عوامل بیکار فقط در تولید کالای X استفاده می شود.

انتقال از نقطه C به نقطه M ← از عوامل بیکار و غیرفعال در نقطه C نیمی در تولید کالای X و نیمی دیگر در تولید کالای Y استفاده می شود. (اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه های ۱۱۸ و ۱۱۹)

۸۴- گزینه «۲»

(کنکور ری ماه ۱۴۰۱)

یک منشأ رشد اقتصادی، افزایش در منابع (جمعیت، سرمایه های فیزیکی، سرمایه انسانی) است؛ برای مثال، اگر جمعیت در طول زمان رشد کند، به طور کلی عرضه نیروی کار هم افزایش می یابد.

سرمایه های فیزیکی کشور می تواند با سرمایه گذاری در کارخانه ها، ساختمان ادارات، ماشین آلات و مغازه ها افزایش یابد. سرمایه انسانی با آموزش افزایش می یابد. با منابع در دسترس بیشتر، یک کشور می تواند کالا و خدمات بیشتری تولید کند.

مؤلفه های پیشرفت اقتصادی:

- رشد اقتصادی

- شاخص های توسعه انسانی (نظیر بهداشت، سواد (میانگین سال های تحصیل و امید به زندگی)

- شاخص توزیع عادلانه درآمد

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه ۱۱۸)

۸۵- گزینه «۳»

(مهری ضیائی)

ارزش حاصل از خرید و فروش کالاهای دست دوم از جمله گوشی موبایل در محاسبات تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی شوند. این قبیل کالاها زمانی که برای اولین بار تولید و فروخته شده اند، به حساب آمده اند. بنابراین گوشی موبایل آتوسا زمانی که توسط خود او فروخته شد و نیز زمانی که دوستش پس از تعمیر آن را به فروش رساند، در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی شود. البته ۲ میلیون تومانی که صرف تعمیر نمایشگر گوشی موبایل شده از آنجایی که در ازای آن پول رد و بدل شده است، در محاسبات لحاظ می شود. لذا می توان گفت این تبادلات مالی در مجموع ۲ میلیون تومان تولید ناخالص داخلی کشور را افزایش داده است.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه های ۱۲۰ و ۱۲۱)

۸۶- گزینه «۲»

(آفرین ساپری)

الف)

$$1400 = (1000 \times 200) + (3000 \times 100)$$

$$= 200,000 + 300,000 = 500,000 \text{ تومان}$$

$$1402 = (1000 \times 250) + (3000 \times 200)$$

$$= (250,000) + (600,000) = 850,000 \text{ تومان}$$

نرخ رشد تولید واقعی در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال پایه

$$= \frac{850,000 - 500,000}{500,000} \times 100 = 70 \text{ درصد}$$

ب) برای محاسبه میزان افزایش قیمت ها (تورم)، تولید اسمی در سال ۱۴۰۱ را به دست می آوریم و سپس آن را از تولید واقعی این سال کم می کنیم تا بفهمیم چه مقدار از افزایش تولید کل در سال ۱۴۰۱ ناشی از افزایش قیمت ها (پدیده تورم) است:

$$1401 = (1700 \times 220) + (500 \times 150)$$

$$= 374,000 + 75,000 = 449,000 \text{ تومان}$$

$$1401 = (1000 \times 220) + (3000 \times 150)$$

$$= 220,000 + 450,000 = 670,000 \text{ تومان}$$

= میزان افزایش تولید کل ناشی از افزایش تورم در یک سال

تولید واقعی در همان سال - تولید اسمی در سال مورد نظر

$$= 670,000 - 449,000 = 221,000 \text{ تومان}$$

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه های ۱۲۲ و ۱۲۳)

۸۷- گزینه «۱»

(نسرین معفری)

سهام دهک سوم = ۱ - سهام دهک چهارم

$$\Rightarrow 6 - 1 = 5 \text{ درصد (سهام دهک سوم)}$$

سهام دهک دوم = ۱ - سهام دهک سوم

$$\Rightarrow 5 - 1 = 4 \text{ درصد (سهام دهک دوم)}$$

سهام دهک اول = ۱ - سهام دهک دوم

$$\Rightarrow 4 - 1 = 3 \text{ درصد (سهام دهک اول)}$$

یک معادله دوجهولی درست می کنیم و از روش حذفی، دستگاه را حل می کنیم.

$$\begin{cases} 45 = \text{سهام دهک نهم} + \text{سهام دهک دهم} \\ 13 = \text{سهام دهک نهم} - \text{سهام دهک دهم} \end{cases}$$

$$\underline{13 = \text{سهام دهک نهم} - \text{سهام دهک دهم}}$$

$$2(13) = 2(45 + 13) \Rightarrow 26 = 90 + 26$$

$$2x = 58 \Rightarrow x = \frac{58}{2} = 29 \text{ (درصد) سهام دهک دهم}$$

$$29 - 13 = 16 \text{ (درصد) سهام دهک نهم}$$

سهام دهک اول (۱۰ درصد پایین جامعه) از درآمد ملی:

$$\frac{3}{100} \times 50,000 = 1,500 \text{ میلیارد واحد پولی}$$

مجموع سهام دهک دهم و نهم (۲۰ درصد بالا و پردرآمد) (درصد)

$$45 + 16 = 61 \text{ از درآمد ملی:}$$

$$\frac{45}{100} \times 50,000 = 22,500 \text{ میلیارد واحد پولی}$$

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه های ۱۲۴ و ۱۲۵)



۸۸- گزینه «۱»

(موردی کارردان)

الف) افزایش درآمد خریداران کالاها و محصولات تولیدشده ← رشد اقتصادی
 افزایش میانگین سال‌های تحصیلی کارمندان شرکت‌ها ← پیشرفت اقتصادی
 ب) مؤلفه‌هایی نظیر، میزان امید به زندگی در بدو تولد، میانگین سال‌های تحصیلی، سرانه درآمد ناخالص ملی و شاخص‌های نابرابری تشکیل‌دهنده شاخص توسعه انسانی است.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۶ و ۱۲۸)

۸۹- گزینه «۴»

(سارا شریفی)

میلیون ریال $15,000 = 500 \times 30 =$ ارزش مواد غذایی
 میلیون ریال $250,000 = 5,000 \times 50 =$ ارزش ماشین‌آلات
 ریال $7,500,000,000 = 15,000 \times 500,000 =$ ارزش پوشاک
 = ۷,۵۰۰ میلیون ریال
 (ارزش پوشاک) $\frac{2}{3} \times$ ارزش خدمات ارائه شده

میلیون ریال $5,000 = \frac{2}{3} \times 7,500 =$

$15,000 + 250,000 + 7,500 + 5,000 =$ تولید ناخالص داخلی
 = ۲۷۷,۵۰۰ میلیون ریال

(ارزش ماشین‌آلات) $\frac{1}{25} \times$ هزینه استهلاک

میلیون ریال $10,000 = \frac{1}{25} \times 250,000 =$

هزینه استهلاک - تولید ناخالص داخلی = تولید خالص داخلی

میلیون ریال $267,500 = 277,500 - 10,000 =$ تولید خالص داخلی

$\frac{\text{تولید ناخالص داخلی}}{\text{جمعیت کشور}} =$ تولید ناخالص داخلی سرانه

ریال $5,550 = \frac{277,500}{50} =$

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۰ و ۱۲۱)

۹۰- گزینه «۲»

(سارا شریفی)

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: «امید به زندگی در بدو تولد» در نروژ ۳ / ۸۲ سال است.

گزینه «۳»: «رتبه (HDI)» در آلمان ۴ است.

گزینه «۴»: درآمد ناخالص ملی سرانه (GNI) در ایرلند ۶۶۰ / ۵۵ دلار PPP است.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه ۱۲۶)

ریاضی و آمار (۳)

۹۱- گزینه «۳»

(کلناز بینقی)

ابتدا به شرطی که در صورت سوال هست توجه می‌کنیم و «t» و «r» را در یک باکس جداگانه در نظر می‌گیریم. «t» و «r» در دو حالت در کنار هم قرار می‌گیرند، پس ۲! جایگشت دارند.

در نتیجه «جایگشت ۶ حرف و یک باکس»:

$$t, r \text{ compue}$$

$$\Rightarrow 7! \times 2!$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

۹۲- گزینه «۳»

(مهمرب بفرایی)

فرض کنیم از شهر C به شهر D تعداد x راه وجود دارد، طبق اصل جمع و ضرب داریم:

$$\left. \begin{array}{l} A \xrightarrow{3} B \xrightarrow{2} D \\ A \xrightarrow{2} C \xrightarrow{x} D \\ A \xrightarrow{1} D \end{array} \right\} \Rightarrow 3 \times 2 + 2x + 1 = 15$$

$$\Rightarrow 2x = 15 - 7 \Rightarrow 2x = 8 \Rightarrow x = 4$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۴)

۹۳- گزینه «۳»

(مهمرب بفرایی)

$$\binom{n}{2} = 28 \Rightarrow \frac{n!}{(n-2)! \times 2!} = 28$$

$$\Rightarrow \frac{n(n-1)}{2} = 28 \Rightarrow n(n-1) = 56 = 8 \times 7$$

$$\Rightarrow n = 8$$

$$\Rightarrow \binom{8}{3} = \frac{8!}{5! \times 3!} = \frac{8 \times 7 \times 6}{3 \times 2 \times 1} = 56$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۸ تا ۱۱)

۹۴- گزینه «۲»

(مهمرب بفرایی)

$$C(4,2) = \frac{4!}{2! \times 2!} = \frac{4 \times 3}{2 \times 1} = 6$$

$$P(6,2) = \frac{6!}{(6-2)!} = \frac{6 \times 5 \times 4!}{4!} = 30$$

$$0! = 1! = 1$$

$$\Rightarrow \text{عبارت} = \frac{6 + 30}{1 \times 1} = 36$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۵ تا ۱۱)

۹۵- گزینه «۳»

(سعید عزیزقانی)

در هر گزینه اعضای مربوط به پیشامدی که تعداد عضو کمتری دارد را می‌نویسیم. اگر بین اعضای پیشامد نوشته شده و پیشامد دیگر عضو مشترکی پیدا نکردیم آن گزینه را انتخاب می‌کنیم یعنی گزینه‌ای درست است که در آن $A \cap B = \emptyset$ باشد.

گزینه «۱» اعضای پیشامد B را می‌نویسیم:

$$B = \{(1,1), (1,3), (1,5), (3,1), (3,3), (3,5), (5,1), (5,3), (5,5)\}$$



تمام عضوهای پیشامد B در پیشامد A نیز وجود دارند، بنابراین:

$$A \cap B \neq \emptyset$$

گزینه «۲» اعضای پیشامد B را می‌نویسیم:

$$B = \{(5,6), (6,5), (6,6)\}$$

یکی از عضوهای پیشامد B یعنی (6,6) در پیشامد A نیز وجود دارد،

$$A \cap B \neq \emptyset$$

گزینه «۳» اعضای پیشامد A را می‌نویسیم:

$$A = \{(1,2), (2,1), (2,4), (4,2), (3,6), (6,3)\}$$

هیچکدام از اعضای پیشامد A در پیشامد B وجود ندارد، بنابراین:

$$A \cap B = \emptyset$$

گزینه «۴» اعضای پیشامد A را می‌نویسیم:

$$A = \{(3,3), (3,6), (6,3), (6,6)\}$$

دو عضو از پیشامد A یعنی (3,6) و (6,3) در پیشامد B نیز وجود

$$A \cap B \neq \emptyset$$

دارند، بنابراین: (ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۶)

۹۶- گزینه «۴»

(فرشید کریمی)

$$P(A) = \frac{n(A)}{n(S)}$$

$$n(S) = 8!$$

از اصل متمم استفاده می‌کنیم، حالتی را فرض می‌کنیم که مهره‌های آبی کنار هم باشند.

$$3 = 4! \times 5!$$

$$\Rightarrow P(A') = \frac{n(A')}{n(S)} = \frac{4! \times 5!}{8!} = \frac{1}{14}$$

$$P(A) = 1 - P(A') = 1 - \frac{1}{14} = \frac{13}{14}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۷)

۹۷- گزینه «۲»

(مهمبر ابراهیم توزنده‌پانی)

$$n(S) = \binom{12}{10} = \binom{12}{2} = \frac{12 \times 11}{2} = 66$$

$$n(A) = \binom{6}{5} \binom{6}{5} + \binom{6}{6} \binom{6}{4} = 6 \times 6 + 1 \times 15 = 36 + 15 = 51$$

$$P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{51}{66} = \frac{17}{22}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۴ تا ۲۱)

۹۸- گزینه «۴»

(مهمر عمیری)

از روی شکل می‌فهمیم که پیشامد $A \cap B$ (یعنی A و B هر دو با هم)

اتفاق نیفتاده است، پس به عبارت دیگر پیشامد (حداکثر یکی از پیشامدهای

A یا B اتفاق بیفتد) را نشان می‌دهد.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۶)

۹۹- گزینه «۳»

(ابوالفضل بوری)

$$n(S) = 4 \times 4 \times 3 \times 2 = 96$$

پیشامد A = عدد انتخاب شده زوج و بزرگ‌تر از ۵۰۰۰ باشد:

$$\begin{array}{r} 4 \\ 3 \\ 2 \\ 1 \end{array}$$

از آنجا که ارقام مجاز خانه‌های مشروطه اشتراک دارند و هیچ کدام زیرمجموعه دیگری نیست، دسته‌بندی می‌کنیم:

$$2 \times 3 \times 2 \times 2 = 36 \quad \text{الف) یکان ۰، ۲ یا ۴ باشد:}$$

$$1 \times 3 \times 2 \times 1 = 6 \quad \text{ب) یکان ۶ باشد:}$$

$$n(A) = 36 + 6 = 42 \Rightarrow P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{42}{96} = \frac{7}{16}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۴ تا ۲۱)

۱۰۰- گزینه «۱»

(سامان اسپهرم)

$$P(B - A) = P(B) - P(A \cap B) \xrightarrow{P(B-A)=0/55}$$

$$0/55 = P(B) - P(A \cap B)$$

$$P(A \cup B) = P(A) + P(B) - P(A \cap B)$$

$$0/68 = P(A) + 0/55 \Rightarrow P(A) = 0/13$$

$$P(A') = 1 - P(A) = 1 - 0/13 = 0/87$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۴ تا ۲۷)

علوم و فنون ادبی (۳)

۱۰۱- گزینه «۱»

(مهمر حسین گیانه)

نویسندگان این دوره مطالب خود را در روزنامه‌ها اغلب در قالب مقاله منتشر می‌کردند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۸ و ۱۹)

۱۰۲- گزینه «۳»

(شیوا نظری)

تشریح موارد نادرست:

ب: نشاط اصفهانی و صبا کاشانی هر دو در غزل و قصیده مهارت داشتند، اما صبا کاشانی بود که در مثنوی هم دست داشت.

ج: «گنجینه نشاط» از نشاط اصفهانی ترکیبی از آثار منشور و منظوم اوست، نه صرفاً آثار منظوم او.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۱۰۳- گزینه «۳»

(سیدعلیرضا علویان)

وزن این بیت، «مفتعلن فاعلات مفتعلن فع» می‌باشد که جزء دسته‌بندی اوزان ناهمساز می‌باشد.



وزن سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مستفعلن مستفعلن مستفعلن (همسان)
 گزینه «۲»: مفتعلن مفتعلن فاعلن (همسان)
 گزینه «۴»: مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن (همسان دوری)
 (علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۶)

۱۰۴- گزینه «۳»

(مبتهی فرهارزی)
 وزن گزینه «۳»، «مفعول مفاعله مفاعله» یا «مستفعل فاعلات مستفعل» است.

تشریح سایر گزینه‌ها: آزمون وی آی پی

گزینه «۱»: مفعول فاعلات مفاعله فاعلن (مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل)
 گزینه «۲»: مفعول مفاعله مفاعله فعولن (مستفعل فاعلات مستف)
 گزینه «۴»: مفعول مفاعله مفاعله فعولن (مستفعل مستفعل مستف)
 (علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۶)

۱۰۵- گزینه «۳»

(مبتهی فرهارزی)
 نشانه‌های هجایی این بیت را می‌توان به دو صورت جدا نمود: ۱- «مستفعل فاعلات مستفعل» ۲- «مفعول مفاعله مفاعله»

وزن سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مفتعلن مفاعله مفتعلن مفاعله
 گزینه «۲»: مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن
 گزینه «۴»: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۶)

۱۰۶- گزینه «۲»

(شیوا نظری)
 بیت فاقد تلمیح است و «خضر» معنی سبزه و گیاهان دارد.
 تشبیه: زاغ مانند نوحه‌گر است.
 جناس: «در» و «بر» جناس ناقص اختلافی هستند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: تلمیح به داستان حضرت عیسی و سوزن که گفته‌اند علت اینکه حضرت عیسی نتوانست از آسمان چهارم بالاتر برود وجود سوزنی در لباسش بود که نشانه‌ای از تعلق به دنیا محسوب می‌شد.

جناس: «مانع» و «قانع» / فاقد تشبیه

گزینه «۳»: تلمیح به آیه ۷۲ سوره احزاب (إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا): آن امانتی که به آسمان و زمین عرضه شد و ملائکه از قبول آن سر باز زدند و به تعبیر عارفان عشق است.

فاقد تشبیه و جناس

گزینه «۴»: بیت، فاقد تلمیح و تشبیه است.

جناس تام: چین اول (چین و چروک) و چین سوم (کشور چین)

(علوم و فنون ادبی (۳)، بیان و بریح، ترکیبی)

۱۰۷- گزینه «۱»

بررسی آرایه هر بیت:

(شیوا نظری)

الف: «ای غم» تشخیص و استعاره مکنیه می‌باشد.

ب: واژه «نفخت» تلمیح دارد به آیه «و نفخت فيه من روحي» و دمیده‌شدن روح الهی در آدم.

ج: مصراع دوم بیت، تضمین دارد و برگرفته از حدیث قدسی است که خداوند خطاب به نبی اکرم (ص) فرموده است که اگر تو نبود، جهان را نمی‌آفریدم.

د: تناسب بین واژه‌های «مژگان»، «ابرو» و «تیر»، «کمان»

(علوم و فنون ادبی، بیان و بریح، ترکیبی)

۱۰۸- گزینه «۲»

(یاسین مهریان)

تشبیه: منصورصفت / تلمیح: اشاره دارد به منصور حلاج و به دارکشیده‌شدن وی / جناس: «بر» و «زیر»: جناس ناهمسان افزایشی

(علوم و فنون ادبی، بیان و بریح، ترکیبی)

۱۰۹- گزینه «۱»

(سیرعلیرضا امیری)

الف) استعاره: پیرهن گل (تشخیص) / تشبیهات: زلیخای صبا و یوسف گل (سعدی به زیبایی باد صبا را به زلیخایی تشبیه کرده که پیراهن گل را پاره می‌کند). / تلمیح: اشاره غیرمستقیم به داستان مشهور یوسف و زلیخا

ب) استعاره: لب چشمه (تشخیص) / تشبیه مضمیر: ادعای همانندی لب‌های یار و چشمه حیات (معنای بیت: اگر خضر لب‌های تو را می‌دید، می‌گفت که این لب، لب چشمه حیات است. در ادبیات ما «لب» پدیده‌ای جان‌بخش و مروج است و از این‌رو آن را به آب و چشمه مانند می‌کنند). / تلمیح: یادآور حکایت خضر و آب حیات

ج) بیت فاقد تشبیه است. / استعاره: ساقی (در کنکورهای اخیر این واژه استعاره گرفته می‌شود. شاید استعاره از «واسطه فیض الهی») / تلمیح: اشاره به «آلست برکتکم...»

د) بیت فاقد استعاره است. / تشبیه: شاید تشبیه دانستن رابطه بین واژه «رخ» و «نور» سخت‌گیرانه باشد، ولی واضحاً بین «زلف» و «شب» رابطه شباهت مشهود است. این تشبیه، از نوع مضمیر یا پنهان است و اغلب بین یک پدیده مربوط به معشوق و یک پدیده طبیعی اتفاق می‌افتد. مثل قد و سرو یا چشم و نرگس و یا ماه و چهره. / تلمیح: یادآور دیدار خداوند و موسی در کوه طور

ه) بیت فاقد تلمیح است. / تشبیه: خم‌خانه عشق (خم‌خانه: می‌کده) / تشخیص و استعاره: در و دیوار خراب (مست) هستند.

(علوم و فنون ادبی، بیان و بریح، ترکیبی)

۱۱۰- گزینه «۴»

(مهدامین رادراش‌فام)

مفهوم بیت گزینه «۴»: اعتراض عاشق به بی‌توجهی معشوق و طاقت‌نداشتن عاشق

مفهوم ابیات سایر گزینه‌ها: عاشق باید سختی‌های راه رسیدن به معشوق را تحمل کند (چه بخواهد، چه نخواهد).

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهومی، صفحه ۳۰)

عربی، زبان قرآن (۳)

۱۱۱- گزینه «۳»

(امیر حسین پورقنبر)

«لا یحزنک»: نباید تو را اندوهگین کنند (رد سایر گزینه‌ها) / «آذین»: کسانی که در این جا، با توجه به «یسارعون»، مفهوم جمع دارد. (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «یسارعون»: می‌شتابند (رد سایر گزینه‌ها) / «فی الکفر»: در بی‌دینی (رد گزینه‌های ۱ و ۴) (واژه «راه» اضافی است).

(ترجمه)

۱۱۲- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

«داؤک»: دارویت (رد گزینه ۳) / «فیک»: در خودت است (رد گزینه ۱) / «و ما تُبصر»: و تو نمی‌بینی / «و داؤک»: و بیماریت (رد گزینه ۳) / «مینک»: از خودت / «و لا تُشعر»: و احساس نمی‌کنی (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

(ترجمه)

۱۱۳- گزینه «۱»

(پیروز و بان-کنبر)

«إقصدوا فی أعمالکم»: در کارهایتان میانه‌روی کنید (رد سایر گزینه‌ها) / «اقتصدوا فی استهلاكکم»: در مصرفتان صرفه‌جویی کنید (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «هذان العملان»: این دو عمل، این کارها (رد گزینه ۳) / «من أفضل الأعمال القیمة للانسان»: از بهترین اعمال (کارهای) ارزشمند برای انسان هستند (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

(ترجمه)

۱۱۴- گزینه «۲»

(سیرمحمدعلی مرتضوی)

«قد + فعل مضارع» به صورت «گاهی ... ، شاید» ترجمه می‌شود:
قد يُعلم: گاهی یاد می‌دهد، شاید یاد بدهد

(ترجمه)

۱۱۵- گزینه «۳»

(روح‌الله گلشن)

«حاضر شدند»: (فعل ماضی) حضروا (رد گزینه ۴) / «اما»: لکن (رد گزینه ۴) / ضمیر «شان» در «معلمشان» تعریب نشده است. (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «حاضر نشده است»: لم یحضر (باید معنای ماضی بدهد؛ رد گزینه‌های ۱ و ۲)

(ترجمه)

۱۱۶- گزینه «۴»

(عمیدرضا قانر امینی- اصفهان)

عبارت اول (هیچ چیزی بهتر از بخشش به وقت توانمندی نیست!)، انسان را به گذشت کردن دعوت می‌کند؛ اما عبارت دوم، انسان را از رحم کردن بر ستمگران باز می‌دارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: هر دو عبارت به آثار منفی و زیان‌بار خشم اشاره دارند.

گزینه «۲»: هر دو عبارت دربارهٔ نعمت ارزشمند سلامتی است.

گزینه «۳»: هر دو عبارت در مذمت دروغ‌گویی است.

(مفهوم)

۱۱۷- گزینه «۴»

(پیروز و بان-کنبر)

يَتَقَدَّمُ ← يَتَقَدَّمُ (باب تَفَعَّلَ: در ماضی و مضارع و امر، حرکت عین‌الفعل، فتحه است.)

(ضبط حرکات)

۱۱۸- گزینه «۳»

(مرتضی کاظم شیروزی)

هر گاه «لا» به معنای «هیچ ... نیست» باشد، «لا»ی نفی جنس نامیده می‌شود، که بر سر «اسم» وارد شده و آن را به‌طور کامل نفی می‌کند. توجه داشته باشید که اسم پس از «لا»، بدون «ال» و «تنوین» می‌آید و حرکت آن فتحه است ← «خیر»

(انواع جملات)

۱۱۹- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمان‌های)

صورت سؤال از ما عبارتی را می‌خواهد که در آن «تشبیه» به کار رفته است. در گزینه «۳»، «كأنَّ» از حروف مشبّهة بالفعل است که معنای «مثل این که، مانند، گویی» می‌دهد و برخی مواقع آرایهٔ تشبیه ایجاد می‌نماید. ترجمهٔ عبارت گزینه «۳»: «گویی قلب‌های همهٔ دشمنانمان، قطعه‌هایی از آهن و مس است!»

(انواع جملات)

۱۲۰- گزینه «۴»

(روح‌الله گلشن)

«صديق» خبر حرف مشبّه بالفعل «إنَّ»، «المُشفق» صفت «معلم»، «الکبيرة» صفت «مدرسة» و «فی مدرستنا» نیز یک جار و مجرور است.

(انواع جملات)



فلسفه دوازدهم

۱۲۱- گزینه ۳»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

وجود و ماهیت دو امر متمایز نیستند و در خارج دو جنبه از یک واقعیت‌اند؛ مانند اینکه یک فرد هم فرزند کسی است و هم خودش مادر شخص دیگری است. مادربودن و فرزندبودن هرچند در مفهوم متفاوت و متمایز هستند، اما یک مصداق واحد دارند. تفاوت این دو صرفاً در ذهن و از جهت مفهوم است؛ اما نسبت میان وجود و ماهیت مانند رابطه جوهر خودکار و خودکار و رابطه برگ درختان و درخت، رابطه جزء و کل نیست و مانند رابطه یک شی با رنگ آن نیز نیست.

(فلسفه دوازدهم، هستی و پیوستی، صفحه‌های ۳)

۱۲۲- گزینه ۴»

(سبا پعفرزازه صابری)

اینکه برای بررسی ماهیت یک شیء به سراغ وجود آن می‌رویم و وجودش را بررسی کنیم تا بتوانیم ماهیتش را مطالعه کنیم، نشان از عینیت وجود و ماهیت در جهان خارج است، یعنی در عالم واقع این دو جدا از یکدیگر نیستند.

(فلسفه دوازدهم، هستی و پیوستی، صفحه‌های ۳ و ۴)

۱۲۳- گزینه ۳»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

توماس آکوئیناس فلسفه‌ای در اروپا پایه‌گذاری کرد که بیشتر متکی به دیدگاه‌های ابن‌سینا و تا حدودی ابن‌رشد بود.

سایر گزینه‌ها صحیح‌اند.

(فلسفه دوازدهم، هستی و پیوستی، صفحه‌های ۶ و ۷)

۱۲۴- گزینه ۳»

(معمد رضایی بقا)

در رابطه امکانی، موضوع ممکن است محمول را بپذیرد یا نپذیرد. پس عقل از قبول خود آن و از قبول خلافش ابا ندارد. به عبارتی ضرورتی نسبت به پذیرش یا رد آن ندارد.

(فلسفه دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۹ و ۱۰)

۱۲۵- گزینه ۳»

(علیرضا نصیری)

قضیه «مثلث چهارضلعی موجود است.» یک قضیه امتناعی می‌باشد چون «مثلث چهارضلعی» خود - متناقض است و از هستی‌یافتن در دنیای خارج امتناع دارد. اما «انسان ناطق است.» یک قضیه وجوبی است و ناطق به صورت اولی ذاتی بر انسان حمل می‌شود. بنابراین صورت سؤال از ما می‌خواهد که بیان کنیم، قضیه «مثلث چهارضلعی موجود است.» چه زمانی وجوبی خواهد شد.

می‌دانیم که اگر وجود جزء ماهیت باشد، در آن صورت حمل آن بر ماهیت به صورت اولی ذاتی و بنابراین وجوبی خواهد بود چون ماهیت و جزء مفهومی ماهیت به حمل اولی ذاتی بر خودش حمل می‌شود. بنابراین اگر وجود جزء ماهیت بود، «مثلث چهارضلعی موجود است» نیز یک قضیه وجوبی می‌شد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: وجود و ماهیت در خارج همواره عینیت دارند و نمی‌توان آن‌ها را در خارج از هم جدا کرد.

گزینه «۲»: اگر «مثلث چهارضلعی» متمنع‌بالذات نیز نبود، همچنان دلیل نداشت که قضیه «مثلث چهارضلعی موجود است» وجوبی باشد؛ بلکه می‌توانست امکانی باشد.

گزینه «۴»: حتی اگر برای «مثلث چهارضلعی»، علتی نیز یافت می‌شد این قضیه به صورت امکانی در می‌آمد چون همچنان حمل وجود بر آن مستلزم وجود علتش بود؛ و حال آن‌که مثلث چهارضلعی اساساً متمنع‌الوجود بالذات است و اصلاً امکان ندارد که علتی داشته باشد و هیچ علتی نمی‌تواند آن را به وجود آورد.

(فلسفه دوازدهم، ترکیبی هستی و پیوستی، جهان ممکنات، صفحه‌های ۱۰، ۱۵ و ۱۱)

۱۲۶- گزینه ۳»

(احمد منصوری)

ممکن است در آینده علتی برای موجود شدن آن پدید آید.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ماهیت چنین چیزی ذاتاً امکانی است، نه امتناعی.

گزینه «۲»: ماهیتی که ممکن‌الوجود است، ذاتاً ممکن‌الوجود خواهد ماند، حتی اگر به واسطه علتی به وجود آید.

گزینه «۴»: ممکن است به واسطه علتی واجب‌الوجود بالغیر باشد.

(فلسفه دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۱۱ و ۱۲)

۱۲۷- گزینه ۱»

(پرگل رهیمی)

دلیل و نتیجه در ذهن دریافت می‌شوند و علت و معلول در واقعیت درک می‌شوند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: هر انسانی از همان کودکی با پرسش‌گری خود از «چیستی» و «چرایی» اشیاء، نشان می‌دهد که این قاعده ذهنی را پذیرفته است.

گزینه «۳»: ساختار ذهن کودک و ساختار جهان به‌گونه‌ای است که او را به «چرا» گفتن می‌کشاند.

گزینه «۴»: کلمه «چرا» بازتابی از درک علت در ذهن انسان‌هاست.

(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۱۲۸- گزینه ۲»

(هسین آفوندری راهنمایی)

از میان فیلسوفان اروپایی، دکارت معتقد بود که اصل علت بدون دخالت تجربه به دست می‌آید و جزء اصول اولیه‌ای است که انسان آن را به‌طور فطری درک می‌کند، یعنی هر انسان، با درکی از رابطه علت متولد می‌شود و درک این رابطه نیاز به تجربه و یا آموزش ندارد؛ زیرا پذیرش و قبول این رابطه، مقدمه و پایه هر تجربه و آموزشی است. البته یافتن مصداق‌های علت و معلول نیازمند تجربه و آموزش است، پس عبارت مطرح‌شده در گزینه «۲» برعکس بیان شده، اما سایر گزینه‌ها مطابق با نظرات دکارت است.

(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

۱۲۹- گزینه ۳»

(فیروز نژادنیف - تبریز)

دقت کنید که تداعی علت چیزی جز یک حالت روانی ناشی از توالی و پشت سرهم آمدن پدیده‌ها نیست. از این طریق است که ما پنداشته‌ایم یک رابطه ضروری میان علت و معلول موجود است پس تداعی علت ناشی از توالی است نه خود علت. سایر گزینه‌ها مطابق با نظر دیوید هیوم می‌باشد.

(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

۱۳۰- گزینه ۱»

(موسی سپاهی - سراوان)

تجربه‌گرایان معتقدند که انسان از طریق حس، توالی یا همزمانی پدیده‌ها را مشاهده می‌کند و رابطه ضروری میان علت و معلول را درمی‌یابد و از این طریق، رابطه علت درک می‌کند و بنا می‌نهد. پس درک رابطه علت به‌طور مستقیم از طریق حس نیست، ابتدا با حس به توالی پی‌می‌برد و سپس علت را درک می‌کند. سایر گزینه‌ها مطابق با نظرات فلاسفه است و صحیح می‌باشد.

(فلسفه دوازدهم، جهان علی و معلولی، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)



ریاضی و آمار (۱)

۱۳۱- گزینه «۴»

(امد رضا ذاکر زاده)

در این بررسی نمی‌توان از روش سرشماری استفاده کرده زیرا ممکن است تمام موتورهای الکتریکی در مقابل ولتاژهای مختلف بسوزند، بنابراین نمونه‌گیری و سپس مشاهدهٔ توان موتورهای الکتریکی نمونه را انجام می‌دهیم.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۷۲ تا ۸۴)

۱۳۲- گزینه «۳»

(ابوالفضل بهاری)

وضعیت تأهل افراد، رنگ چشم و گروه خونی، کیفی اسمی است. رتبه شرکت‌کنندگان در آزمون سراسری از نوع کیفی ترتیبی است. مدت زمان مطالعه روزانه مقادیر عددی می‌گیرد و از طرفی اختلاف و نسبت بین مقادیر داده‌ها در این متغیر با معناست، پس از نوع کمی نسبتی است.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۷۹ تا ۸۴)

۱۳۳- گزینه «۳»

(سعید عزیزقانی)

پرسش‌نامه، مجموعه‌ای از پرسش‌های کتبی است که سوالات آن باید ساده و قابل فهم باشد و به ذهن پاسخگو جهت ندهد.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۷۲ تا ۷۶)

۱۳۴- گزینه «۴»

(ابوالفضل بهاری)

با توجه به صورت سؤال داریم:

$$\bar{x} = \frac{2x_1 + 3x_2 + 4x_3 + x_4 + 10}{2x_1 - 3 + 3x_2 - 5 + 4x_3 + 7 + x_4 + 11} = \bar{x}$$

$$2x_1 + 3x_2 + 4x_3 + x_4 = 4\bar{x} - 10$$

میانگین داده‌های جدید را به صورت زیر به دست می‌آوریم:

$$\begin{aligned} \bar{x}' &= \frac{4x_1 - 5 + 6x_2 + 9 + 8x_3 - 14 + 2x_4}{4} \\ &= \frac{2(2x_1 + 3x_2 + 4x_3 + x_4)}{4} \\ &= \frac{4x_1 + 6x_2 + 8x_3 + 2x_4 - 10}{4} = \frac{2(4\bar{x} - 10) - 10}{4} \\ &= \frac{8\bar{x} - 30}{4} = \frac{8\bar{x}}{4} - \frac{30}{4} = 2\bar{x} - 7.5 \end{aligned}$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۵ تا ۸۸)

۱۳۵- گزینه «۲»

(مهمد ابراهیم توزنده جانی)

اگر میانگین داده‌های x_1, x_2, \dots, x_4 را \bar{x} فرض کنیم، میانگین داده‌های $2 - 2, 3x_2 - 2, 3x_3 - 2, \dots, 3x_4 - 2$ برابر $3\bar{x} - 2$ می‌شود که طبق صورت سؤال $\frac{13}{4}$ است.

$$3\bar{x} - 2 = \frac{13}{4} \Rightarrow 3\bar{x} = \frac{21}{4} \Rightarrow \bar{x} = \frac{7}{4}$$

پس میانگین داده‌های $3 - 3, 4x_2 - 3, \dots, 4x_4 - 3$ برابر است با:

$$4\left(\frac{7}{4}\right) - 3 = 4$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۵ تا ۸۸)

۱۳۶- گزینه «۳»

(ابوالفضل بهاری)

چهار عدد زوج متوالی را به صورت زیر در نظر می‌گیریم:

$$x, x+2, x+4, x+6$$

$$\bar{x} = \frac{x+x+2+x+4+x+6}{4} = \frac{4x+12}{4} = \frac{4(x+3)}{4} = x+3$$

$$\sigma^2 = \frac{(x-(x+3))^2 + (x+2-(x+3))^2 + (x+4-(x+3))^2 + (x+6-(x+3))^2}{4}$$

$$= \frac{(-3)^2 + (-1)^2 + (1)^2 + (3)^2}{4} = \frac{20}{4} = 5$$

پنج عدد فرد متوالی را به صورت زیر در نظر می‌گیریم:

$$x-4, x-2, x, x+2, x+4$$

$$\bar{x} = \frac{x-4+x-2+x+x+2+x+4}{5} = \frac{5x}{5} = x$$

$$\sigma^2 = \frac{(x-4-x)^2 + (x-2-x)^2 + (x-x)^2 + (x+2-x)^2 + (x+4-x)^2}{5}$$

$$= \frac{(-4)^2 + (-2)^2 + 0^2 + (2)^2 + (4)^2}{5} = \frac{40}{5} = 8$$

اختلاف واریانس‌ها برابر $8-5=3$ است.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۹ تا ۹۸)

۱۳۷- گزینه «۳»

(مهمد همیری)

فرض کنید میانگین هر دو گروه برابر \bar{x} باشد.

$$\sigma_1^2 = \frac{(x_1 - \bar{x})^2 + \dots + (x_{15} - \bar{x})^2}{15}$$

$$\Rightarrow 12 = \frac{(x_1 - \bar{x})^2 + \dots + (x_{15} - \bar{x})^2}{15}$$

$$\Rightarrow (x_1 - \bar{x})^2 + \dots + (x_{15} - \bar{x})^2 = 12 \times 15 = 180$$



جامعه‌شناسی (۱)

(امیرمسین کزروین)

۱۴۱- گزینه «۱»

اعضای جهان اجتماعی ابتدا با هویت انتسابی خود آشنا می‌شوند و به تدریج با فعالیتشان، موقعیت و هویت اکتسابی خود را به دست می‌آورند.
(جامعه‌شناسی (۱)، تغییرات هویت اجتماعی، صفحه ۸۳)

(آزیتا بیدرقی)

۱۴۲- گزینه «۳»

صعودی بین نسلی ← فرزند کارمندی که مدیر کل می‌شود.
افقی درون نسلی ← دبیر جامعه‌شناسی یک مدرسه به دبیری جامعه‌شناسی مدرسه دیگری منصوب می‌شود.
درون نسلی نزولی ← فرماندار شهر قزوین به صورت یک کارمند عادی به کار ادامه می‌دهد.
بین نسلی افقی ← همه فرزندان یک نانوای مشغولند.
(جامعه‌شناسی (۱)، تغییرات هویت اجتماعی، صفحه‌های ۸۲ و ۸۳)

(آزیتا بیدرقی)

۱۴۳- گزینه «۲»

با شناخت موقعیت اجتماعی فرد، اطلاعاتی درباره او به دست می‌آوریم.
در جوامع فئودالی غربی، طبقه‌ای از مردم عادی بودند که به علت فواید کارکردهایی که داشتند تحمل می‌شدند ← طبقه سوم پذیرش معیار ارزیابی گروه‌های اجتماعی براساس مفید بودن یا نبودن آن‌ها منجر به پیدایش فرهنگ فایده‌گرایی شد.
انسداد اجتماعی بیشتر در جوامعی وجود دارد که جایگاه افراد براساس ویژگی‌های انتسابی تعیین می‌شود.
(جامعه‌شناسی (۱)، تغییرات هویت اجتماعی، صفحه‌های ۸۲ و ۸۳)

(کوثر شاه‌سینینی)

۱۴۴- گزینه «۳»

تشریح عبارات نادرست:

- در یک جهان دینی و معنوی، هویت‌هایی که ابعاد متعالی و الهی انسان را نفی کنند، به رسمیت شناخته نمی‌شوند.
- عبارت سوم ارتباطی به جمله مطرح شده در صورت سؤال ندارد.
(جامعه‌شناسی (۱)، تغییرات هویت اجتماعی، صفحه‌های ۸۵ تا ۸۷)

(کوثر شاه‌سینینی)

۱۴۵- گزینه «۲»

تغییرات هویتی افراد، گاه از مرزهای مورد قبول جهان اجتماعی فراتر می‌رود. اگر تغییرات هویتی بیرون از مرزهای مقبول جهان اجتماعی رخ دهد و شیوه‌هایی از زندگی را که با عقاید و ارزش‌ها در تقابل هستند به دنبال بیاورد، به تعارض فرهنگی منجر می‌شود که اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی فراوانی به همراه دارد. تعارض فرهنگی، گاهی ناشی از علل درونی است و به نوآوری‌ها و فعالیت‌های اعضای جهان اجتماعی بازمی‌گردد و گاه، ناشی از علل بیرونی است و پیامد تأثیرپذیری از جهان‌های اجتماعی دیگر است.
غربی شدن سبک زندگی آسیایی‌ها، شیوه زندگی ناسازگار با ارزش‌های شرقی است و موجب نگرانی‌های اجتماعی می‌شود. این نوع تعارض در اثر علل بیرونی پدید می‌آید.

(جامعه‌شناسی (۱)، تغییرات هویت اجتماعی، صفحه ۸۷)

اگر ده داده آماری را با x_{16}, \dots, x_{25} نشان دهیم آن‌گاه:

$$\sigma_p^2 = \frac{(x_{16} - \bar{x})^2 + \dots + (x_{25} - \bar{x})^2}{10}$$

$$\Rightarrow 7/6 = \frac{(x_{16} - \bar{x})^2 + \dots + (x_{25} - \bar{x})^2}{10}$$

$$\Rightarrow (x_{16} - \bar{x})^2 + \dots + (x_{25} - \bar{x})^2 = 7/6 \times 10 = 76$$

$$\Rightarrow \sigma^2 = \frac{(x_1 - \bar{x})^2 + \dots + (x_{15} - \bar{x})^2 + (x_{16} - \bar{x})^2 + \dots + (x_{25} - \bar{x})^2}{25}$$

$$= \frac{180 + 76}{25} = \frac{256}{25} = 10/24$$

$$\sigma = \sqrt{10/24} = 3/2$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۱۹ تا ۹۸)

۱۳۸- گزینه «۳»

ابتدا میانگین داده‌ها را پیدا می‌کنیم:

$$\bar{x} = \frac{8+15+10+2+25+16+14+12+15}{9} = \frac{117}{9} = 13$$

باید به این نکته دقت داشته باشیم که میانگین اولیه در صورتی تغییر نمی‌کند که میانگین دو داده اضافه شده هم با میانگین اولیه برابر باشد، پس با توجه به گزینه‌ها، بنابراین با اضافه کردن داده‌های ۱۲ و ۱۴ میانگین تغییری نمی‌کند:

$$\frac{12+14}{2} = 13$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۵ تا ۸۸)

۱۳۹- گزینه «۴»

(مهمر بهیرایی)

می‌دانیم در جامعه آماری که داده‌ها پراکندگی با خم پهن‌جار دارند ۹۶ درصد داده‌ها در فاصله $(\bar{x} - 2\sigma, \bar{x} + 2\sigma)$ قرار دارند. بنابراین:

$$22 + 2\sigma = 38 \Rightarrow 2\sigma = 6 \Rightarrow \sigma = 3$$

$$\Rightarrow \sigma^2 = 3^2 = 9$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۱۹ تا ۹۸)

۱۴۰- گزینه «۲»

(مهمر بهیرایی)

جنبه‌ای خاص از جامعه که برای کل داده‌ها محاسبه می‌شود را پارامتر می‌گویند و همواره ثابت است.

آماره جنبه خاصی از نمونه را بیان می‌کند و از نمونه‌ای به نمونه دیگر متغیر است.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۷۹ و ۸۰)



۱۴۶- گزینه «۴»

(ریحانه امینی)

تشریح گزینه نادرست:

جهان غرب طی جنگ‌های صلیبی، پس از رویارویی با فرهنگ اسلامی و پذیرش برخی لایه‌های آن، بدون اینکه به جهان اسلام بپیوندد، تحولات هویتی پیدا کرد.

(پایه‌شناسی (۱)، تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل بیرونی)، صفحه‌های ۹۷ و ۹۸)

۱۴۷- گزینه «۲»

(ریحانه امینی)

تشریح موارد:

- جهان اجتماعی هنگامی به داد و ستد و تعامل می‌پردازد که اعضای آن، به طور فعال و خلاق براساس نیازها، مشکلات و مسائل خود با جهان اجتماعی دیگر رویارو شوند.

- جهان اجتماعی خودباخته، به روش تقلیدی عمل می‌کند و ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می‌دهد، بنابراین نه می‌تواند فرهنگ گذشته خود را تداوم ببخشد یا گسترش دهد و نه می‌تواند آن را رها کند و از آن بگذرد و به جهان اجتماعی دیگری که مبهوت و مقهور آن شده است، ملحق شود. از اینجا رانده و از آنجا مانده!

- به دلیل اهمیتی که اسلام برای عقل و عقلانیت قائل است، جهان اسلام در مواجهه با فرهنگ یونان و روم، تنها عناصر عقلی این دو فرهنگ را اخذ کرد و به تناسب جهان‌شناسی توحیدی خود در دانش‌های مختلف آنها دخل و تصرف کرد و عناصر اساطیری و مشرکانه آنها را نپذیرفت.

(پایه‌شناسی (۱)، تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل بیرونی)، صفحه‌های ۹۷ و ۹۸)

۱۴۸- گزینه «۳»

(امیرمهری افشار)

- انسان صرفاً موجودی مکان‌مند و زمان‌مند نیست، انسان بعد اجتماعی و فرهنگی دارد و باید جامعه و فرهنگ را به خوبی بشناسد.

- جشن هنر شیراز به ریاست فرح پهلوی برگزار می‌شد.

(پایه‌شناسی (۱)، تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل بیرونی)، صفحه‌های ۱۰۰ و ۱۰۱)

۱۴۹- گزینه «۴»

(امیرمهری افشار)

اگر واقعیت‌ها و آرمان‌های یک جهان اجتماعی مطابق حق باشد، دارای هویت حقیقی است.

قرآن کریم فراموش کردن خداوند را سبب فراموشی انسان از خود می‌داند، «و لا تکنوا کالذین نسوا الله فأنساهم أنفسهم: همچون کسانی نباشید که خداوند را فراموش کرده‌اند، سپس خداوند نیز آنها را از یاد خودشان برد.»

(پایه‌شناسی (۱)، تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل بیرونی)، صفحه ۱۰۱)

۱۵۰- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمان‌های)

- هویت فرهنگی جهان اجتماعی هنگامی محقق می‌شود که میان مردم، عقاید و ارزش‌های مشترکی پدید آید.

- هویت فرهنگی تا زمانی که عقاید و ارزش‌های مربوط به آن مورد پذیرش اعضای جهان اجتماعی و برای آنها مهم باشد، دوام می‌آورد.

- هرگاه عقاید و ارزش‌ها، اهمیت و اعتبار خود را نزد اعضای جهان اجتماعی از دست بدهند، دوام هویت فرهنگی با چالش‌هایی مواجه می‌شود.

(پایه‌شناسی (۱)، تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل بیرونی)، صفحه‌های ۸۹ و ۹۰)

منطق

۱۵۱- گزینه «۲»

(سبا پعفرزاده مابری)

در قضایای شرطی دو نسبت و حکم وجود دارد که یا بین آنها اتصال، ملازمه و پیوستگی وجود دارد که به این نوع شرطی متصل گفته می‌شود و یا بین این دو نسبت عناد، انفصال و ناسازگاری برقرار است که به آن شرطی منفصل گفته می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در قضایای شرطی دو نسبت داریم نه یک نسبت.

گزینه «۳»: در هر دو نوع از قضایای شرطی حکم مشروط برقرار است و این نقطه تشابه است نه ملاک تقسیم‌بندی.

گزینه «۴»: صدق یا کذب قضایا ارتباطی به انواع متصل و منفصل ندارد.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۸۵ تا ۸۷)

۱۵۲- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

در تمامی گزینه‌ها به جز گزینه «۴»، تالی پیش از مقدم در جمله ظاهر شده است. در گزینه «۴» مقدم پیش از تالی آمده است. (اگر عقل بداند که دل در زندان زلف یار چه حال خوشی دارد (مقدم) (آنگاه) عاقلان از پی زنجیر ما دیوانه گردند (تالی))

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: (اگر) پیر مغان به تو گوید (فرمان دهد) (مقدم) (آنگاه) سجاده را می‌آلود کن (تالی).

گزینه «۲»: (اگر) کوه آهن نام افراسیاب را بشنود (مقدم) (آنگاه) از ترس آب می‌شود (تالی)

گزینه «۳»: مصراع دوم: (اگر) گوش شما چشم شود (مقدم) (آنگاه) حال من دیده می‌شود (تالی)

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه ۸۶)

۱۵۳- گزینه «۴»

(علیرضا نصیری)

گزینه‌ای در کنار «علی تجدید می‌شود.» یک منفصله حقیقی خواهد ساخت که اگر صادق بود، «علی تجدید می‌شود.» حتماً کاذب باشد و نقیض آن صادق، و اگر کاذب بود، «علی تجدید می‌شود.» صادق باشد و نقیض آن کاذب. گزینه ۴ این چنین است؛ اگر نمره علی از ده کمتر نشود، او تجدید نمی‌شود (نقیض «علی تجدید می‌شود.») و نمره علی از ده کمتر شود، او تجدید می‌شود. بنابراین ترکیب این گزینه و قضیه صورت سؤال یک منفصله حقیقی خواهد بود.



بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: علی ممکن است خودِ نمره ۱۰ را دریافت کند و همچنان تجدید نشود. بنابراین قضیه حاصل منفصله مانع‌الجمع خواهد بود.

گزینه «۲»: علی اگر نمره زیر ۱۰ بگیرد حتماً تجدید خواهد شد در نتیجه قضیه حاصل اصلاً منفصله نخواهد بود چون صدق هر کدام از طرفین مستلزم صدق دیگری خواهد بود.

گزینه «۳»: علی اگر در امتحان شرکت نکند حتماً تجدید می‌شود و بنابراین این قضیه نیز اصلاً منفصله نیست و صدق هر طرف، صدق طرف دیگر را نیز در پی دارد.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۸۶ تا ۸۸)

۱۵۴- گزینه «۴»

(معلم رفایی‌بغا)

از آنجا که فردا ممکن است نه شنبه باشد و نه یکشنبه، اما نمی‌تواند هم شنبه باشد و هم یکشنبه، پس قضیه الف، قضیه‌ای منفصل و مانع‌الجمع است.

همچنین از آنجا که گروه خونی یک شخص می‌تواند نه B+ باشد و نه B-، اما نمی‌تواند هم B+ باشد و هم B- پس قضیه ب نیز قضیه‌ای منفصل و مانع‌الجمع است.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۸۷ و ۸۹)

۱۵۵- گزینه «۳»

(فرهار قاسمی‌نزار)

در مصرع آخر «می‌گردد و نگردد» متناقض هستند پس شرطی منفصل حقیقی است.

دقت کنید که هر چند در دو مصراع اول قضیه شرطی متصل داریم اما دو طرف آن در تضاد نیستند.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۸۶ و ۸۷)

۱۵۶- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

چون وضع مقدم و معتبر است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: رفع مقدم - نامعتبر

گزینه «۲»: رفع مقدم - نامعتبر

گزینه «۳»: وضع تالی - نامعتبر

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۹۰ و ۹۱)

۱۵۷- گزینه «۳»

(مسین آفونری، راهنمای)

در قیاس استثنایی اتصالی دو حالت وضع مقدم و رفع تالی معتبر هستند. در گزینه «۳» رفع تالی رخ داده است و به رفع مقدم رسیده است و این حالت معتبر می‌باشد.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۹۰ و ۹۱)

۱۵۸- گزینه «۲»

(فیروز نژادنیف - تبریز)

در دو نوع از قضایا می‌توان از صدق یک طرف قضیه به کذب طرف دیگر دست یافت:

۱- منفصل حقیقی ۲- منفصل مانع‌الجمع اما از آنجایی که صورت سؤال قید صرفاً را ذکر کرده است تنها حالت مانع‌الجمع را در نظر می‌گیریم که در گزینه «۲» قضیه‌ای از این نوع بیان شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: قضیه مانع‌الرفع

گزینه‌های «۳» و «۴»: قضیه منفصل حقیقی

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۹۲ تا ۹۵)

۱۵۹- گزینه «۴»

(پرگل رهیمی)

اگر عین تالی مقدمه اول را در مقدمه دوم و عین مقدم را در نتیجه بیآوریم، دچار مغالطه وضع تالی می‌شویم. در قیاس استثنایی از نوع متصل صرفاً دو حالت وضع مقدم و رفع تالی معتبر هستند و سایر حالات مغالطه محسوب می‌شوند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: اشتراک قضیه منفصل حقیقی و مانع‌الرفع، عدم قابلیت جمع در کذب است.

گزینه «۲»: در قیاس استثنایی وضع مقدم، مقدمه اول قضیه شرطی متصل و مقدمه دوم، قضیه حملی است.

گزینه «۳»: رابطه بین قضیه منفصل مانع‌الجمع و مانع‌الرفع، تباین است، چرا که هیچ حالت مشترکی ندارند.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۹۲ تا ۹۶)

۱۶۰- گزینه «۲»

(موسی سپاهی - سراوان)

قضیه مطرح شده در صورت سؤال، شرطی منفصل حقیقی می‌باشد. (رد سایر گزینه‌ها) لذا با این قضیه می‌توان قیاس استثنایی انفصالی حقیقی تشکیل داد که چهار حالت با نتیجه معتبر دارد.

(منطق، قضیه شرطی و قیاس استثنایی، صفحه ۹۲)